

در صفحات دیگر این شماره:

- جنگ داخلی، اجتناب ناپذیر است ۹ صفحه
- رزمندگان و راه کارگر: از حرف تا عمل (۲) ۲۳ صفحه
- نفرت‌افسان سران عرب توطنه‌ای علیه خلقهای عرب ۲۴ صفحه
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف (قسمت آخر) ۱۵ صفحه
- تجزیهات مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان علیه سرمایه‌داری دولتی (۱) ۱۱ صفحه

**آمل: نهاجم گسزده  
ارنجاع به انقلاب  
وکشتار انقلابیون**

بدنبال سخنرانی "آست"  
مزدور و تحریک‌شده‌های منوهم و  
سازماندهی باندهای جماعتدار و  
جاکش توسط او، روز سه‌شنبه  
۱۰۵۹/۹/۱۱، وباش و مزدوران رژیم  
جمهوری اسلامی به نیروهای انقلابی  
شهر حمله کرده و ضمن ضرب و حرج  
انقلابیون، کتایب‌های موجود در  
شهر را به آتش کشیدند. مردم  
زخمکش آمل و نیروهای انقلابی  
بقیه در صفحه ۲۱

**جنایات رژیم جمهوری اسلامی  
در روستاهای کردستان  
یادآور جنایات اسرائیل در فلسطین  
و آمریکا در ویتنام است**

۵ صفحه

**لیبرالیسم: ایدئولوژی  
ضد انقلابی طبقه سرمایه‌دار!**

۱۳ صفحه

**سرمقاله**

**جنگ قدرت و  
سیاست خارجی  
رژیم**

دو هفته پیش در همین ستون از  
اوگیری جنگ قدرت در درون هیأت  
حاکمه با شما سخن گفتیم و اشاره  
کردیم که این به معنی وحدت  
بایستی تفادهای درونی رژیم  
و ناشی از شدت افزایش بحران  
اقتصادی و سیاسی موجود در جامعه  
بویژه پس از جنگ ایران و عراق  
است. هم‌اکنون با ایداه‌کنیم  
که این روند همچنان با شدت بیشتر  
و در اشکال جدید تر و طبعاً تا آنجا  
که "میثاق وحدت" آنان را در سرکوب  
جنبش‌شده‌ای و نیروهای انقلابی  
بقیه در صفحه ۲

**آوارگان جنگ و رژیم  
جمهوری اسلامی**

۲۵ صفحه

**سخنان وزیرکار:**

بیان خواسته‌های طبقه کارگر  
یا حزب خائن توده؟! ۳  
صفحه

**امپریالیسم جنایتکار  
آمریکا  
و بودجه نظامی آن**

۲۴ صفحه



۱۶ آذر، عید خون دانشجوی گرامی باد  
۷ صفحه

یک ربع قرن از قیام با شکوه  
خلق قهرمان آذربایجان گذشت

**۲۱ آذر**

سالگرد یاب پیروزی،  
سالگرد یک شکست  
۱۹ صفحه

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**

## بقیه از صفحه ۱ جنگ...

خدا را رسا زد، در طول دوره فتنه اخیر و در آستانه نیز ادا شده و خواهد داشت. دوره جدید مبارزه بر سر قدرت که با دستگیری قطب زاده و عکس العمل لیبرالها در برابر آن شروع گردید، همانطور که ناامید بودیم از یکسوق شیدا لحن آیت الله خمینی علیه لیبرالها و حمایتش از حزب جمهوری و از سوی دیگر سخنرانی بنی صدر در روز عاشورا و روزهای پس از آن که بشدت و بیوض حزب و بطور غیر مستقیم خمینی را مورد حمله قرار داد، دیدنیال داشت. در ادامه این مبارزه و جنگ بر سر قدرت هر دو جناح کوشیدند تا از طریق به میدان کشیدن مهره ها و سخنگویان برجسته خود و بر آید انداختن نظرات و اعتماد با دست رقیب و نقشه های عوام فریبانه یکدیگر را رو کرده و افشا نمایند. هفته گذشته، تهران و شهرهای مختلف ایران عرصه این رویارویی و تاخت و تاز بود. حمله شدید خاندانهای لیبرالها در خطبه نماز جمعه هفته قبل، سخنرانی لاهوتی، شیخ علی تهرانی و سلامتین در همان روز و روزهای بعد در مشهد علیه حزب جمهوری و بر آید انداختن نظراتی از هر دو سو در این شهر و در پی آن بسته شدن بازارهای مشهد، قم، تهران و سایر شهرها به پشتیبانی از روحانیت و حزب جمهوری، سخنرانی های متعدد رفسنجائی و خلخال و همچنین شیخ علی تهرانی در تهران، گوشه های برجسته ای از این کارزار تبلیغاتی و جنگ قدرت جناح های رقیب در هیات حاکمه را به نمایش میکشاند. نمایی که همچنان ادامه دارد.

اما در پس این مبارزه بر سر قدرت، دو نکته بسیار اساسی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. نکته اول این است که در این دوره از مبارزه، بنظر میرسد که حزب جمهوری، علیرغم آنکه با رها از سوی رقیب، مورد حمله و افشا قرار گرفته و حتی در مواردی در مقابل لیبرالها موضع تدافعی داشته و بدرجی توده های وسیعتری از آن دل نمیکند، ولی همچنان، به دلیل پشتیبانی همه جانبه آیت الله خمینی و روحانیون برجسته از این حزب و توجهات وسیع توده ها نسبت به ما هیت آن و در اختیار داشتن نهادهای مهمی چون مجلس و رادیو و تلویزیون بطور نسبی از حریف جلو افتاده و موفق به کسب مواضع جدیدی از قدرت سیاسی شده است. بطوریکه برخلاف جناح رقیب که اخیرا موضع تهاجمی خود را از دست داده همچنان حالت تهاجمی خود را حفظ کرده است. همانطور که میدانیم ما هیت بنی صدر و حزبها بر سر تعیین وزیر امور خارجه بشدت اختلاف نظر دارند و هر یک میکوشند، این پست بسیار مهم و اساسی را در اختیار خود بگیرند. اگر چه تاکنون کوشش راجائی و مجلس برای تعیین وزیر خارجه "مکتبی" به نتیجه نرسیده و بنی صدر بشدت با آن مخالفت کرده است، ولی حزبها

بیکار نما شده و در برابر مخالفت بنی صدر با وزیر امور خارجه مورد نظرشان، عملا اداره این وزارتخانه را چه از طریق مدیران آن وجه از طریق ارسال هیات های نمایندگی سیاسی برجسته به کشورهای مختلف و دخالت ناموتما در تعیین سیاست خارجی ایران بدست گرفته اند و این خود بدینال در اختیار داشتن مجلس شورای عالی قضائی، دادگاههای انقلاب، رادیو و تلویزیون، چندین روزنامه کثیرالانتشار پست نخست وزیری و... موفقیت بزرگی برای آنها و بخصوص در شرایط حساس کنونی (جنگ ایران و عراق، آزادی گروگانها، تأمین اسلحه، بهبود و گسترش روابط با آمریکا...) به حساب می آید.

سفر اخیر رفسنجائی رئیس مجلس اسلامی در ایران یک هیات به برخی از کشورهای عربی موسوم به "جبهه پایداری" و کشور لبنان، همزمان با تشکیل کنفرانس ران عرب و ایجاد دوستگی میان کشورهای عربی مبتنی بر سیاست و خط امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی از یکطرف و سیاست و خط سوسیال امپریالیسم شوروی از سوی دیگر و همچنین مسافرت ما به هیئت های نمایندگی ایران به کشورهای اروپائی و شبه قاره هند به سرپرستی حجت الاسلام خاتم (سرپرست جدید روزنامه کیهان) و اما می کشانی که هر دو وابسته به جناح حزب هستند، بیانگر این است که حزب میکوشد در غیبت وزیر امور خارجه، دیپلماتی و سیاست خارجی مورد نظر خود را در مقابل لیبرالها چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه ای به پیش ببرد.

نکته دوم و بسیار با اهمیت که در ارتباط با جنگ قدرت دو جناح هیات حاکمه یا بدو توفیع داده شود، همانا مقوم دیپلماتی و سیاست خارجی است که حزب جمهوری اسلامی به شکل فعال و گسترده ای در صدد انجام آن است. این مقوم حاکی از وجود یک گرایش در حزب جمهوری اسلامی با سنگینی به سوسیال امپریالیسم شوروی و کشورهای وابسته و با کم و بیش وابسته به آنست. اینک این گرایش چه رابطه مشخصی با موقعیت و ترکیب طبقاتی حزب و ویژگیهای آن اعم از بورژوازی و خریده بورژوازی دارد، مساله ای است که در اولین فرصت و درجای خود به توضیح آن خواهیم پرداخت. اما آنچه که باید در اینجا بدان اشاره شود تفاکتهای اساسی این حرکت و نتایجی است که از آن بدست می آید.

رفسنجائی در مساجد و خیابانها و خبرنگاران سی - سی - ای که ناچار در مورد رابطه شوروی و عراق و اینکه در مورد تکیه عراق رابطه اش را با شوروی قطع کند و شوروی به ایران پیشنهاد اسلحه نماید یا ایران قبول نمیکند، اظهار می دارد:

"همانطور که گفتیم این اطلاع را بطور رسمی

سفیر شوروی به آقای بنی صدر دادند و آقای حافظ اسد و آقای قذافی هم همین خبر را داشتند. توجیهش از نظر من اگر با شما این است که الان اگر شوروی بفهمد که ما خود را به آمریکا فروخته و موضعش را عوض میکند... ما بطور کلی هیچوقت خود را محدود نکرده ایم که از جانش وسیله تخریب و یا از جانشی معین بخیریم. در صورتیکه نیاز داشته باشیم و شوروی بخواد اسلحه ای بماند به میخیریم." (روزنامه میزان ۱۳ آذر - تاکید از ما ست) توضیح رفسنجائی، مرد قدرتمند حزب جمهوری و کسیکه همین چند روز پیش با دوستان عرب زبان شوروی ملاقات داشته است، به حد کافی گویاست و نشان دهنده آن است که میزبانان آقای رفسنجائی یعنی قذافی و حافظ اسد در نزدیک ساختن شوروی و ایران و انجام معاملات اسلحه نقش بسیار فعال و حساب شده ای را ایفا کرده اند. و اصولا مگر یکی از اهداف هیات سیاسی ایران از مسافرت به عراق و رمیا نه و بهتر است بگوئیم سیاست این گرایش حزب جمهوری اسلامی جز این بوده است؟! و تازه مگر اسلحه ای شوروی به ایران باید حتما از بندرتا و اسلحه بندرتا نزل صورت گیرد. این کار میتواند از بندرتا ز قیه سوریه و طرابلس لیبی نیز انجام گیرد! و البته این سوی اسلحه ای است که رژیم جمهوری اسلامی در انتظار دریافت آن از آمریکا و باز از آزادی گروگانهای آمریکائی است و تاکنون هم آقای کارتر و هم سردمداران رژیم از جمله همین آقای رفسنجائی بدان اعتراف کرده اند. (توده ها معنی نه شرقی، نه غربی آقایان را فهمیدند!)

جهت گیری این گرایش حزب جمهوری اسلامی به سمت شوروی، البته مساله ای نیست که اخیرا بوجود آمده باشد، هرکس نیمنگاهی به مساجد و سخنان برخی از سردمداران حزب جمهوری اسلامی و از جمله همین آقای رفسنجائی از ما هیت پیش به این طرف انداخته باشد و سیاست حمایت از میزبانان رودست خاشن حزب توده، این نوکران سوسیال امپریالیسم روس را از حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و مواضع سیاسی آن مورد توجه قرار داد این مساله برایش آشکار و روشن خواهد شد. اما آنچه که باید آفا فک کرد این است که در این دوره از مبارزه و جنگ قدرت میان جناحهای هیات حاکمه و الزاماتی که شرایط کنونی و بویژه جنگ ایران و عراق برای هر یک از جناحها و کل رژیم جمهوری اسلامی بوجود آورده است، هر یک از جناحها را با توجه به ویژگی و موقعیت طبقاتی اش بر ما تلبیش از گذشته به این یا آن امپریالیست و در این رابطه گرایش حزب جمهوری را به سوسیال امپریالیسم شوروی و لیبرالها را به امپریالیسم آمریکا و اروپا و ژاپن نزدیک ساخته است.

## به استقبال جنبش او جگیر نه ده توده ها بشتابیم

# جنبش کارگری



## زندگی در زیر بار گلوله‌ها: شرط پرداخت حقوق کارگران آبادان!

مقامات رژیم اعلام کرده اند هر کارگری آبادانی که میخواهد حقوقش را بگیرد باید به شهر بیاید و گرنه نه تنها از حقوق خبری نیست بلکه اخراج هم خواهد شد. این حکم در شرایطی صادر میشود که هر دقیقه یک خمپاره در نقاط مسکونی شهر فرود میآید. مثلاً روز ۲۴/۸ که کارگران برای دریافت حقوقشان در محل ستاد تعمیرات برسمشالی، اجتماع کرده بودند، این محل مورد اصابت خمپاره قرار گرفت که موجب وحشت شدید کارگران گردید. رژیم با اینگونه اعمال فشارهای ضد مردمی خود، کارگران (و بخصوص کارگران پیمانی که دچار فقر شدید هستند) را بر سر دوراهی قرار میدهد که یا بپذیرند به اخراج و گرسنگی خود و زن و فرزندانشان بدهند و یا در شهر بمانند و هدف خمپاره های مزدوران بعثی قرار گرفته و گوشت دم توپ سرمایه داران گردند. این امر نه تنها بیانگری توجیهی رژیم به جان زحمتکشان است، بلکه این سؤال را مطرح میکند که آیا رژیم در کشتار زحمتکشان ایران، کمتر از رژیم عراق مقصداست؟

### پالایشگاه اصفهان:

روز چهارشنبه ۱۳۵۹/۹/۵ کارگران پالایشگاه تا هدمرک دلخراش یکی از همکاران خود بودند. او که عبدالله بلدی فروشانی کارگر تعمیرات (مکانیک)، بود در حین کار از روی دار بست سقوط میکند و بمحض رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست میدهد. علت سقوط این کارگر زحمتکش، بیپوشی ناشی از مسمومیت هوای آلوده به گاز مخطوطه پالایشگاه بود. در صورتیکه هم میزان آلودگی هوا سنجیده میشود هم کارگرانی که روی دار بست کار میکنند از کمربند ایمنی برخوردار نمیشوند که از هیچکدام خبری نبود عدم وجود وسایل ایمنی تاکنون موجب مرگ بسیاری از کارگران گردیده است و این هم دلیلی ندارد مگر سودجویی سرمایه داران و بی ارزش بودن جان زحمتکشان برای آنها. تنها با نابودی سرمایه داری وابسته، میتوان جلوی تکرار اینگونه حوادث را گرفت.

### کیلان:

اخیراً استاندار ضد کارگر جمهوری اسلامی، به بهانه جنگ مبلغ ۵۰۰ تومان از حقوق ۱۸۰ کارگر جدیداً استخدام کرده است. همچنین طبق بخشنامه نخست وزیر، شما می‌توانید اضافه کاری کارگران از تاریخ اول آبانماه بقیه در صفحه ۱۰

## سخنان وزیر کار: بیان خواسته های طبقه کارگر یا حزب خائن توده؟!

رویزیونیستها، عوامل سرمایه داران هستند که تحت پوشش "دفاع از منافع طبقه کارگر"، در واقع بدنیا ل تا مین منافع اربابان خود هستند و غالباً اتفاق می افتد که این خائنین به طبقه کارگر، گامهای اشتباهی را برداشته و در نتیجه جلوه دادن استثمار سرمایه داران، از خود آنها بیشتر "تلاش" میکنند، در ایران، کهنه ترین

رویزیونیستها، عوامل سرمایه داران هستند که تحت پوشش "دفاع از منافع طبقه کارگر"، در واقع بدنیا ل تا مین منافع اربابان خود هستند و غالباً اتفاق می افتد که این خائنین به طبقه کارگر، گامهای اشتباهی را برداشته و در نتیجه جلوه دادن استثمار سرمایه داران، از خود آنها بیشتر "تلاش" میکنند، در ایران، کهنه ترین

بقیه در صفحه ۱۱

## کارگران مینو خواهان برکناری "هیأت مدیره" ضد انقلابی کارخانه هستند!

وبه سختی مجروح شد. اکثریت کارگران به این عمل خیره شدند. و آنهایی که از ماجرا خبر نداشتند از این کار نا راحت شدند. مفیدی با دیگر میکروفون را در دست گرفت و کارمندان را "مشتی رستخیزی" معرفی نمود و گفت ما "مکتبی هستیم" و "مکتبی عمل میکنیم" و مخالف چپ نماها و فدایی ها، مجاهدین کارپیا و... هستیم که هر چه زود، سه وسیله انجمن اسلامی آنها را تنقیه خواهیم کرد. روز بعد از صحبت های مفیدی، پاسداران تعدادی از کارمندان خوراک و کارمندان زن را دستگیر کرده و به کمیته می برند. کارگران و کارمندان که از این موضوع مطلع میشوند، به سازمان صنایع ملی رفته و خواستار برکناری مفیدی میشوند و نیز کارگران قسمت ساخت دارو تا ساعت ۹ صبح کار نمی کنند. مفیدی در این روز گفت: "بکه" عده ای قصد رفتن به سازمان صنایع را دارند و من خودم این عده ای نیستم. "

در اجتماع کارمندان و کارگران سازمان صنایع ملی در مقابل خواست آنها که "برکناری هیئت مدیره جدید" بود، سلب مسئولیت میکند و آنها را به وزارت صنایع و معادن حواله میدهد. هم اکنون کارخانه مینو در وضع نا آرامی بسر می برد و خطرا اخراج کارگران مبارز و مترقی احساس میشود. ■

چندی پیش کارمندان شرکت خوراک (وابسته به شرکت پارس مینو) به عنوان اعتراضی به: ۱- انحلال شورای کارمندی توسط هیئت مدیره جدید ۲۰ - تعویض شغل ۳۰ - پرداخت ۱۰۹ هزار تومان به سه عامل مزدور خسرو شاهی که بوسیله هیئت مدیره قدیم اخراج شده بودند. (البته این سه نفر بوسیله هیئت مدیره جدید برکنار شده اند). در سالن اداره مرکزی واقع در کارخانه مینو اجتماع کردند، و در آنجا به افشای هیئت مدیره جدید پرداختند. در این اجتماع مهندس پوردیبا یکی از اعضای هیئت مدیره قدیم حضور داشت.

مفیدی مدیر عامل هیئت مدیره جدید که از دیدن این اجتماع وحشت زده شده بود، بوسیله بلندگوی کارخانه از کارگران خواست که جلوی اداره مرکزی اجتماع کنند. مفیدی در این صدا صحبت کارمندان شرکت را "مشتی تا جاجو" و "هرج و مرج طلب" قلمداد نمود و گفت که اینها میخواهند هیئت مدیره منتخب دولت را برکنار کنند و نیز "اینها کارگران را بی شعور و ناگاہ میدانند، و بدلیل ترسیت کارگران را بر علیه کارمندان تحریک میکند. در این موقع مهندس پوردیبا اجازه صحبت خواست ولی مفیدی به او اجازه نداد در میان اجتماع عده ای خواستار صحبت پوردیبا شدند. همین که پوردیبا میکروفون را بدست گرفت مورد حمله مزدوران قرار گرفت

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

## وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌ای



### تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۸)

بموقع بودن آن استنتاج میشود. تبلیغ با بسی ب موقع دشمنان توده‌ها را افشا کند چرا که آگاه شدن توده‌ها را: "مناظر زنده و افشای بدون فوت وقت آن‌ها را میسر می‌آید و بدست دهد که در لحظه کنونی در پیرامون ما روی میدهد." (۳) تبلیغ با بسی ب موقع رهنمود مبارزاتی بدهد بدون تبلیغ بموقع نمی توان اعتماد توده‌ها را برای رهبری مبارزاتشان بدست آورد و نمی توان با افشای بموقع دشمنان توده‌ها آنها را به مبارزه کشید. لنین میگوید بهترین دعوت توده‌ها به مبارزه، گرفتن بموقع مجرمین جنایت است:

"ما در باب دعوت توده‌ها به فعالیت، باید گفت که هر آینه تبلیغات جدی سیاسی و افشاکریهای روشن و جاندار عملی شود، آنوقت این امر خود بخود صورت خواهد گرفت. هیچ یک نفر مجرم را در حال ارتکاب جرم گرفتن و رسوا کردن وی در همان ساعت در محاکمه، این بخودی خود از هر گونه دعوتی اثرش بهتر است. اثر این امر غالباً چنان است که بعداً حتی نمی‌شود معلوم کرد که در حقیقت چه کسی توده را دعوت کرده و... (۴) (همه تانک‌ها، در نقل قول - های این مقاله از ما است.)

پس تبلیغ با بسی ب زنده، جاندار و بموقع باشد. افشاکری بدون فوت وقت انجام بگیرد و مج دشمن طبقه‌ای در حین ارتکاب جرم گرفته شود. در چنین حالتی است که تبلیغ میتواند توده‌های بیشتری را آگاه کرده و به مبارزه انقلابی بکشد.

عدم تبلیغ بموقع در حقیقت باری کردن به مجرم در فرار از اثبات گناهایش نزد توده‌هاست.

بسیار بر سر انگیزش روحیات انقلابی توده‌ها می‌گوید:

"آیا در ماندگی و زندگی رفتن بار! (خلق تحت ستم - پیکار) برای این نیست که با گفته‌هایی که مشوق روح اوست، به موقع به او کمک شده است؟ آیا می توانی آن خنده نشاط بخشی را که روح انسان را جلا می دهد، برانگیزی؟... حواست را جمع کن، حق موعظه کردن تنها روی این اصل کلی بنوداده میشود که توانایی پیدا کردن احساسات واقعی و صادقانه مردم را داشته باشی، با بنوایی به کمک آنها، پینگ مانند، بعضی از صورتهای زندگی را خراب کنی، درهم بریزی و به جای این زندگی تنگ و تاریک، زندگی آزادتر دیگری را ایجاد کنی، خشم، کینه، شرمساری، نفرت و بالاخره با این یعنی آلوده هر ماهی هستند که به مدد آنها میتوان در دنیا، همه چیز را در هر ریشه با بود ساخت. آیا میتوانی چنین اثرهایی بسازی؟... (۲)"

### ب- مشخصات تبلیغ

در شماره‌های گذشته توانیم تبلیغ را بررسی کردیم، اینک اردل آن خوانین مختصات تبلیغ را بیرون میکشیم.

#### ۱- تبلیغ برانگیزاننده است

در بیان اولین قانون تبلیغ گفتیم (پیکار ۷۸) که "تبلیغ با بسی ب روحیه تسلیم و رخنه توده‌ها را درهم کوبد و روحیه خشم و طغیان آنان را برانگیزد و در جهت انقلاب این "خشم مقدس" برانگیخته شده توده‌ها را سازمان دهد و به کار ببرد."

پس تبلیغ برانگیزاننده است و با بسی ب تاکید بر غرایز انقلابی توده‌ها، آنها را در جهت انقلاب برانگیزد.

لنین به روشنی تمام این برانگیزانندگی تبلیغ کمونیستی را اعلان جنگ مینماید: "حمیقت کوشی در راه زندگی کارگری، همه را بوجد می آورد، بیان عفت مانده سر بر سر کارگران همگ شور و شوق واقعی بسرای طبع و بشر، شور و شوق غیورانه‌ای برای این شکل ابتدائی جنگ علیه تمام نظام سبب اجتماعی امروزه، که پایه آن بر غارت و تعدی مبتنی است، بیدار شد و حقیقتاً هم این "جنگ" با همه "دراکثریواردها" همان اعلان جنگ بود، زیرا که این افشاکریها، تاثیر فوق العاده هیجان آوری می بخشد و باعث این میشود که تمام کارگران رفیع این بسی بریتنی های نفرت انگیز را خواستار گردند و آماج دگی خود را برای پشتیبانی از این خواسته ها بوسیله اعصاب، اعلام نمایند." (۱) پس: "تبلیغ کمونیستی، توده‌ها را به وجد می آورد، شور و شوق غیورانه‌ای در آنها ایجاد میکند، تا تاثیر هیجان آوری می بخشد و باعث میشود که توده‌ها بر علیه ستم طلبانی برانگیخته شده، دست به مبارزه انقلابی بزنند و در حقیقت تبلیغ یک "اعلان جنگ" تمام عیار به یوروژوازی است.

تبلیغ با بسی ب آن احساساتی را در توده‌ها بیدار کند و برانگیزد که برای انقلاب مفید است. لنین در گفتاری با کورکی کوشی روی سخنش با همه مبلغین کمونیست است که با تانک‌ها

- ۱) تبلیغ کمونیستی، توده‌ها را به وجد می آورد. شور و شوق غیورانه‌ای در آنها ایجاد میکند.
- ۲) تاثیر هیجان آوری می بخشد و باعث میشود که توده‌ها بر علیه ستم طبقه‌ای برانگیخته شده، دست به مبارزه انقلابی بزنند و در حقیقت تبلیغ یک "اعلان جنگ" تمام عیار به یوروژوازی است.
- ۳) تبلیغ با بسی ب زنده، جاندار و بموقع باشد. افشاکری بدون فوت وقت انجام بگیرد و مج دشمن طبقه‌ای در حین ارتکاب جرم گرفته شود. در چنین حالتی است که تبلیغ میتواند توده‌های بیشتری را آگاه کرده و به مبارزه انقلابی بکشد.

تبلیغ یک مسئله اساسی روزاگر در انجام بگیرد مانند غذای لذیذی است که پس از چند روز ماندن دیگر هرگونه ارزش غذایی خود را از دست داده است. تنها با تبلیغ بموقع میتوان حضور فعال خویش را در عرصه مبارزه طبقه‌ای نشان داد و با هر جنایت دشمن، توده‌ها را فوراً آگاه ساخت. تبلیغ بموقع شریبه روزانه تبلیغی را برای سازمانهای کمونیستی طلب میکند و در فقدان چنین شریبه روزانه‌ای، تراکتها و اعلامیه‌های افشاکرانه روزانه با بسی ب سریع و بدون فوت وقت توده‌ها را آگاه کرده و هر چه بیشتر به مبارزه بکشد.

بقیه در صفحه ۲۱

پس تبلیغ کمونیستی با بیدار کردن زندگی بهتر را در توده‌ها برانگیزد و عصیان بر علیه ستم طبقه‌ای را در توده‌ها به طغیان وادارد و با تانک‌ها بر روحیات انقلابی توده‌ها، تبلیغ را در خدمت انقلاب درآورد. برعکس، تبلیغات ریز-یونیستی میخواهد از برانگیخته شدن احساسات انقلابی توده‌ها جلوگیری کند و تبلیغات آنازیستی نیز میخواهد فقط احساسات برانگیخته شده مشتاقان روشنفکر را از توده‌ها رها کند.

#### ۲- تبلیغ کمونیستی بموقع انجام میگیرد

در بیان قانون دوم تبلیغ در پیکار ۷۹ گفتیم که تبلیغ کمونیستی با بسی ب اساسی - ترس نیا توده‌ها در هر مقطع تاریخی با ستم بگوید، بدین ترتیب مشخصه دوم تبلیغ یعنی

- (۱)، (۲)، (۴) - چه با بگوید، بخش سوم
- (۲) - کورکی - هدف ادبیات.



# خلق ها و مسئله ملی

**درو د بر...**  
درو د بر شهیدای روستاهای ایند رقاش ، یوسف کند ، صوفیان ، و سه روکانی .

**گرامی باد...**  
گرامی باد خاطره پیشمرگان انقلابی کومه ، رفقای شهید ، کاک علی قطبی و کاک هایزید دانشمایی .

## کشتار پیر حمانه در روستاهای کردستان

## قتل عام زحمتکشان روستای صوفیان در اشنوبه

آدمکشان رژیم جمهوری اسلامی در روستاهای کردستان بیداد میکنند . روزی نیست که آنها دهکده ای را به آتش نکشند و خانه ها و مفا زه های اهالی زحمتکش آنرا بارت نبرند . روزی نیست که این جنایتکاران حرفه ای مزدور ، زحمتکشان بیگ روستا را قتل عام نکنند . پس از قتل عام روستایان "ایندر قاش" و "یوسف کند" این جنایتکاران ، جنایات خود را با دیگر روستاها در روستای صوفیان (اشنوبه) تکرار کردند : روستای "صوفیان" در حفاصل جلدیان و اشنوبه قرار دارد . در تاریخ ۵۹/۸/۷ با سداران بدون هیچ بهانه ای به روستای صوفیان حمله کردند . اهالی مبارز روستا که پیش از این ، وحشی گریها و جنایات با سداران را در ایند رقاش و دیگر روستا ها دیده بودند ، با کینه و نفرتی هر چه تمام تر سلاح بدست گرفته و به دفاع از زن و بچه ها و خانه های خود برخیزند . آنها طی نبردی قهرمانانه عده ای از با سداران فذلخی را به هلاکت میرسانند . اما بعثت نداشتن سلاح سنگین و تجهیزات کافی ناچار به ترک روستا میگردند . پس از رفتن عده ای از اهالی از روستا ، با سداران وحشیانه به روستا حمله کرده و اهالی باقی مانده اعم از زن و مرد و کودک و بیرو جوان را زیر رکبا و مسلسل های خود میکوبند . آنها با وحشیگری هر چه تمام تر ۱۲ نفر از اهالی زحمتکش را شهید و بیش از ۲۰ نفر را مجروح میکنند . اساسی شهدای "صوفیان" بشرح زیر است :

## جنايات رژیم جمهوری اسلامی در روستاهای کردستان یادآور جنایات اسرائیل در فلسطین و آمریکا در ویتنام است

در فلسطین و آمریکا به دهکده "میلان" ویتنام و دیگر امیریا لیستها در روستاهای سیاه پوست نشین آفریقا و دیگر نقاط جهان انجام داده اند و براساسی که رژیم جمهوری اسلامی نیز بواسطه جنایاتی که در ایران و از جمله در روستاهای کردستان انجام میدهد ، همدست با امیریا لیستها و صهیونیستها میباشد . کشتار در روستاها ، شیوه دیگری است که رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب کامل جنبش مقاومت خلقی کردتا ذکر شده است . این کشتار جزئی از توطئه های گسترده و جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی برای تسخیر کامل کردستان و برقراری حاکمیت خونین خود در این منطقه میباشد . رژیم علاوه بر سرکوب مقاومت خلقی کرد در شهرها ، از کشتار روستایان اهداف زیر را دنبال میکند :

۱ - سرکوب جنبش مقاومت خلقی کرد با کشتار روستایان در جهت بزا نمودن ورودن زحمتکشان روستاها :

می دانیم که جنبش مقاومت خلقی کرد ، علاوه بر کارگران و زحمتکشان شهری ، عمدتاً بر بقیه در صفحه ۸

کشتار خلقی کرد بویژه در روستاهای کردستان ایضا دگسترده تری بخود گرفته است . مزدوران رژیم ، با سداران ، ارتش ، جاشهای متفور ، کمیته جی ها ، ملاحسنی و دیگر مرتجعین ، براساسی که با جنایات و وحشیگریهای خود ، روی سربازان اسرائیل و امیریا لیسم آمریکا را سفید کرده اند آنها به دهکده ها حمله میکنند . اهالی زحمتکش و بیدفاع را قتل عام میکنند ، چشمانشان را از حلقه درمی آورند ، با سا طور و قمه ... مجروحان را با خنجر و فلج میکنند . مزدوران رژیم خرمنها ، گندمها و غلوه های دامی دهقانان را آتش می زنند ، خانه و دکانهای مردم بیدفاع را غارت و به آتش میکشند و به زنان و دختران و روستاییان تجاوز میکنند . آنها تا بحال اهالی روستاهای تارنا ، کانی مام سید ، قهلاتان ، ایند رقاش ، یوسف کند و صوفیان ، سه روکانی را قتل عام کرده اند ، و دهها روستای بزرگ و کوچک را با حملات مستقیم خود و با با شلیک توپ و خمپاره راکت و گلوله نابود کرده اند . آنچه که هم اکنون در کردستان می گذرد ، تکرار یادآور جنایاتی است که اسرائیل با کشتار در دهکده های "دیریا سین" و "کفر قاسم"

## دو جناح ضد خلق در کردستان بجان هم افتاده اند

سنندج :

آنها طی حملاتی ضمن خلق سلاحهای مفتی - زاده ، عده ای از آنها را دستگیر میکنند و عده دیگری از آنها را فرار می نمایند . همزمان با این واتعد در کرمانشاه با سداران و جاشهای وابسته به آنها به خانه مفتی زاده ریخته و ضمن دستگیری مفتی زاده و ۱۴ نفر از محافظان مسلحش ، تمام کتابها و جزوات موجود در خانه را توقیف و ضبط میکنند . لازم به یادآوری است که قبل از این جریانات ۷۵٪ از تشکیلات جاشهای متفور ضد خلقی ، طرفدار مفتی زاده بودند .

بدنبال اختلاف بین جاشهای مفتی زاده و جاشهای وابسته به سداران ، در جریان تظاهرات فرمایشی ۱۳ آبان در سنندج ، در میدان آزادی این شهر یک جاش مفتی زاده پس از درگیری لفظی با یک با سدارا و مجروح نمود ، که در تیراندازی متقابل یک عابری نام "کیومرث حجت خلایلی" کشته شد . این واقعه باعث شد که جناح جاشهای وابسته به رژیم در سیه با سداران ادغام شده و به خلق سلاح جاشهای مفتی زاده اقدام نمایند .

## حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

## پیروزباد جنبش مقاومت خلق کرد



۱- زلیخا توحیدی ۲- محمدپور خضر ۳- سید-  
طه توحیدی ۴- عبدالرحمان خوشرو ۵- حسنه کنورد  
۶- طاهر نظران ۷- حاجی حسن پورخصر  
۸- رحیم شوان ۹- ملا حسن ۱۰- امین شوان ۱۱-  
سید حسن شیخ محمد امین ۱۲- ابوبکر قاضی زاده  
با داین شهدای خلق کرامی باد.

### روستای "سهروکانی" پیرانشهر و قتل عامی دیگر

بعد از کشتار حنا بیکارانه و فاشیستی رژیم  
در "ابندرقاش" و "موفیان" دژخیمان عده زیادی  
از اهالی سیدفاع "سهروکانی" (سروکانی) را قتل  
عام کردند. صبح روز ۵۹/۸/۱۹ عده زیادی از  
پاسداران ارتجاع و افراد بسیج مستضعفین و  
ارتش ضد خلقی مستفرد "پادگان جلدیان" دو  
دسته شده و بسوی روستاهای "کلی" و "سهروکانی"  
حرکت نمودند. به این هدف که اهالی سیدفاع  
این روستاها را قتل عام کرده و در نقطه‌ای بهم  
پیوندند.

دسته‌ای از پاسداران و مزدوران بسوی  
"سهروکانی" (این ده در بین جلدیان - گرده -  
کشان واقع شده و نسبتاً ده بزرگی است و از دو  
پادگان جلدیان و پیوه بضاعه ۵ کیلومتری  
قرار دارد) حرکت نموده و در سیده دم در نزدیکی  
روستا از خود روها پیاده شده و با پای پیاده از  
طلوع آفتاب از چند طرف بسوی آن پیشروی  
نمودند. و آن راه محاصره خود درآورده و شروع به  
سیراندازی کردند. اهالی روستا در لحظات اول  
وحشت زده شروع به بیرون بردن زن و بچه‌های  
خود می‌کنند. اما چون از کشتار و وحشیانه‌های  
سیدفاع روستاهای "ابندرقاش" و "موفیان" ...  
آگاه بودند تصمیم دفاع ناسرحد می‌گیرند. زن  
و مرد و پیر و جوان با تنگ، داس، بیل، کلنگ ...  
دفاع می‌پردازند. ولی بعلمت اینکه مهمات  
کافی و سلاح سنگین در اختیار نداشتند و نیروی  
کمکی هم بعلمت وضعیت خاص روستا به آنها نمی-  
رسید، پس از چندین ساعت مقاومت قهرمانانه  
عقب نشینی می‌نمایند. افراد دشمن تدریجاً  
داخل ده شدند، عده‌ای از اهالی که هنوز در  
سنگرها مقاومت میکردند با مزدوران کلاویر شده  
به جنگ تن به تن با آنها پرداختند.

عده‌ای از زنان نیز تنه‌ها را به درازیا  
درگیری شرکت جستند. در این نبرد عده زیادی  
از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. نیروهای  
سرکوبگر پاسدار، افراد بسیج و ارتش مغولوار  
به هر جنسده‌ای که میدیدند تیراندازی میکردند  
آنها بزرگ و کوچک را قتل عام کردند قساوت و  
وحشیگری این دژخیمان روی فاشیستان تاریخ  
را سفید کرد. آنها بعد از درهم شکستن مقاومت  
مردم با افراد باقیمانده در ده حمله کرده و با کمال  
بیشمرمی ۱۷ نفر کودک و پیر و جوان روستا را به

۱۲- مصطفی حاجی احمد ۲۰ ساله  
۱۳- حسین حاجی اسماعیل ۵۵ ساله  
۱۴- فرزندان سلیمان و هوار بی  
(گهواره‌اش در آتش سوخت)  
۱۵- فرزندان سید عبداللہ رمضان گردکسیان  
۱۶- ۱۷- یک زن و مرد و آواره‌ها "اشنوبه".  
سه نفر نیز زخمی شدند.  
(بنقل از خبرنامه ۹۳ کومله)

#### بقیه از صفحه ۱۴ لیبیرالسم...

لیبرالسم، تنها سازش با امپریالیسم، حفظ و  
بازسازی سرمایه‌داری وابسته و ایجاد "نظم"  
و "امنیت" ضد انقلابی و "کاروکوش" بیشتر  
یعنی استثمار بیشتر برای زحمتکشان را نوید  
میدهد. لیبرالسم، دشمن خطرناک دموکراسی  
واقعی، یعنی دیکتاتوری کارگران است، چراکه  
دیکتاتوری کارگران یعنی دیکتاتوری برای  
طبقه سرمایه‌دار و دموکراسی برای توده‌ها، و  
به همین دلیل لیبرالها از آن متنفرند. در شماره  
بعد مفهوم واقعی دموکراسی را توضیح خواهیم  
داد و روشن خواهیم کرد که چه کسانی دموکراسی  
واقعی را برای توده‌ها به ارمغان می‌آورند.

لیبرالسم، ایدئولوژی ضد انقلابی  
بورژوازی را افشا و طردنما می‌شیم!

شهادت رسانده و بدن آنها را با سر نیزه سوراخ  
سوراخ کرده و چشم آنها را بیرون می‌آورند و بدن  
عده‌ای را نیز با سوارهای و تبر قطعه قطعه  
کرده و آنها را متلّه می‌کردند. از ۱۸۰ خانه ده ۱۳۰  
خانه را آتش زدند. آنها چندین کودک را در حالی  
که در داخل گهواره‌ها بودند بداخل آتش  
انداختند. مدتها را سازگار و گوسفند اهالی بر  
آشود و آتش تلف شدند. چندین دستگاه تراکتور  
و ماشین سواری را آتش زده و با خود بردند.  
جنا بیکاران پس از غارت اموال مردم، روستا را  
که غرق در خون و آتش بود ترک کرده و صفحه ننگین  
دیگری را بر تاریخ پر از دشمنی، قساوت و وحشیانه  
خود با خلقها و زحمتکشان افزودند.

اسامی شهدای فاجعه "سهروکانی"

- ۱- درویش پنج برالان ۶۰ ساله
- ۲- احمد کاک عمر ۷۰ ساله
- ۳- ابراهیم گرمینی ۸۵ ساله
- ۴- عابدیه مسرسل شالی ۵۰ ساله
- ۵- خاتون کبیر ۷۰ ساله
- ۶- قادر بیگزیز ۳۵ ساله
- ۷- حاجی مصطفی شاوله ۷۰ ساله
- ۸- ماریه شول ۸۰ ساله
- ۹- صوفی عولا ۶۰ ساله
- ۱۰- صوفی ابراهیم ۶۰ ساله
- ۱۱- رسول حاجی حسین ۶۰ ساله

## ۱۶ آذر، عید خون دانشجوگرامی باد

دریست و هفتمین سالگرد ۱۶ آذر،  
دانشگاه در جنگال جمهوری اسلامی  
به بند کشیده شده است.

را به زباله دانی تاریخ افکند. اما همچنان  
دانشگاه میدان نبرد علیه امپریالیسم باقی  
ماند و رژیم جمهوری اسلامی نیز این راه را  
برداشته و نخواهد بود.

بیست و هفتمین سالگرد ۱۶ آذر، در زمانی  
بزرگوار می شود که دانشگاه های این سرزمین  
پایدار آزادی بوسیله دژ خیمه آزادی به بند  
کشیده شده است و رژیم جمهوری اسلامی ۱۶ آذر  
دیگری که با اول اردیبهشت ۵۹ پدید آمد، ۱۶  
آذر که با خونین تر و خیمه های تراز ۱۶ آذر  
شاه خاکن بود.

اگر شاه خاکن دانشگاه ها را می بست، به  
خون میکشید و دانشجوان را زندان و شکنجه میکرد،  
جمهوری اسلامی نیز تاکنون در این آزمایش  
شکنجه و کشتار و خفقان کوتاه نیامده است.  
زندانیان همچنان شکنجه گاه دانشجویان انقلابی  
است و خون شهیدان اول اردیبهشت، علمی  
شوشتریها، مودنها، معتدیهها، دانیالی ها و...  
بر در و دیوار دانشگاه همچنان زنده و شاداب است.  
تأزمانی که امپریالیسم و ارتجاع وجود  
دارد، ۱۶ آذر ها و اول اردیبهشت ها بعنوان  
نشانه ای از دشمنی آشتی ناپذیر توده ها و  
امپریالیسم و ارتجاع، دانشگاه را همچون مشعلی  
در شب تیره حکومت های غلامی برخواهند  
افراشت.

### زحمتکشان و خلق های قهرمان ایران!

ظاهره سرخ ۱۶ آذر ها، یادآور آنهمه  
دلایری دانشجویان انقلابی بر علیه رژیم شاه  
خاکن است، اما آن دانشگاهی که شما با قیام  
خود در بهمن ۵۷ گشودید، اینک باز به بند کشیده  
شده است. آن زندانیان که در آن هزاران دانشجو  
اسیر بودند و شما آنها را گشودید، اینک باز پر از  
دانشجویان شکنجه دیده انقلابی است. آن آزادی  
که شما بخاطرش هفتاد هزار شهید دادید، اینک در  
چنگال رژیم جمهوری اسلامی باز به بند اسارت  
در آمده است. طبیعی است رژیمی که به کشتار  
کارگران و زحمتکشان می پردازد، رژیمی که  
خلق کرد، ترکمن و... را به حرامیه می ران و  
سرکوب میکند، رژیمی که همچنان به غارت و  
استثمار زحمتکشان بسود امپریالیسم می پردازد  
و با تمام قوا سعی در بازسازی سیستم سرمایه -  
داری وابسته دارد، باید که دانشگاه را ببندد و  
باید که ۱۶ آذر خونین را در اول اردیبهشت بار

۲۷ سال از ۱۶ آذر خونین گذشت اما اگر  
ظاهره این روز همچنان تابناک است،  
راز او دانگی این روز کجاست؟  
کودنای آمریکا ۲۸ مرداد بوقوع می -  
پیوندد، رهبری خاکن حزب توده، بجای مبارزه  
میکرید و رهبری جبهه ملی نیز با سیاست  
ماهیت سازشکارانه و جبهه نشانی توان و بیارای  
مقاومت ندارد، اما اگر رهبری خاکن است،  
توده ها نمیخواهند تنگ شکست را بر خود هموار  
کنند و چنین است که دانشگاه بر علیه کودنای  
آمریکائی می خروشد. سرفرنسسون جلاد به تهران  
برداشته این مبارزات می افزاید و حمله  
۱۶ آذر پدید می آید. شب دوزخی که در دانشگاه  
مستقر شده است، نیروی دانشجویان نظامی هرکننده  
آتش میگشاید و دانشجوی قهرمان، خندچی،  
بزرگ نیا و شریعت رضوی به شهادت میرسند. از  
آن پس ۱۶ آذر همانند ستاره سرخی بر فراز جنبش  
دانشجویی، بیابانگر سوگند خونین و فسادری  
دانشجویان انقلابی به آلمان توده ها میگردد.  
راز او دانگی ۱۶ آذر در اینجا است که  
دانشجویان انقلابی تنگ خیانت و زبونی فرار  
از مبارزه را در یک دوران حماسی از مبارزات خلق  
نمی پذیرند و نشان میدهند که در این دوران،  
شرایط عینی برای مبارزه علیه کودنای  
آمریکائی هنوز کاملاً وجود دارد، منتها اگر  
جنبش انقلابی وجود می داشت و رهبری مبارزات  
توده ها را سرخشان در دست میگرفت، بهرحال  
۱۶ آذر از این پس خاری میشود در چشم دشمنان  
توده ها و کابوسی میشود که هر ساله رژیم شاه را  
دچار وحشت می سازد. اما ۱۶ آذر که فرامیرسد، در تمامی  
دوران پس از ۱۶ آذر، دانشگاه عید خونین خویش  
را میکشود که جشن بگیرد و میکشود که همواره به  
میثاق خونین دانشجویان خلق که ۱۶ آذر گواه  
آشتی و فساد را برساند، در تمامی این دوران،  
دانشگاه سنگری مستحکم بر علیه امپریالیسم و  
ارتجاع است. هرچند آزادی و انقلاب در دانشگاه  
همواره برافراشته میماند و هرچند اوان این  
سنگرمقدس، دانشجویان خونین کفن هستند که  
اوین و کمیتها از جناح عثمان در زیر شکنجه و میدان  
- های تیرا خروش فریاد "جاوید باد آلمان  
زحمتکشان و مرگ برای امپریالیسم و ارتجاع" شان  
به لرزه در می آید.

دانشگاه نه تنها در کشور ما بلکه اصولاً در  
کشورهای تحت سلطه امپریالیسم نقش با اهمیتی  
را در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ایفا  
کرده است و به همین خاطر است که همواره مسوود  
بورش ارتجاع واقع شده و بخون کشیده شده است.  
اما هرگز هیچ سرکوبی و هیچ تیرباران و شکنجه  
- ای تاکنون نتوانسته است پیمان استوار  
دانشجویان انقلابی را با خلقشان درهم کوبد و  
این را بیش از همه، خلق میدانند، خلقی که  
بسیار روپس بر دانشگاه ارج گذاشته است.  
اگر زمانی دانشگاه جدا و تنها می خروید،  
فریاد دانشگاه سپس با فریاد توده های میلیونی  
و قیام مسلحانه آنان درهم آمیخت و رژیم شاه

دیگر تکرار نکند.  
اینک گرامی می داشت ۱۶ آذر خونین و همه  
دلایریهای حماسه ای دانشجویان قهرمان -  
علیه امپریالیسم و ارتجاع، جز با مبارزه در همان  
راه سرخ آن شهیدان امکان پذیر نیست. کسی  
میتواند امروزه از ظاهره ۱۶ آذر سخن بگوید که  
خود پیوسته آن راه سرخ توده ها باشد.

اینک همچنان که در زمان شاه دانشگاه را  
دلایری خلق کشود، باید که با زخم توده ها این  
سنگر را بگشاید و دانشگاه متعلق به توده ها و  
سنگری از سنگرمبارزات توده ها است. مبارزه برای  
بازگشائی این سنگر جزئی از مبارزات دموکراتیک  
و ضد امپریالیستی خلق های ماست. در این میان  
جنبش انقلابی دانش آموزان میتواند مبارزه  
حول این شعار (در کنار شعارهای اساسی دیگرش  
مانند کسب آزادی فعالیت سیاسی در مدارس و  
جلوگیری از اخراج معلمین و دانش آموزان و...)  
نقش مهمی ایفا کند.

دانشگاه این دژ خونین ۱۶ آذر ها،  
۱۳ آبان ها و اول اردیبهشت ها باید گشوده گردد  
تا دانشجویان انقلابی با دیگر مبارزات خویش  
را با رژیم خونین کارگران، زحمتکشان خلق کرد  
و... درهم آمیزند و آتش عظیمی را بر مداخله  
آزادی و انقلاب ایران بکشند. در این میان  
با یستی با تبلیغات گسترده در میان توده ها  
بخصوص کارگران و زحمتکشان، حمایت پایگاه  
اصلی انقلاب، یعنی کارگران و زحمتکشان را از  
دانشگاه برانگیخت.

اما مبارزه بخاطر بازگشائی دانشگاه ها  
تنها گوشه ای از مبارزات انقلابی دانشجویان  
انقلابی را تشکیل میدهد. آنها وظیفه دارند که  
نیروی اصلی خود را در جهت فعالیت و کار آگاه -  
گرا نه در میان کارگران و زحمتکشان قرار دهند،  
آنها وظیفه دارند علیه رژیم محروم بودن از سنگر  
دانشگاه، از هر طریق ممکن در هر کجا، چه در  
کارخانجات و روستاها، چه در محلات و در میان  
صف های طویل نان، نفت و... چه در مناطق  
جنگی و یا در میان آوارگان جنگ، چه در کنار  
دکه های فروش کتاب و یا از طریق بحث های علمی،  
پخش اعلامیه، فروش نشریه، اشعار نویسی و... به  
افشای ماهیت رژیم و افشای ماهیت جنگ  
ارتجاعی کنونی پرداخته و نقش خود را در ارتقاء  
و هدایت جنبش اعتراضی توده ها و گسترش آن در  
جهت انقلاب طفرنمون دموکراتیک و ضد  
امپریالیستی خلق های قهرمان ایران به  
رهبری طبقه کارگر، ایفا نمایند.

گرامی باد ۱۶ آذر - "روز دانشجو" و روز رژیم  
خونین دانشجویان انقلابی علیه امپریالیسم  
و ارتجاع داخلی  
هرچه گسترده تر باشد جنبش انقلابی دانشجویان  
هرچه مستحکم تر باشد و جنبش انقلابی  
دانشجویی با جنبش کارگران و زحمتکشان  
مرگ برای امپریالیسم و ارتجاع داخلی  
برقرار باشد جمهوری دموکراتیک خلقی  
با زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

## سندج - یساران ۱۶/۸/۵۹ درگیری مزدوران بعث رژیم با پیشمرگان انقلابی کومله

(علی قطبی) شهید شده و ۲ نفر دیگر زخمی میگردد همچنین افراد رژیم در شرف اعدام و دودختر را به اسارت می گیرند که در شرف اعدام آنها را آزاد میکنند .  
ایس درگیری و وقایعی نظیر این نشان می دهد -  
سپردگی مزدوران رژیم را از اسارت و سبب اعدامی که تکیه بر سلاح ها و کمک های رژیم ارتجاعی عراق زده است میگوید جنبش مقاومت را به انحراف کشانده و از طریق آن منافع اربابان بعثی خود را تا مین نماید . خلق کردها را به سرع با سادات و دیگر مزدوران رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کرده و آنها را از میان خود بیرون میراند این مزدوران را نیز بیرون خواهند انداخت .  
(بقل از اخبار جنبش مقاومت - حوزه سندج سازمان)

قطعی دهقانان از سوی دیگر در پی آنست که دهقانان را همچون زحمتکشان شهرهای کردستان زینش را همه جا نبه نیروی برتر خود بی نتیجه بودن مبارزه خلق کرد متقاعد کرده و موجبات دل سردی آنها در جهت مبارزه برای تحقق خواسته های عادلانه و برحق خلق کرد را فراهم سازد . این تاکتیک همان تاکتیک است که اسرائیل در سرزمینهای اشغالی و در شهرها و روستاهای فلسطین بکار میگیرد . در رابطه با سیاست رژیم در کردستان باید گفت که به لحاظ بالا بسودن سطح آگاهی دهقانان و زحمتکشان شهری و ایمان آنها به حقانیت مبارزات انقلابی شان از یک طرف و مقابل و مقاومت مسلحانه پیشمرگان قهرمان و تسوده های آگاه در نقاط مختلف کردستان نه تنها این شیوه سرکوب موثر واقع نشده بلکه باعث شده است که خلق زحمتکش کرد از جمله روستایان در مبارزات خود هر چه استوارتر شده و حمایت بیدریغ خود از پیشمرگان را افزایش دهند و با بیای زحمتکشان شهری را هم راکه جز پیروزی جنبش مقاومت سرانجامی نمی توان نداده باشد ، ادا مدهند .

امروز در شرایطی که دفاع طلبان نغمه ساز و "ملح" در کردستان را سر داده اند ، در شرایطی که سازمان خائن چریکهای فدایی خلق (اکثریت) دست در دست فخلق بر خلق کرد خنجر میزند ، در شرایطی که محاصره اقتصادی سرکوب و خفقان و کشتار خلق توسط رژیم در کردستان شدت یافته است ، وظیفه تمام نیروهای انقلابی کمونیست و زحمتکشان ستم دیده آگاه است که به حمایت از خلق کرد برخیزند ، اهداف جنایتکارانه رژیم از کشتار اهالی روستاها را افشا نمایند و برای افشای عتراض عمومی خود را بر علیه جنایات وحشیانه مزدوران رژیم از جمله ارتش و پاسداران و جاسوسان و مرتجعین محلی بلند کنند ، کشتار در روستاها بطور خاص و کشتار خلق کرد در کردستان بطور عام ، سرکوب انقلاب است نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها باید باتمام قوا به مقابله با این جنایات رژیم برخیزند .

★★★

در این روز مزدوران بعث رژیم را به آسایشگاه "سی ساران" حمله کرده و با پیشمرگان کومله درگیر میشوند . این درگیری از ۹ صبح تا ۵/۵ بعد از ظهر ادامه میابد . پیشمرگان کومله به علت اینکه تعدادشان کم بوده و فقط سلاح سیلک داشتند ، مجبور به عقب نشینی میشوند . مزدوران رژیم در این درگیری از انواع سلاحهای سنگین و تفیل شریار - دوگانه - قناصه (تک تیر) - آرمبی جی و خمپاره استفاده میکنند . در این درگیری ۳ نفر از افراد رژیم کشته و ۷ نفر از آنها زخمی میشوند . یکی از کشته شدگان بنام "حاجی محمد شهابی" سربل بوده است . یکی از پیشمرگان کومله نیز بنام "مکاک" میرزا علی

## دومین شماره پیکار کردستان منتشر شد

دومین شماره "پیکار کردستان" ارگان کمیته کردستان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر منتشر شد . انتشار مجدد "پیکار کردستان" تلاشی است از زنده و قابل تقدیر از طرف رفقای کردستان ما آغا ز مقاومت مجدد "پیکار کردستان" را به زحمتکشان کردستان و رفقای کمیته کردستان تبریک گفته و امیدواریم این نشریه گامهای ارزنده ای در جهت اهداف انقلابی سازمان و در جهت وحدت و همبستگی خلقها و نیروهای کمونیستی و انقلابی سراسر ایران و پیروزی جنبش مقاومت خلق قهرمان کرد بردارد .

**پیکار کردستان**

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر کردستان

**جنگ ایران و عراق**

و جنبش مقاومت خلق کرد

کمیته پیکار کردستان

**سرمقاله**

آیند پیکار کردستان

کمیته پیکار کردستان

**گزارش میدانی از**

پیکار خلق کرد

کمیته پیکار کردستان

**گزارش میدانی از**

پیکار خلق کرد

کمیته پیکار کردستان

شماره دومین

سرکوب و کشتار خلق کرد را به بیانه های مختلف بنحویست که در تروبا هروسیله ممکن عملی سازد . . .  
عاملان اجرائی این سیاست رژیم مرتجعین محلی نظیر ملاحستی و مزدوران نشی به همراه پاسداران ، ارتش و جاسوسان میباشند .  
جنگ فرسایشی برای دل سرد کردن دهقانان از ادا محبتش مقاومت خلق کرد :  
رژیم با قتل و غارت های بی دریغ روستاها از یکسو و محاصره اقتصادی توأم با گرسنگی و

## بقیه از صفحه ۵ جنایات ...

با به دهقانان شهید روستاها ، استوار است ، اکنون علاوه بر محاصره اقتصادی کردستان که فشار آن بویژه بر روی روستایان قرار گرفته است ، رژیم با حملات و قتل و غارت روستایان و دهقانان شهید دست میخورد ، آنها را به مثابه بخشی از خلق کرد از صحنه جنبش مقاومت بیرون براند ، به همین سبب میبینیم که همزمان با کشتار زحمتکشان شهری ، دهقانان نیز توسط مزدوران رژیم قتل عام میشوند . جنگ ایران و عراق فرصتی را در اختیار رژیم قرار داده تا با تبلیغات گسترده به حول جنگ ، اهداف جنایتکارانه فوق را بهتر به پیش برد .

## ۲ - جلوگیری از حمایت دهقانان نسبت به پیشمرگان جنبش مقاومت خلق کرد :

هم اکنون جمهوری اسلامی ، به قیمت کشتار مردم برخی از شهرهای کردستان مانند میا باد ، سنقر ، سندج این شهرها را زیر حاکمیت خونین خود در آورده است . اما رژیم در تسخیر روستاها و برخی از شهرها ، به علت مقاومت روستایان و اهالی شهرها و مبارزه بی امان پیشمرگان موفق نبوده است .

درواقع حمایت بیدریغ روستایان از پیشمرگان خود در شهرها از یکسو و تمرکز نیرو - های پیشمرگه در دهات و روستاهای اطراف شهر - ها از سوی دیگر ، رژیم را در بن بست قرار داده است . رژیم میبیند که تنها تا ملی که میتواند مانع از حمایت دهقانان و اهالی شهرها از پیشمرگان قهرمان جنبش گردد ، همان کشتار و قتل عام این زحمتکشان است . او با دست زدن به این جنایات در پی این است که نیروهای پیشمرگه را در شهرها و روستاها ویا در کوچه های اطراف در محاصره کامل قرار داده و یا تا بودی روستایان را بعنوان پشتوانه نبوده ایشان ، پیشمرگان را بمنزوی گردانیده و یا خیال آسوده ای به تضعیف و تحلیل نیروهای مسلح خلق کرد بپردازد . حمله و قتل عام و اشهاد امروستا - های اطراف "اشنوبه" توسط رژیم از جمله این اقدامات جنایتکارانه برای تسخیر اشنوبه است .

## ۳ - ایجاد تفرقه و برادر کشی بین کردها و ترکها :

سیاست تفرقه اندازی و ایجاد درگیری بین ترک و کرد و شیعی و سنی از جمله اهداف دراز مدت رژیم در جهت سرکوب خلق کرد بشمار نمی رود . حمله پاسداران ، ارتش ، جاسوسان و دیگر مزدوران رژیم به روستاها آتش زدن محصولات و غلوه های دامی روستایان کرد و غارت اموال و خانه ها و دکانها و کشتار آنها بویژه در نواحی مرزی آذربایجان غربی و بطور مشخص در نطقه برای این است که مزدوران رژیم و نمود سازند که این اعمال توسط ترکهای منطقه انجام گرفته است و با اینکار بر اختلافات قومی و مذهبی بین اهالی منطقه دامن زنند . این سیاست رژیم از جنبه ها اثر اهمیت است ؛ اولاً " اذعان عمومی روستایان کرد توجه آنها را از مبارزه با رژیم جنایتکار را کم و ادا محبتش مقاومت تا پیروزی آن ، منحرف کند . ثانیاً "

## جنگ داخلی، اجتناب ناپذیر است



مبارزه طبقاتی در جامعه ما اوچکونده ورتدا شده است. این گفته‌ها برپایه ذهنیات و خارج از چهارچوب و انبساط و پدیده‌های عینی بلکه مادی از تحلیل ما از تشدید بحران اجتماعی - سیاسی وحدت‌یابی طبقاتی می‌باشد. رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت طبقاتی خود، فشار دردناک بحران را تنها بر دوش کارگران و زحمتکشان نهاده است و بر دوش ویران شده است که تداوم این بحران معضلات جامعه را افزوده، توهّم‌نوده‌ها را بیش از پیش درهم شکسته و سرما زده زحمتکشان را تسریع مینماید.

درست‌تر بحران اقتصادی - اجتماعی، توده‌ها بطور روزافزون درک میکنند که این رژیم نه می‌تواند و نه میخواهد به خواسته‌های آنان پاسخ گوید. کارگران و فعالان لایتهای افشاگرانه نیروهای انقلابی و سوسیال دموکراتیک نیز در آگاه شدن هر چه بیشتر زحمتکشان عمل کرده و افشار وسیعی از زحمتکشان، بسوی نیروهای انقلابی جذب شده و در روزافزون پایگاه هتسوده‌ای کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی را موجب میگردد در مقابل، رژیم جمهوری اسلامی نیز بنا بر ماهیت سرمایه‌داری و رتخا عی خود، شیوه سرکوب و گشتار و ایجاد دغقان گسترده را در پیش گرفته و برای رهاشی خود ازین دست بحران کنونی، از هر گونه اقدام چنانچه گرانده دروغ نمپورزد، اما این امر نیز دامنه جنبش را باز هم وسیعتر مینماید. جنگ ارتجاعی ایران و عراق نیز در تشدید مبارزه طبقاتی تاثیر بسیار زیادی دارد. چه، توده‌ها در جریان زندگی روزمره خود با توجه به واقعیهایی ملموس اقتصادی - اجتماعی نظیر گرانی، قحطی، گرسنگی، مرگ و میر و بیماری و آوارگی و صدها مصیبت دیگر از سویی، و افشارگی - ها و فعالان لایتهای نیروهای کمونیستی و انقلابی از سوی دیگر، ماهیت ارتجاعی این جنگ ضمن دربارفته و سینه درک میکنند. این جنگ ضمن کمک موثر به شکستن توهّم‌نوده‌ها، عامل مهمی در تعمیق و گسترش نا رضایتی و مبارزه توده‌ها نسبت به رژیم می‌باشد. با گسترش جنبشهای اعتراضی زحمتکشان مبارز طبقاتی شدت یافته و جامعه مابسوی یک حرکت انقلابی توده‌ای کشیده میشود. همانطور که امروز شاهد هستیم در حال حاضر مناطقی از جامعه ما در شرایط موقعیت انقلابی قرار داشته و مبارزه انقلابی مسلحانه علیه طبقه حاکمه در جریان است، اما در همین هنگام ما بر نقاط ایران از جنبش موقعیتی بدور است! اما آنچه حائز اهمیت است، اینست که شرایط اعتلا کنونی جامعه در متن بحران عمومی بیش از پیش تکامل

پیدا کرده و روند مبارزه طبقاتی را عمق داده و گسترده مینماید و حاکمیت را به سمت یک جنگ داخلی اجتناب ناپذیر سوق میدهد. این روند عمومی جامعه ما است. اگرچه احتمال کودتای امپریالیستی را ما از نظر دور نمی‌داریم، لیکن اعتقاد ما بر آنست که تشدید مبارزه طبقاتی علیه قدرت سیاسی موجود و افشارگی نسبی جنگ داخلی جهت دهنده سمت عمومی جامعه ما است. البته ما در گذشته بدرستی این روند عمومی را در محافل و مراکز "حاکمیت" یا "ماده‌ها" (پیکارهای ۵۵ و ۵۴) پیش بینی نمودیم، و بیان کردیم که جاری شدن جنگ داخلی خارج از مایل و اراده افراد است، زیرا خود محصول تشدید تضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی در جامعه ما است. اما در این مقاله در توضیح مفهوم جنگ داخلی مایه انحراف در غلطیدیم. ما در این مقاله نوشتیم: "بی هیچ تردیدی طی چنین روند دردناکی که موافق تمایل و آرزوهای مانیت ما خواهان مبارزه طبقاتی و اوچگیری آن هستیم، لیکن خواهان جنگ داخلی و برادرگی نیستیم" در اینجا ما بروشنی مواجه با درکی غیر - مارکسیستی و غیر طبقاتی از جنگ داخلی می‌باشیم. در اینجا چنین وانمود میشود که گویا جنگ داخلی همان برادرگی است. حال آنکه چنین نیست این درست است که در جنگ داخلی چه می‌شود - های نا آگاه و متوهّم بدنبال سیاست بورژوازی حرکت کنند، اما آنچه که اساسی است اینست که مبارزه طبقاتی در روند خود صفوف طبقاتی را هر چه بیشتر از یکدیگر منما نیز نموده و حاکمیت را به دو قطب اساسی تقسیم میکند. در یک سو، اردوگاه زحمتکشان و خلقها و در سوی دیگر اردوگاه بورژوازی و تمامی مرتجعین. مبارزه در میان این دو اردوگاه جریان داشته و هر چه حاکمیت درمورد جنگ داخلی نتیجه احتیاط ناپذیر تضادها و این دو قطب است. جنگ داخلی ادامه سیاستی است که از تضادهای طبقاتی نشأت

گرفته است. جنگ داخلی همان انقلاب است که نتیجه سیاست مستثنی بر ضرورت سرنگونی ارتجاع و رهاشی زحمتکشان می‌باشد. بنا بر این درک انحرافی ما از جنگ داخلی چنین وانمود می‌شود - ساخت که گویا جنگ داخلی همان برادرگی است و این امر نتیجه اوچگیری مبارزه طبقاتی نمی‌باشد! حال آنکه جنگ داخلی همان انقلاب و نتیجه اوچگیری مبارزه طبقاتی درون جامعه و در حقیقت عالیترین شکل از مبارزه طبقاتی بشمار می‌آید. لنین آموخت که رکن بر زحمتکشان می‌گوید:

"جنگ داخلی نیز جنگ است. کسی که مبارزه طبقاتی را قبول دارد نمیتواند جنگهای داخلی را که در هر جامعه طبقاتی بهمنابه دامه و تکامل و تشدید طبیعی و در موارد مخصوص اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی است، قبول نداشته باشد. شما انقلابیهای کسیر موبد این اصل اند. نفی یا فراموش نمودن جنگ - های داخلی معنایش دچار شدن به منتهای درجه اپورتونیسم و عدول از انقلاب است. سوسیالیستی است." (منتخب آثار - برنامۀ جنگی انقلاب پرولتریائی)

بنابر این نمیتوان هم خواهان اوچگیری مبارزه طبقاتی بود و هم از جنگ داخلی اجتناب نمود. جنگ داخلی ادامه مبارزه طبقاتی در شکل قهرآمیز آن می‌باشد. شما انقلابات سوسیالیستی دموکراتیک - ضد امپریالیستی، همواره از گانال جنگ داخلی بر علیه حکومتهای سرمایه داران و مستکبران عبور کرده و به پیروزی و رهاشی زحمتکشان انجامیده است و وجود توده‌های نا آگاه و در حیطه سرمایه داران و مستکبران نمیتواند نا رضایتی اجتناب ناپذیر بودن و ضرورت جنگ انقلابی داخلی (در صورت وجود شرایط عینی و ذهنی) باشد، معیار ما در ارزیابی از هر جنگ سیاست حاکم بر طرفین جنگ است. ما این جنگ داخلی را نه جنگ توده‌های نا آگاه و توده‌های نا آگاه و نیروهای انقلابی بلکه با جنگ انقلاب و ضد انقلاب و خلق و ضد خلق

## جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق

## قطع حقوق و اعتراضات کارگران صنعت نفت

من فقط مسئولیت دارم که خانواده‌ها بتواند  
اسکان دهم! کارگران با قریباً دحرفهاش را  
تعلق کرده و گفتند: "اسکان یعنی اینکه در کنار  
خانمان بخواسیم، در مساجد و مراکز بیرون  
در کمپ B آب و برق و غذا را بروی زن و بچه‌ها  
یمان قطع کنید؟" فرمادارنا جار می‌شود که  
برای پاسخ گوئی به کارگران "هوشی" مسئول  
صنعت نفت ما هشوارا خبر کنند و هوشی بیس از  
آمدن شروع به زبان بازی و آوردن دلائل  
ارتجاعی برای کارگران می‌کنند که کارگران یک  
صدا می‌گویند: "ما شما را همینجا نگه میداریم تا  
به کارمان رسیدگی کنید و اثبات را شما باید  
مانند ما روی زمین بخوابید تا مزه‌اش را بچشید."  
خشم و غلیان کارگران اوج گرفته بود و مسئولین  
از ترس به آنها قول میدهند که هفته دیگر حقوق  
کارگران را پرداخت نمایند، اما آبارزیم سرمایه  
داری خواهد توانست با وعده و وعیدهای دروغ‌باز  
از او جگری مبارزات کارگران قهرمان جنگ -  
زده جلوگیری کند؟

روز دوشنبه ۵۹/۸/۱۷ حدود ۲۰۰۰ نفر از  
کارکنان صنعت نفت که با خانواده‌ها بتان در  
ماهی شهر می‌نشینند، برای گرفتن دوماه حقوق  
عقب افتاده‌شان در دبستان سعدی جمع شدند.  
مسئولین قول داده بودند که "حدادی" نما بینده  
اما در صنعت نفت برای رسیدگی به خواسته‌ها  
بسیار دیر می‌گذشت. کارگران خشمگین  
از این موضوع تصمیم می‌گیرند بطرف فرمانداری  
بروند که "اشکوری" خوندا ما شین سر رسیده و  
خطاب به کارگران می‌گوید: "این کار شما بسیار  
زنده است." یکی از کارگران در پاسخ وی  
فریاد می‌زند که: "زنده اینست که در شاهراغ شیراز  
زیر پای مردم آواره باز می‌کنید، زنده این  
است که بعد از یک عمر کار کردن زن و بچه‌ها یمان  
در گوشه‌های بی‌خانمانی بخواهند و گرسنه بمانند."  
بعد از رسیدن کارگران به فرمانداری  
فرمادار به میان آنها آمده و می‌گوید: "مسئول  
مسئولیتی ندارم، گفته‌اند که کارگران اگر  
حقوق می‌خواهند به آبدان بیایند و بگیرند،

سفر از مسجد ۳ زندگی...

قطع شده است. این اعمال موجب خشم کارگران  
گردیده است. از جمله حدود ۱۵۰۰ کارگر تخریب و  
با رگیری بندرانزلی که طبق این بخشنامه  
حقوقشان کم می‌شود، دست مبارزه زده و خواستار لغو  
این بخشنامه ضد کارگری شده‌اند. رژیم سرمایه  
داری مملکت شیوه معمولش با ساداران سرمایه را  
برای سرکوب کارگران می‌فرستد و آنها به نفع  
از نمایندگان کارگران را دستگیر می‌کنند. ولی  
کارگران مبارزه خود را بصورت کم‌کاری ادامه  
میدهند بطوریکه تخریب کارخانه ۲۰۰ تن تقلیل  
می‌یابد.

## اجتماع کارکنان صنعت نفت در اصفهان

روز دوشنبه ۵۹/۸/۱۷ کارکنان و کارمندان نفت -  
جنوب برای حضور و غیاب به باشگاه کارکنان  
نفت اصفهان می‌روند. در آنجا برکهای رابری  
میکنند تا روز ۱۵ آذر به آنها حقوق بدهند. لازم  
به تذکر است که تحت شرایط کنونی که زحمتکاران  
مناطق جنگ زده تحت فشار آواره‌گی و سی‌خانمانی  
از یک سو و گرانی و کمبودهای نیازهای زندگی، از سوی  
دیگرند، دولت تمامی حقوق کارکنان نفت جنوب  
را نداده و به هر کارگر ۲۰۰۰ تومان بیشتر میدهند.  
در اجتماع مذکور، نماینده کارکنان از  
مذاکراتش با مسئولین در شهران، صحبت کرد و  
گفت که مسئولین امر گفته‌اند "هیچگونه حق -  
مسکن و مزایای به کارگران نمیدهیم و کارگران  
با پدیده مناطق جنگ زده برگردند." نگاه نماینده  
کارکنان توضیح داد که با زکشت کارگران به  
مناطق جنگی نتیجه‌ای جز به استقبال گلوله‌ها  
رفتن ندارد. گفت: "جنگ را که ما زده‌ایم نمانده است -  
ایم که حال آنرا ادامه بدهیم. این جنگ به ما  
تحمیل شده و ما حاضر نیستیم بیخودی کشته شویم  
ما هیچ گناهی نکرده ایم که زن و بچه خود را از جنگ  
نجات داده ایم. ولی باز آقایان مسئولین می-  
گویند بروید در جبهه‌ها کشته شوید! کارگران که  
از روجیه‌ای انقلابی و پر شور بر خوردار بوده و به  
ما هیت ارتجاعی جنگ پی برده بودند، متفر خود  
را از جنگ سرمایه‌داران و اعمال ضد کارگری  
رژیم جمهوری اسلامی ابراز می‌داشتند. قایل  
توجه است که تعداد کارکنانی که در مجموع از  
جنوب به اصفهان آمده اند به ۵۰۰۰ نفر میرسد.



## خواستهای کارکنان صنعت نفت

تاریخ ۵۹/۸/۱۷ در مناطق جنگ زده مانده‌اند  
مقداری بول پرداخت می‌گردد، اما نمایندگان  
این شرط را باطل اعلان کرده و خواسته‌اند تا  
بهمه کارگران این بول تعلق گیرد.  
آدمه بودن جهت کار در قسمتهای مختلف  
شرکت نفت یا بخش در اصفهان.  
پس از فشارهای زیادی که نمایندگان  
کارگران در شهرها به مسئولین شرکت نفت  
وارد کرده اند فعلاً به کارگران فرمایشی برای  
برگردن داده اند و قصد دارند به کارگران رسمی  
۴۰۰۰ تومان و به کارگران پیمانی ۳۰۰۰ تومان  
جهت کمک خرج بپردازند که تاکنون به تعدادی  
از کارگران این بول پرداخته شده و بقیه هنوز  
در انتظار هستند. مبارزه پیش در آمدن مدتی -  
زحمتکاران است.

اصفهان - روز دوشنبه ۵۹/۸/۱۹ حدود ۵۰۰ نفر  
از کارکنان صنعت نفت در آبادان و خرمشهر که  
اکثراً از کارگران با سابقه به لاینگاه آبادان  
مبیا شد، جهت روشن شدن وضعیت در مجلس  
شرکت نفت اصفهان اجتماع می‌کنند. این عده  
قبلاً چندین بار از میان خود برای مذاکره با  
مسئولین شرکت نفت به تهران فرستاده بودند  
که آنها خواسته‌های زیر را مطرح کرده و خواستار  
اجرای آن شده‌اند:  
۱- پرداخت حقوق  
۲- پرداخت خواب و روبرار  
۳- بیمه درمانی و استفاده از بیمه رستاهای  
شرکت نفت وغیره.  
۴- پرداخت غرامت جنگی بمدت ۲ ماه (از طرف  
شرکت نفت اعلان شده است که فقط به کسانی که تا

ارزیابی کنیم. این جنگ، جنگی است که راه‌های  
از بردگی و استعمار استعمار را تعقیب می‌نماید و  
بهمین لحاظ جنگ داخلی، جنگی عادلانه و  
انقلابی است و طبقه کارگر و کمونیست‌ها باید  
فعلاً لاینگاه شرکت نفت را بپند. اجتماع از جنگ  
ناگزیر آئینده، جز اپورتونیزم و ریزش و نیمه چیز  
دیگری نخواهد بود. زیرا این امر نفی انقلاب و  
تأکید کمیت ارتجاع خواهد بود.

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

درس‌هایی از جنبش کارگری

تجربیات مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر لهستان  
علیه سرمایه‌داری دولتی (۱)



رویزیونیست‌ها و تمامی مرتجعین، دارند. بنا به  
براین مبارزه بخشی از طبقه کارگر در منطقه‌ای از  
جهان انجام نمی‌گیرد، تا شیرات خود را در سراسر  
جهان باقی می‌گذارد. بخشی از این تأثیرات،  
استفاده است که کارگران با بر نقاط میبایست  
از تجربیات مبارزه برادران طبقا تیشان،  
بنا بیند. به همین دلیل درس آموزی از تجربیات  
مبارزاتی طبقه کارگر لهستان (که بسیار غنی و  
پربار است)، بررسی و جمع‌بندی دستاوردها و  
نقاط ضعف آن، برای بالا بردن آگاهی کار -  
گران ایران و بی بردن هر چه بیشترشان به پیچ  
وخمهای مبارزه طبقاتی، اهمیت بسیاری دارد  
چرا که بدون درس‌گیری از تجربیات مبارزاتی  
نمی‌توان دانش لازم برای نابودی سرمایه‌داری  
و امپریالیسم را بدست آورد. لذا با این هدف به

اواخر مرداد ماه امسال، جهان شاهد افکار  
مبارزات طبقه کارگر در لهستان گردید. این  
مبارزات که به شکل اعتصابات گسترده کارگری  
بروز نمود، (و هنوز هم علیرغم پیروزیهای بزرگ  
کارگران ادامه دارد) (۱) چنان ضربات عمیقی  
بر پیکر سرمایه‌داری دولتی لهستان و نهاییات  
سرمایه‌داری جهانی، وارد کرد که لیزه بر اندام  
امپریالیسم جهانی افکند. سوبیزه کشورهای  
اروپای شرقی که مدعی سوسیالیستی بودن نظام  
خود میباشند، رسوا تر شدند. این اعتصابات تأثیر  
غیر قابل انکاری بود بر ماهیت سرمایه‌داریانه  
سوسیال امپریالیسم شوروی و اقامارش که پس از  
غصب قدرت طبقه کارگر، توسط طبقه سرمایه‌دار،  
آنها به منظور فریب کارگران و خلقهای جهان  
تلاش مذبحا نه‌ای را آغاز کردند تا نظام خویش  
را کاملاً سوسیالیستی جلوه دهند. علاوه بر این  
یکپارچگی طبقه کارگر لهستان در این مبارزات  
و سرعت و گسترش کم نظیر اعتصابات که طرف مدت  
کوتاهی میلیونها کارگر سراسر لهستان را در بر  
گرفت، بیانگر قدرت لایزال طبقه کارگر و  
پوییدگی نظام سرمایه‌داری میباشد.  
از آنجا شبکه کارگران جهان یک طبقه واحد  
را تشکیل میدهند، دارای منافع و خواسته‌های  
مشترک میباشند، آنها همچنین دشمنان طبقاتی  
مشترک چون امپریالیست‌ها، سرمایه‌داران،

سرمایه را "بشارتی" برای طبقه کارگر قلمداد  
میکند که "ثمرات انقلاب" خود را المی خواهند  
کرد! در صورتیکه طبقه کارگر همچون سایر طبقه‌ها  
های تحت ستم ایران طی این مدت ۲۲ ماهی که  
از عمر رژیم جمهوری اسلامی میگذرد، بارها و  
بارها ماهیت رژیم را در سرکوبی و پاداریش از  
سرمایه‌داری وابسته، دیده اند و روز بروز توهم -  
شان نسبت به رژیم ارتجاعی حاکم فرو میریزد.  
بنابراین تلاش رویزیونیست‌ها (و از جمله دار و  
دسته حزب توده) برای آرایش رژیم نتیجه‌ای جز  
افشای هر چه بیشتر خودشان در نزد توده‌ها،  
نخواهد داشت. طبقه کارگر، برخلاف رویزیونیست  
ها که بدنبال وعده‌های "محبت آمیز" رژیم دودیده و دم  
تکان میدهند نیاز به این عوامفریبیها نداشته و  
راه‌هایی خویش را تنها و تنها در مبارزه‌ای بی‌بگیر و  
آشتی ناپذیر با دشمنان طبقا تیش (که رژیم فعلی  
در رأس آنها قرار دارد)، میبیند و در این راه  
تمامی رویزیونیست‌ها را نیز به زباله‌دان تاریخ  
خواهد سپرد!

کاروا موراجتماعی که وزارت کار به وزارتخانه  
مدافع اصلی حقوق کارگران تبدیل خواهد  
شد، بشارتی است برای طبقه کارگر که میخواهد  
ثمرات انقلاب را در محیط کار روزندگی خود لمس  
کند. (همانجا، تا کیدازماست) اینهمه هیاهو  
برای وعده‌آقای وزیر، یعنی اوج خدمتگزاری  
به طبقه سرمایه‌دار و اوج خیانت به طبقه کارگر  
مکرمتا مات رژیمهای سرمایه‌داری، تاکنون  
برای خاموش کردن کارگران و زحمتکشان، کم  
وعده و وعید داده‌اند؟ مگر وزیران "کار" در  
زمان رژیم شاه و در زمان همین رژیم از این  
وعده‌ها کم داده‌اند؟ اصولاً این یکی از روشهای  
سرمایه‌داران و عوام‌لشان است که تا می‌توانند  
کارگران و توده‌های معترض و بی‌باک را با  
انواع شیوه‌ها از وعده و وعید گرفته تا سرکوب  
مستقیم، از ادامه مبارزه باز دارند. حال  
رویزیونیست‌های توده‌ای نه تنها این شیوه‌ها  
را تأیید کرده و با رژیم همدا می‌شوند، بلکه با  
و قاحت خاص خویش، این عوامفریبی وزیر

سخنران... بقیه از صفحه ۳

رویزیونیست‌های توده‌ای با هیاهوی بسیار  
از ستان وزیر کار و موراجتماعی تعریف و  
تمجید کرده و می‌نویسند: "طی هشتاد سالی که از  
تولد طبقه کارگر ایران میگذرد، این نخستین  
بار است که وزیری سراسر وزارت کار و امور  
اجتماعی ایران، در تأیید حقانیت طبقه کارگر  
میگوید: "ما معتقدیم که حکومت روی زمین با  
مستضعفین است." (مردم شماره ۲۸) رویزیو -  
نیست‌های توده‌ای چنان از این گفته وزیر -  
رژیم جمهوری اسلامی (که نه تازکی دارد و نه  
دردی را از دردهای طبقه کارگر درمان میکند)،  
بادمیکنند که کوسی در ایران "حکومت مستضعفین"  
برقرار است و همین امروز فردا است که روی کره  
زمین برقرار شود!!

اما آنها که نمی‌توانند منکر ناراضی‌های  
شدید مبارزات کارگران بر علیه رژیم جمهوری  
اسلامی شوند، برای دفاع از رژیم، سعی میکنند  
او را بیگنا جلوه داده و همه تقصیر را متوجه  
"سرمایه‌داران بزرگ و کارفرمایان طاغوتی"  
(که مفهومی نیست چگونه اینقدر قدرت یافته‌اند  
که ارگانهای دولتی را تحت نفوذ خود درآیند!)  
گردانند. آنها مجبورند اعتراف کنند که: "سود  
ویژه را انپرداخته اند از اجرای همان قانون  
کار و با غوثی طفره رفته‌اند، سرمایه‌ای کارگران  
قلم کشیده‌اند، آنان را بیمه نکرده‌اند، بهداشت  
و ایمنی محیط کار را برافرا موشی سپرده و هر  
روز و هر هفته از کارگران قربانی گرفته‌اند..."  
(همانجا) اما حزب خائن توده موزرانه میگوید  
تا رژیم جمهوری اسلامی را که عامل فلات و  
استعمار شدیدا کارگران و توده‌ها، میباشد را  
"معصوم" جلوه دهد. باید از این چالپوشان رژیم  
سوال کرد که چه کسانی سود ویژه را که قسمتی از  
حقوق کارگران بود و در اشکالها مبارزه از  
حلقوم رژیم چنانکه رشاه بیرون آورده بودند،  
قطع کرد؟ چه کسانی بر مزیای کارگران قلم  
کشیدند؟ چه کسانی با وضع قوانین ضد کارگری  
به دفاع از منافع سرمایه‌داران پرداختند؟ و  
سرانجام چه کسانی با پشتیبانی تمام و کمال از  
طبقه سرمایه‌دار، هر مدعی اعتراضی کارگران را  
با گلوله پاداران سرکوب نمود؟ و این چه  
کسانی هستند که با تمام قدرت خویش در جهت  
تحکیم و تثبیت سرمایه‌داری وابسته، کوشیده  
و میکوشند؟ حزب رژیم جمهوری اسلامی؟ والبت که شما  
رویزیونیست‌ها هم در رسیدن رژیم به اهدافش،  
الحق که سگ شما گذاشته‌اید!

و اما ببینیم چه چیزی موجب شده که رویزیو -  
نیست‌های توده‌ای به خود اجازه بدهند که اینچنین  
به آرایش رژیم بپردازند؟ شما مطلب که "بنا  
خواست‌های طبقه کارگر" است (!)، از زبان  
رویزیونیست‌ها چنین است:  
"اکنون وعده‌آقای محمد میرمادقی وزیر جدید

فنان، مسکن، آزادی

سرری تجربه مذکور میپردازیم:

الف- جلوه‌ای از  
قدرت و یکپارچگی طبقه کارگر

یکی از ویژگیهای مهم جنبش اخیر کارگران لیسنا، نمایش قدرتی است که طبقه کارگر در کشورهای صنعتی و بخموش مالی که سرمایه - داری دولتی و تحت حاکمیت روسیونستها هستند، انجام داده است به همین دلیل همه دنیا روزوازی لیسنا، کشورهای اروپای شرقی و بخصوص سوسیال امپریالیسم شوروی، بلکه روزوازی سراسر جهان امپریالیستی، از این حرکت سوده‌ای که میتواند به کشورهای دیگر هم‌راست کند، سوخت افتادند. امپریالیستهای غربی غیرمترقا نشان با بلوک شرق و سوسیال امپریالیسم شوروی، و غیرمغمو، استفاده‌های تبلیغاتی که منظور بدنام کردن سوسیالیسم و موجه جلوه دادن خود، میگردند، مع ذلک دولت لیسنا را - برخوایان این بحران، بسیاری بخودند (دادن وامی معادل ۳۲۵ میلیون دلار توسط یک گروه بانکی آمریکایی، وام ۱/۲ میلیارد دلاری یک گروه بانکی آلمانی و...) - این امرا ظرفی نشان کردند متافق - نمای امپریالیستهای ورژیمهای سرمایه داری در مقابل طبقه کارگر و حرکتشان، و از طرف دیگر بنا بر قدرت طبقه کارگر لیسنا، مبادا ما جلوه‌های این قدرت که این چنین موجب وحشت روزوازی شده است، کدامند؟

## ۱- گستردگی و ابعاد میلیونی جنبش

نیل از آغاز اعتصابات گسترده از اوایل سرمایه، اعتصابات پراکنده اما پی در پی، در بسیاری از شهرهای لیسنا صورت میگرفت. - کر - جدخواستهای این اعتصابات عمدتاً رفاهی بود (افزایش دستمزد، مخالفت با افزایش قیمت ارزاق عمومی و بخصوص گوشت)، ولی خود بسیار بحران عمیق اقتصادی در کشور بود که سراسر آن به اتفاقات عظیم نموده‌ای منجر گردید. روز ۲۳ مرداد ۱۳۵۷ هزار کارگر کاخ نه گشتی سازی لنین در شهر کدانک، بعنوان اعتراض به اخراج یک کارگر دست به اعتصاب میزنند و ظرف چند روز بعد از آن صدها هزار کارگر در شمال لیسنا و سراسر جمهوری لیسنا توده کارگر در سرتا سر کشور دست به اعتصاب میزنند. سرعت و گستردگی این اعتصابات از ظرفی، و صدور صدکارگری - بدون جنبش از طرف دیگر، خصوصیات برجسته و کم نظیری به اعتصابات کارگران لیسنا می بخند.

## ۲- همبستگی کارگران

آنچه که بیش از همه موجب اتکاراتی "دولت لیسنا" را فراهم کرده بود، اتحاد یکپارچگی طبقه کارگر و رفاهیتی شدید آنها از سیستم سرمایه داری دولتی حاکم بود. اگر چه ریشه ایلی اعتصابات وجود بحران اقتصادی و فشار ناشی

از آن به کارگران بود، اما شروع اعتصابات گسترده با اعلام حمایت کارگران کاخ نه گشتی دیگر از کارگران گشتی سازی لنین بود و حال آنکه این حالت زمانیکه دولت با دستپاچگی و از سرین گشتی جنبش با خواسته‌های کارگران کاخ نه گشتی مذکور موافقت نمود، کارگران که میخواهند اعتصاب خود را پایان بخشد، بعزت درخواست کارگران سایر کاخ‌ها که خواستار ادا مسدود مبارزه با تحت خواستهای نمای کارگران لیسنا بودند، به مبارزه و اعتصاب ادامه دادند. اینست جلوه یکپارچگی طبقه کارگر! کارگران که به ما هیت سرمایه دارانه دولت پی - برده اند بدردستی درک کرده اند که هرگاه - بسی طبقه کارگر فقط بدست خودشان ممکن است آنها به حیل‌های سرمایه داران که همواره سعی میکند سن کارگران تفرقه بیندازد و حتی که - ما دادن امتیازاتی، جنبش کارگری را خواباند تا بعد بتوانند همان امتیازات را هم پس بگیرند، پی برده و با اتکا به برادران همه طبقه خود حفظ یکپارچگی کارگران را بر هر چیز مقدم دانستند. این همبستگی شدید، از طرف دیگر بنا بر گشتی اعتباری دولت و استبداد سوسیال امپریالیسم لیسنا در میان توده‌ها و کارگران است. کارگران که بدردستی دولت را دشمن طبقه‌ای خود میدانند، لزوماً اتکا به خود و حفظ وحدت را برای مبارزه با آن بیشتر احساس می - کردند. تا بدین روز روسیونستهای که لیسنا را "سوسیالیستی" میدانستند شوال کرد، تا اکثر دولت دره‌ای درمان کارگران نفوذ داشت، این اعتصابات میتواند استبداد این سرعت و وسع این ابعاد گسترده، انجام شوند؟

۳- شکست دولت بورژوا - روسیونستی  
و پیروزی طبقه کارگر

ورژیم ضد کارگری لیسنا به همراه ربا با ن رویش که از جنبش کم نظیر کارگران به وحشت افتاده بودند، تمام کوشش خود را کردند تا هر چه زودتر قضیه را "قیله" دهند. آنها بدردستی پی برده بودند که ادا ما این جنبش میتواند انفجاراتی را در کشورهای اروپای شرقی و حتی خود شوروی بدنبال داشته باشد که در آن صورت "ما را" گردش محال میگردد. از طرف دیگر سرکوب نظامی و مداخله سوسیال امپریالیسم شوروی (که آماده تنها جم شده بود) "خطر" عواقب مصیبت بسیار برای آن دربرداشت. بنا بر این بعد از آنکه تلاشهای دولت جهت به اخراج کشیده مبارزات کارگران و ما ستعالی کردن خواسته‌هایشان موثر واقع نگردد و طبقه کارگر چون کوهی استوار پیش می‌آمد، حربه سرمایه داران، تسلیم را - سر - متا و منی که منجر به مرگشان میگردد، ترجیح داد و لذا سراسر احجام من اعتراف به حقانیت جنبش کارگران، با تمام خواسته‌های کارگران - سران موافقت نمود. خواستهای کارگران که هم‌رفاهی و منعی بودند (افزایش ۲۰۰۰ زلوتی حقوق

ما هانه، افزایش دستمزد متناسب با افزایش قیمت‌ها، حق بازنشستگی به سود تراست کارگران، و هم‌سای (برسمیت شناختن سندیکا های آزاد حق اعتصاب آزادی بیان، آزادی زندانبان سیاسی و بخش اخبار مربوط به ابعاد گسترده هماهنگی کارگران و...) بسیار کم هیت سرمایه دارانه نظام حاکم بر لیسنا و رشد آگاهی نسبی کارگران بود. به همین دلیل اگر چه خواسته‌های کارگران نمیتوانند دنیا بدیده اینها محدود شود، ولی پیروزی در تحمیل این خواسته‌ها در واقع نوعی پیروزی طبقه کارگر بر بورژوازی است!

ب- گنبدیگی سرمایه داری جهانی  
و زبونی روسیونستها

پیشتر از این اشاره کردیم به وحشت تمامی امپریالیستهای از جنبش کارگری لیسنا که منجر بدان گردید که حتی امپریالیستهای غربی برای خواباندن اعتصابات به دولت لیسنا که وابسته به رقیب سوسیال امپریالیستشان است، کمک کنند. این امپریالیستهای واقعیت است که اولاً قدرتهای امپریالیستی علی رغم اختلافاتی که در درونشان بر سر غارت هر چه بیشتر خلقها و کارگران جهان وجود دارد، در برابر مبارزات توده‌ها متحدند. ثانیاً جهان سرمایه داری در بحران عمیقی بسر میبرد و ثالثاً مالک جهان چنان به هم مرتبط اند که مبارزات کارگران در یک نقطه سرعت نا شیرانش را در سایر نقاط برجا میگذرد.

بعلاوه، جنبش اخیر کارگران در لیسنا بسیار نیکو واقعیت دیگری نیز هست و آن پوشالی بودن رژیمهای روسیونستی و وابسته به سوسیال امپریالیسم است، که غیرم تبلیغات - شان مبتنی بر "سوسیالیستی" بودن مناسبات اقتصادی - اجتماعی کشورشان، اینجانبان ما هیت سرمایه دارانه شان بر ملا میشود. آنها بکمک سرکوب و خفقان و نیروی سرنیزه شان از طرفی و عوام فریبی هایشان در مورد سوسیالیستی جازدن خود، از طرف دیگر، در این خیال خام بسر میبرند که میتوانند در مرحله اول توده‌های خود و سپس خلقهای سراسر جهان را فریب داده و به حیات شکنجه‌شان تحت پوشش "سوسیالیسم" ادامه دهند. در صورتیکه مبارزات اخیر (که در گذشته هم در لیسنا و هم در سایر کشورهای اروپای شرقی تکرار شده بود)، بوضوح نشان داد که اولاً دیگر حقایق روسیونستهای برای خلقهایشان رنگی ندارد و توده‌ها کم و بیش به ما هیت ضد خلقی دولتهاشان پی برده اند و ثانیاً سوسیال امپریالیسم شوروی و امپراتور روزی روز بیشتر در نزد کارگران و خلقهای جهان رسوا میگردد. برخوردهای دولت لیسنا با کارگران (که همچون برخورد تمامی دولتهای سرمایه داری در جهت منحرف کردن مبارزه آنها، ابداً تفرقه و دو - دستگی و سرد و اندن کارگران بود)، و مداخلات آشکار سوسیال امپریالیسم و تهدیداتش مبنی

بقیه در صفحه ۱۸

## لیبرالیسم: ایدئولوژی ضد انقلابی طبقه سرمایه دار!

لیبرالها میکوشیدند تا از آرزوهای مردم زحمتکش استفاده کرده و خود را همراه با آنان نشان دهند. اما هرگاه زحمتکشان علیه سرمایه داری قیام میکردند، آنها "آزادخواهی" خود را فراموش می نمودند و خود به سرکوب آنها می پرداختند. مثلاً طبقه سرمایه دار فرانسه که لیبرال نبود، دوباره خونین ترین کشتار کارگران دست زد، یکی در قیام سال ۱۸۴۸ و دیگری در سال ۱۸۷۱. و بتدریج که بورژوازی تکامل یافت و به مرحله لیبرالیسم رسید از نظرات رنجی که ملا ترقیخواهان خود را از دست داد و به یک نیروی ارتجاعی تبدیل شد. در همین رابطه لیبرالیسم بورژوازی در کشورهای سرمایه داری و البته به لیبرالیسم، بدلیل خطای انگلیس

است که جنبش دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران را تشدید میکند. چه مردم که از اینهمه گران، بیگاری، سرکوب، فقدان آزادی و... به تنگ آمده اند، فکر میکنند "لیبرالها" از قماش دیگری هستند و می توانند منافع آنها را پاسخ دهند! در حال حاضر کرایش زیادی نسبت به لیبرالها به وجود آمده است. نظرات بازاریبان در قم و تهران، کاروچنان عده ای از

اینروزها که جنگ بین لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی بالا گرفته است. مسئله لیبرالیسم مسئله داغ روز شده است. بخشی از مردم که از اختناق هیئت حاکمه بیست و نه ساله اند و خواهان دموکراسی هستند، ناآگاهانه فکر میکنند لیبرالها آزادیخواه هستند. عده ای دیگر مانند ما هدین اگرچه لیبرالیسم را مطابق با منافع انقلاب نمی دانند، اما لیبرالها را بر حزب جمهوری اسلامی ترجیح میدهند و معتقدند که لیبرالها مانند حزبی ها، سرکوبگر و "انحصارطلب" نیستند. عده ای دیگر به حمایت از حزب جمهوری اسلامی برخاسته و در مقابل لیبرالها که در "خط آمریکا" هستند از چیز مجهولی بنام "خط امام" (۱) حمایت میکنند، مانند فدائیان اکثریت، حزب توده خائن و...

اما خود لیبرالها و حزب جمهوری در مورد خود چه میگویند و نظرها کمیونستها در این باره چیست؟

حزب جمهوری خود را "انقلابی"، "مترقی"، "ضد امپریالیست" و "مکتبی" میدانند و حزب (لیبرالها) را "سازگار"، "غیر مکتبی" و "در خط آمریکا" میخواند.

لیبرالها نیز خود را "آزادخواه" و "مترقی" میدانند و حزب جمهوری اسلامی را "مرتجع"، "عقب مانده" و "انحصارطلب" معرفی میکنند.

در این بین از آنجا که سیاست حزب جمهوری اسلامی، سیاست چماق است و ما آنرا در گذشته افشا و محکوم کردیم، خیلی زود در بین مردم رسوا شده و بسیاری از مردم به ما هیت ضد انقلابی و دیکتاتور متشانه آن پی برده اند و با نگاه آن در میان مردم به سرعت در حال افول است.

اما لیبرالها که سیاست "چماق و نان شیرینی" را بکار میگیرند، حرفهایشان از نظر بسیاری از مردم منطقی می آید و فکر میکنند که آنها واقعا درد دلشان را می فهمند و آزادیخواه هستند. به همین جهت لیبرالها از نظر اینکه افکار زهر آلودشان را خیلی راحت در ذهن توده ها می توانند فرو کنند، بسیار خطرناک هستند و بیکبار آنها را پاد افشا شوند.

امروزه "لیبرالیسم" خطر بسیار بزرگی

(۱) - نمونه مجهول بودن خط امام موجود دهها تعبیر از "خط امام" است. کویا خود "امام" هم نمی داند "خط" اش چیست. اگر میدانست بیکبار و برای همیشه به دعوا در این باره نازنده است پایان میداد! (بیکار)

● لیبرالیسم که ایدئولوژی طبقه سرمایه دار بود، از آنجهت که با ارتجاع فئودالی به مخالفت برخاست و خواستار رشد نیروهای مولده بود، جنبه مترقیانه داشت. اما لیبرالها از آنسو و خواهان آزادی سیاسی بودند که بتوانند آزادی اقتصادی را برای خود تأمین نمایند.

● بقول رفیق لنین، لیبرالها از آنرواستبداد منجر هستند که باعث انقلاب میشود. آنها از انقلاب بیشتر میترسند تا از ارتجاع.

سیستم و وابستگی بورژوازی لیبرال - ضد امپریالیسم، به وجود دارای جنبه مترقیانه نبوده و به همین دلیل لیبرالها در این سیستم (سرمایه داری وابسته) حتی در همان زمان که در قدرت نیستند و از منافع سرمایه داری محروم میشوند، میکوشند به بازگشت کشتادن جنبش بسا حکومت، از رشد مبارزات توده ای جلوگیری کنند. چه آنها اگر چه با ارتجاع حاکم اختلافاتی داشته باشند، اما از انقلاب توده ها به شدت وحشت دارند. آنان به فکر کف پول خوش هستند به فکر مردم. بقول رفیق لنین، لیبرالها از آنرو استبداد منجر هستند که باعث انقلاب میشود.

آنها از انقلاب بیشتر میترسند تا از ارتجاع.

لیبرالیسم ایدئولوژی آزادخواهی بورژوازی است. آزادخواهی ای که در چهارچوب آزادی برای بورژوازی و نه توده های زحمتکش است. به همین خاطر است که با کسی که با ارتقائین بورژوازی فراتر گذاشت، فریاد بورژواها به هوا بلند میشود که "خوابکار" و "ما جراحو" هستند. آزادی برای بورژوازی یعنی دیکتاتوری برای کارگران و زحمتکشان. آزادی برای بورژوازی یعنی "آزاد بودن برای غارت دسترنج کارگران، آزادی برای تدوین قوانینی که این استثمار را رسمیت بخشند، آزادی برای جلوگیری از "نخاوز" کارگران به "جریم" سرمایه داران، آزادی برای اعمال سرکوب جهت جلوگیری از انقلاب، آزادی برای فریب دادن زحمتکشان و...

لیبرالیسم در کشورهای تحت سلطه، در جهت حفظ مناسبات حاکم با امپریالیسم میگوید. جد.

روحانیون و لیبرالها در دفاع از قطب زاده و گسترش نفوذ لیبرالها بی نظیر نیستی مدرن - زاده و... در میان مردم، بخوبی نشان داده این خطرات. ما می گوئیم ضمن توضیح لیبرالیسم نشان دهیم که این ایدئولوژی چگونه در خدمت منافع توده ها که نیست هیچ، دشمن سرخشت انقلاب است و زحمتکشان را با بد درک کننده در مقابل اختناق و دیکتاتوری حاکم، با بدیهه دموکراسی کارگری روی آورند و نه به لیبرالیسم ضد انقلابی.

\*\*\*

لیبرالیسم، سیاست و طرز تفکری است که در قرن هجدهم در اروپا به وجود آمد. آن موقع که طبقه سرمایه دار بتدریج رشد کرده بود و بسا فئودالیسم و فئودالها سرنا سازگاری داشت، لیبرالیسم به وجود آمد. طبقه سرمایه دار مخالف قید و بند فئودالها بود و میخواست که آزادانه اجازه رشد سرمایه داری را داشته باشد، فئودالها از آنها مالیات تکلیف و مزد تجارت و بازگانی آنها نشوند. از اینرو لیبرالیسم که بیان خواست های اقتصادی و سیاسی آنها بود، به وجود آمد. لیبرالیسم که ایدئولوژی طبقه سرمایه دار بود، از آنجهت که با ارتجاع فئودالی به مخالفت برخاست و خواستار رشد نیروهای مولده بود، جنبه مترقیانه داشت. اما لیبرالها از آنسو و خواهان آزادی سیاسی بودند، که بتوانند آزادی اقتصادی را برای خود تأمین نمایند. یعنی بتوانند آزادی به ثروت خود را انباشت کنند و آزادی به استثمار کارگران بپردازند. آنها آزادی میخواستند، اما تنها برای خودشان و تا آن حد که منافع خودشان را تأمین کنند.

لیبرالیسم، ایدئولوژی ضد انقلابی بورژوازی را افشا و طرد نمائیم

دفاع نمود و بالاخره از "قاعطیت" برای اعمال "نظم" سخن گفت، "قاعطیتی" که جز دیکتاتوری خدا انقلابی و سرکوب مبارزات کارگران و چپس دیگری نبود، چنان "قاعطیتی" که بنی مدرسه اعتبار آن گفت "شورا، بی شورا"، چنان "قاعطیتی" که چهار رتن از رهبران خلق ترکمن را اعدام نمود، چنان "قاعطیتی" که در سرکوب دانشجویان و سرقراری "نظم" خدا انقلابی از خود نشان داد و فردای روز کشتار دانشجویان در دانشگاه از سرقراری "نظم" سخن گفت. چنین است که لیبرالها بی چون بنی مدرسه مقابل با انقلاب و مبارزه توده ها، "آزادخواهی" را فراموش کرده و چهره واقعی خود را رو میکنند، اما آنها برای فریب توده ها

خواهان حل "مسأله امت" می آید بودند، در حالی که توده ها بدلیل تضاد ذاتی نا پذیرشان با رژیم شاه خواهان مبارزه مسلحانه علیه او بودند. در همان زمان، بازرگان کوشید که آیت الله خمینی را از اصرار روی سرکونی شاه منصرف کند که موفق نشد. بختیاری نیز که جزو همین لیبرالها بود، خیانت خود را آشکار کرد و برای مقابله با انقلاب به دامان رژیم پناهنده و در سرکوب فعالانه مردم نشان داد که "آزادخواهی" ای که وی در جبهه ملی به همراهی همدستانش دنبال میکرد، چند رپوچ و دروغین است و برای مقابله با انقلاب، حاضرات بدترین نوع استبداد و کشتار را اجرا می نمود.

**● لیبرالها می کوشند تا از آزادخواهی مردم زحمتکش استفاده کرده و خود را همراه آنان نشان دهند. اما هرگاه زحمتکشان علیه سرمایه داری قیام می کردند، آنها "آزادخواهی" خود را فراموش می نمودند و خود به سرکوب آنها می پرداختند.**

میکوشند فقط با چماق، بلکه از نان شیرینی نیز استفاده کنند. "نان شیرینی" برای فریب توده ها که بصورت وعده های دروغین حل مسئله بیکاری، رعایت و تضمین آزادیها و مناظره تلویزیونی... صورت میگرفت و "چماق" برای سرکوب توده ها، زمانی که توده ها به مبارزه دست می زنند.

اکنون با این توضیحات با بدروشن شده با شده لیبرالها "آزادخواه" نیستند. با بدروشن شده با شده لیبرالها، آزادی برای سرمایه داران، آزادی برای مبارزه با سرمایه داران، آزادی برای فریب توده ها است، با بدروشن شده با شده لیبرالها، آزادی برای مبارزه با آزادیخواهی سر می دهد که منافع خودشان مورد تهدید قرار بگیرد. در شرایط کنونی که حزب جمهوری اسلامی بر لیبرالها فشار روانی آورد، قطب زاده، این دیکتاتور سورانی را دیو و تلویزیون، فریاد "آزادخواهی" سر میدهد، و از نبود آزادی می نالد چرا که منافعی در خطر است. اما همین قطب زاده قاعطیت ضد انقلابی فراوانی در تمفی کارکنان مبارزان دیو و تلویزیون نشان داد و در انحلال شورای مترقی آنها و برقراری استبداد فردی در رادیو و تلویزیون دست حریفان "حزبی" را از پشت بسته بود. با همین بنی مدرسه که از نبود "آزادی" وجود شکنجه در زندانها می نالد، خود کسی است که در کشتار و سرکوب و دستگیری مبارزین خلق ترکمن، کرد و... دست بخون آلوده است. اما چه شده است که امروز داد آزادی سر میدهد؟ زیرا رقیب، منافع وی را مورد تهدید قرار داده و "آزادی" لیبرالها را محدود کرده است.

بدین ترتیب کارگران و زحمتکشان و توده های مردم ما با پدهش ربا شدند و مانند که لیبرالها، دموکراسی نیست. لیبرالها، ایجا در فاه و حل مشکلات را به ارفمان نمی آورد.

بقیه در صفحه ۶

لیبرالها در شرایط نزدیک به قیام و در شرایطی که توده ها خواهان مبارزه قطعی با رژیم شاه و امپریالیسم بودند، با سوار شدن بر امواج جنبش توده ای کوشیدند تا واسطه بین خرد بورژوازی مرفه ستی و امپریالیست ها شوند و سیستم سرمایه داری و استبداد بدون کوچکترین گزندی حفظ کنند. اما قیام، معادلات انتقال قدرت بصورت "مسأله امت" میز "اربرهم زدو ضرباتی را بر این سیستم و منافع امپریالیست ها وارد ساخت. لیبرالها که بسیار وحیرت زده شده بودند، با روی کار آمدن دولت جدید سرگردگی بازرگان کوشیدند فوراً روابط با آمریکا را بهبود بخشیده، ساواکیها و ارتش را عفو نموده و حتی با اعدام هویدا مخالفت کردند. لیبرالها که برای سازش با آمریکا، برای بازسازی ارتش و سیستم سرمایه داری وابسته سینه چاک میکردند و از "محسنان" آن سخن میگفتند آشکارا از مبارزات مردم انتقاد کرده، بازرگان میگفت: ای کاش که انقلاب نمی کردیم! و در جای دیگر میگفت: "با ران خواهیم سیل آمد". لیبرالها هر چه بیشتر برای نزدیکی با امپریالیسم از جمله ارتش و... کوشش میکردند و بهمان اندازه تنفر خود را از مبارزات انقلابی توده ها نشان میدادند و در سرکوب آن لحظه ای تردید به دل راه نمی دادند. از آن جمله است سرکوب مبارزات کارگران بیکار، سرکوب خلق کرد، سرکوب خلق ترکمن و... البته بازرگان نماینده لیبرالها، آنچنان آشکارا از حفظ روابط حسنه با امپریالیسم پشتیبانی میکرد که بزودی نزد توده ها رسوا و جناح دیگر حکومت نیز آشکارا از رد او مابین مدر لیبرال که به ریاست جمهوری رسید، همان راه را ادامه داد.

سیاست بنی مدر تلاش در جهت آزادی گروگانها تقویت ارتش آمریکا، ایجا در نظم کهنه گذشته و برقراری امنیت بزور سرکوب مجدد خلق کرده خود بنی مدر را تا زمانه می نمود، سرکوب مجدد خلق ترکمن که بنی مدر را تا در تلویزیون

لیبرالها که خواهان آزادی سرمایه گذاری خود و خواهان آزادی در تجارت دسترنج زحمتکشان هستند، این آزادیها را نمی توانستند بدون آزادی در حفظ مناسبات حسنه با امپریالیسم بدست آورند. چرا که آنها جزو طبقه سرمایه دار هستند و سرمایه داری در ایران وابسته به امپریالیسم است. به همین دلیل آنان از مبارزه انقلابی مردم بر علیه امپریالیسم وحشت دارند و خواهان سازش و نزدیکی به آنها و حداکثر برخی مخالفت های "آرام" و "قانونی" و "قابل قبول" که منافعی را به خطر نیا نندازد، هستند.

در این مورد کافی است به بررسی عملکرد لیبرالها در ایران چه از زمان که در قدرت نبودند و چه وقتی که به قدرت رسیدند بیندازیم: در دوران حاکمیت رژیم مزدور آریا مهری، لیبرالها که در قدرت نبودند، سنگ از آزادیخواهی را به سینه میزدند. آنان اعترافشان به حکومت آریا مهری در این بود که چرا "قانون اساسی" رعایت نمیشود، چرا اجازه فعالیت به آنها که در چهارچوب قانون است داده نمیشود و به حکومت پیشینها دمیگردند که برای حفظ مملکت از "ثوب مردم" (منظور انقلاب توده ها است)، بهتر است به رعایت قانون توجه کنند. شما را آنها این بود که شاه با بدسلطنت کننده حکومت، شما مواضع لیبرالها بی همچون شریعتمداری، سنجایی، بازرگان و... چنین بود. آنان نه تنها خواهان سرکونی رژیم نبودند، نه تنها خواهان نابودی حاکمیت امپریالیست ها بر زمین ما نبودند، نه تنها به استعمار وحشیانه کارگران اعتراضی نداشتند (چرا که خودشان در استعمار آنها شریک بودند)، بلکه دشمن انقلاب بودند و مخالفان با استبداد شاه از این رو بود که میترسیدند با اعت انقلاب شود. آنان کوشش میکردند در مجلس و دولت را به پایداری کنند و سازش با یکدیگر به سرکوب انقلاب بپردازند. اما رژیم آریا مهری به آنها "بی مهری" کرده و حاضریه سازش با آنها نبود، به همین دلیل آنها از نقض قانون اساسی (همان قانونی که سلطنت را موهبت الهی می شناسد، همان قانونی که برای حفظ منافع سرمایه داران و برای سرکوب استعمار شوندگان بوجود آمده است، همان قانونی که سلطنت امپریالیست ها بر زمین، تا مین میکند) و از دست رفتن آزادی (آزادی خودشان) سخن می گفتند. اما به محض آنکه جنبش توده ها گسترش یافت، مخالف لیبرالها با انقلاب و تلاش برای حفظ سلطنت بالا گرفت. نصیحت های فرزه ر، سنجایی، شاهپور بختیاری و شریعتمداری به شاه برای حفظ مملکت از "ثوب" شروع شد و تلاش برای مهار کردن جنبش خلق که خواهان سرکونی رژیم بود. بدقزونی یافت، بطوریکه روزتا سوا لیبرالها مردم را وادار کردند که شاه مرگ ببر شاه نگویند، به این بها که ممکنست خونریزی شود!! لیبرالها همواره طرفدار سازش و مسالمت هستند. آنها اگر مخالفتی با رژیم شاه داشتند،

(قسمت آخر)

پیکار: حالا زرفیق تراب خواهی میکنیم دربارہ ادامہ تماس با آیت الله خمینی پس از سال ۵۰ مطالبی را که لازم میدانم مطرح کند.

زرفیق تراب: در یک موضع آیت الله خمینی در تبال مسائل مبارزاتی توده های زحمتکش و تحت ستم ایران و شرح تماس ما با آیت الله یعنی شما بینندگان سازمان مجاهدین در آن سالها به طرح مسائل ضروری متعددی نیاز دارم که در این محاسبه (با توجه به صفحات محدود پیکار) نمیکنم و باید آنرا به فرصتهای دیگری موکول نمود. برای مثال باید شرح داد که "حوزه علمیه نجف" چگونه محیطی است و مجتهدین بزرگ آنجا حداقل در ۶۰ سال گذشته چه کسانی بوده اند و در خدمت چه طبقاتی؟ آیا آنطور که امروز "تاریخ نویسان اسلامی" بدروغ اظهار میدارند روحانیت بزرگ شیعه پرچمدان آزادی و مبارزه با استعمار بوده است؟ یا بدی برای توده ها روشن کرد که مجتهدی بنام میرزا محمد تقی شیرازی که "رهبرانقلاب اسلامی عراق" (در ۱۹۲۰) لقب گرفته و آیت الله خمینی از او با تحلیل فراوان یاد میکنند (سخن رانی مندرج در روزنامه های اول آذرماه ۵۹) چگونه نامه ای به فرمانده سیاسی کل عراق، سرپرستی کاکس، که از چهره های بازرس است استعماری بریتانیا در خاور میانه بوده، می نوشته است. با بدوشن کرد که همین مجتهد مورد حمایت آیت الله خمینی، به سفیر آمریکا در تهران چه می نوشته و چگونه از عدالت گستری آمریکا شایان استناد میکرده و با اشاره به روابط بین او و وثوق الدوله عاقد معروف قرارداد تنگین ۱۹۱۹ (۱) و امثال او وجود داشته است؟

همچنین برای درک موضع آیت الله خمینی در نجف در آن سالها، باید برای کارگران و زحمتکشان روشن کرد که مثلا آیت الله سید محسن حکیم، صاحب قبیله و مورد حمایت فئودالهای عراق و دشمن سرکشت کمنیستها و نیروهای مترقی که فتوای "الشویه کفر" (کمونیزم کفر است) را صادر کرد و کشتار عام کمنیستها در عراق را در خود توجیه نمود، چه کسی بوده و آیت الله خمینی نسبت به او چه نظری دارد، تا سرنخی در دست داشته باشد برای حمایتی که هم اکنون رژیم جمهوری اسلامی از فرزندان آیت الله حکیم میکند و او را در اسباب اصطلاح "روحانیت مبارز" عراق مینشانند. در حالی که همین شخص اخیر (سید مهدی حکیم) از سردمداران حزب ارتجاعی "الدعوة" و مورد حمایت ساواک بوده است در سال

(۱) - روسیه تزاری و امپراطوری بریتانیا قراردادی را به ایران تحمیل کرده اند که بر اساس آن ایران به سه منطقه نفوذ یعنی شمال برای روسیه، جنوب برای انگلیس و مرکز به عنوان منطقه به اصطلاح بی طرف تقسیم میشد. این قرارداد در سال ۱۹۱۹ به امضای وثوق الدوله نخست وزیر سید ولی در مجلس تصویب شد. (پیکار)

## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

رابطه آیت الله خمینی با مبارزات مردم ایران در سالهای تبعید:

در آن سالها، با استثنای سال ۵۲، یعنی تقریباً در طول ۱۳ سال، رابطه آیت الله خمینی با مبارزات مردم ایران، رابطه ای منفعل بود و از حد هر ۵ - ۶ ماه یک اعلامیه، آنهم پس از یک - دو سال و از انتماس برخی اطلب و روحانیون مبارزان سالها از داخل یا خارج کشور، جدا و

۵۲ به ایران پناهنده شده و مورد حمایت شاه قرار گرفته است.

و با یادید آیت الله خوئی که تا آخر پس روزهای شاه از او حمایت میکرد و در سال ۵۷ از فرج "بهنگام زیارت در نجف" استقبال نمود چه کسی است و آیت الله خمینی در تبال خوئی و امثال اثر آیت الله شاه هرودی و... چه موضعی داشته و دارد؟

● آیت الله خمینی نه تنها در برابر همه این خیانتها و افتضاحات سکوت میکرد بلکه ما را نیز در آن زمان از طرح انتقاداتی به روحانیت (در همان قالب فکری و مبارزاتی که در آن زمان داشتیم) منع می نمود.

● در آن سالها آیت الله خمینی چنان نومید بود که تلویحاً به برخی از طرفداران که از چند سال قبل در زندان بودند دستور داده بود که "توبه نامه" بنویسند و از زندان بیرون بیایند.

نمیکرد. آیت الله خمینی در باره سرکوب خلق کرد توسط رژیم شاه در سالهای ۴۶ و ۴۷، کشتار کارگران جهان چیت ۱۳۵۰ دستگیرها و اعدام - های آن سالها بخصوص از سبک به بعد، کشتار خلق فلسطین در اردن (سینامبریا)، جنایات امپریالیسم آمریکا در ویتنام، لشکرکشی شاه به ظفار و کشتار خلق عمان و بسیاری از موارد مشابه دیگر، هیچ موضعگیری نداشت و این در حالی بود که نیروهای انقلابی ایران و توده هایی که آگاه بودند برای هریک از مسائل فوق انحرافی انقلابی قابل توجهی صرف کرده خود را با خطرات فراوان روبرو میساختند و چه بسا با سرکشان در زندان می ماندند یا به جوخه های آتش سپرده میشدند برای آنکه نمونه ای داده یا شام از درکی که

آیت الله خمینی در سال ۵۱ از رشد مبارزاتی در ایران داشت آگاه میشدیم یا اینکه وقتی از اذات مبارزین جان برکف آن سالها خبری می شنید، برایش قابل باور نبود. مادفا عیات مجاهد شهید سید محسن را که خود او اصل آنرا روی کاغذ سیگار نوشته به خارج زندان ارسال کرده بود چاپ و منتشر نمودیم و توسط همین آقای دعا شی نسخه ای را برای آیت الله فرستادیم. آیت الله پس از خواندن گفته بود: "اینرا در خارج از زندان نوشته اند" وقتی به او گفته شده بود: "خیر، سید محسن خودش اینرا در سلول نوشته و به خارج از زندان فرستاده و اینهم نمونه دستخط اوست که در آخر کتاب کلیشه شده است، آیت الله با نا باوری گفته بود: اگر کسی این حرفها را بزند ها نش را خرد میکند" که به او جواب داده شد "آقا! او را اعدام کرده اند!"

آیت الله خمینی در آن سالها نسبت به پیروزی بر شاه امیدوار نبود و همانطور که در قسمت های قبلی محاسبه آمده، آنرا بدون کمک

باید دید که در برابر فساد مالی و ریخت و پاش با اصطلاح نیت المال مسلمین که از یک ریال و دو ریال توده های زحمتکش و نا آگاه جمع شده بصورت "وجوهات شرعی" به صندوق هریک از مجتهدین نجف سرازیر میشد و صرف تکمیل رگسی "آقا زاده ها" و نه و نتیجه های مجتهدین بزرگ میگردد. آیت الله خمینی چه موضعی داشته و دارد برای مثال اولاد و نواده های مجتهدین و فقهای عالمیقام - هر چند روحانی نبودند - از "مستعمری" مرتب ما ها نه بر خورنا ر بودند. در باره ریخت و پاش ها و فساد های "آقا زاده ها" که معمولاً با اصطلاح "عقل منفعل" پدران شان هم هستند چه در نجف چه در قم و مشهد و... افشاگریهای متعدد میتوان تهیه کرد که اینجا مجال طرح آنها نیست.

باری آیت الله خمینی نه تنها در برابر همه این خیانتها و افتضاحات سکوت میکرد بلکه ما را نیز در آن زمان از طرح انتقاداتی به روحانیت (در همان قالب فکری و مبارزاتی که در آن زمان داشتیم) منع مینمود. رجوع شونده قسمتهای قبلی محاسبه - پیکار ۸۱) آیت الله خمینی، اگر دیروز و سگوت میگردد ولی امروز که دیگر موضع گذشت را نمیتوانند داشته باشند به عنوان یکی از سردمداران رژیم در آمده است که در دست در مقابل خلق ایستاده است، از موضع سکوت پیشین پا را فراتر گذاشته به خیانتها و جنایتهای معصومین هم با اغماض می نگردد که نمونه اش را در "دادگاه و بیزه روحانیت" (۲) میتوان دید.

(۲) - در باره "دادگاه و بیزه روحانیت" که تبعیض بین معصوم و غیر معصوم را به وضوح نشان میدهد رجوع کنید به فرمان آیت الله خمینی مورخه ۹۹/۲۰ ج ۲۲ (پیکار)

نسبت به مولوی و سرخوردی که او در همان سالهای ۴۲ نسبت به اهل سلطنت ویا سکوت و در قبال جنايات شاه در ظفار و... در سالهای بعد داشت بی ارتباط است؟

در خاشاک این مصاحبه جادداشت راجع به روابط آیت الله با کردانندگان انجمن اسلامی در اروپا و آمریکا نظیر مادی طباطبائی و قطب زاده و بنی مدرود کتیردی که کارشان بطور عمده اداره محافل و جلساتی بود که ربطی به مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه نداشت و تا بید کمک مالی که آیت الله بدانان مینمود جای صحبتهای فراوان هست.

ما طی این مصاحبه به تحلیل موانع آیت الله خمینی در سالهای تسخیر و نقش واقعی که او در آن سالها داشته پرداخته ایم و در اینجا نیازی به تکرار آنها نیست.

ما در این مصاحبه کوشیدیم هر چند با ختمار کامل شمای از اوقایع و جنبش انقلابی سالهای گذشته را که از طرف بورژوازی و خرده بورژوازی بقدرت رسیده شدیدا در معرض تحریف و مسخ قرار گرفته است، برای کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی بازگو کنیم و نشان دهیم طبقات و اقشار پستایی که در دوره شاه، در زیر حاکمیت مطلق سیاسی و اقتصادی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم قرار داشتند و به همین اعتبار برخی مواضع مبارزاتی (البته نه پیگیری و در تناسب با موقعیت طبقاتیشان) از خود نشان میدادند، چگونه پس از سوار شدن بر موجی که انقلاب توده ها برانگیخته بود، و غلب قدرت سیاسی، به صف ضد انقلاب پیوسته همدست با امپریالیسم جهانی به سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی میپرداختند. این واقعیتی است که راه سرخ انقلاب

دموکراتیک ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ما در مسیر پرستگلاخ خود با مبارزه علیه طبقات پادشاهان و استثمار کهن طی خواهد گشت. این وظیفه سترگ کمونیستهاست که بی مهابا حقایق را به توده ها بازگو کنند، آنها را در پرتو جهان بینی علمی خود را کسب لنینیسم بیچ، سازماندهی و رهبری کنند و با معرکه بسوی آینده ای تابناک که فارغ از هرگونه ستم طبقاتی و ملی است رهنمون شوند، کمونیستها برای تحقق این آرمان از هیچ گونه فداکاری دریغ ندارند و از هیچ چیز نمی هراسند. این حتمیت تاریخ است. پیکار: با تشکرا از رفقا تراب حق شناس و حسین - روحانی که نظرات خودشان را پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف با ما در میان گذاشتند، به خوانندگان عزیز بویژه رفقای که به ما نامه نوشته و خواستار انتشار این مصاحبه ها بصورت کتاب شده اند اطلاع میدهم که متن کامل این مصاحبه را همراه با مصاحبه با رفیق تراب پیرامون با و هادی شیخ محمد - منتظری (مندرج در شماره های ۶۸ و ۶۷ و ۶۹ پیکار) در یک کتاب منتشر خواهیم کرد.

به سکوت گذشته خود که ناشی از نا بیگیری شدید او در مبارزه با رژیم شاه و امپریالیسم بود اکتفا نکرده، بپراکند قدرت خود به سرکوب کمونیستها و نیروهای انقلابی در داخل ایران برداشته و با لطمه زدن به ما هیت طبقه تیش نمیشناخت، هیچگونه حمایتی هم از انقلاب مسلحانه خلق عمن بعمل آورد.

### ● آیت الله خمینی حماسه تاریخی خلق ویتنام را در حد "جنگ بین آمریکا و شوروی" تصور میکرد

### ● آیت الله درباره لشکرکشی شاه به ظفار معتقد بود: "ما که نمی توانیم همه کارهای شاه را محکوم کنیم بالاخره ظفار پها کمونیست اند"

هما بطور که قبلا گفته ام باستانهای فتوای که در سال ۴۲ راجع به کمک مالی به سازمان الفتح از طرف آیت الله خمینی داده شد، دیگر اعلامیه ای مستقل در حمایت از فلسطین از او سراغ ندارم تا اینکه در سال ۵۲ برادران انقلابی فلسطینی از ما خواستند ترتیب ملاقات هایسی از طرف آنها را با آیت الله بدهیم تا آنها ضمن طرح مسئله جنوب لبنان، از او بخواهند طبی فتوای حمایت شیعان لبنان از مقاومت فلسطین را مورد تاکید قرار دهد. در آن ملاقات که من، هم معرف آنها بودم و هم کارتر جمره را بعده داشتم این امکان حاصل شد که ضمن طرح مسائل سیاسی مربوط به قضیه فلسطین بخواهم در لبنان آیت الله وعده انتشار اعلامیه ای در حمایت از فلسطینی ها را بدهد. آن اعلامیه با بعضی پیشنهادها که من هنگام قرائت پیش نویس آن کردم به مفای آیت الله رسید و منتشر شد.

رو به مرتفع موضع آیت الله خمینی نسبت به مسائل سیاسی ایران و منطقه حالت منفعلی داشت بطوریکه تا سال ۵۲ او برای نیروهای انقلابی فلسطینی و غیره تقریبا نا شناخته بود. در مورد برخورد آیت الله با عمال سرسپرده رژیم شاه، یک نمونه را ذکر میکنم آن اینکه طی یکی از ملاقاتها که معمولا برای درجریان گذشتن آیت الله نسبت به اخبار مبارزاتسی ایران داشتیم، مطرح کردم که سرهنگ مولوی رئیس سابق ساواک تهران گویا کشته شده است. آیت الله با تعجب پرسید که "چرا او را کشته اند؟ من گفتم "لابد چون در راه ساواک بوده" گفت: "این درست نیست، او دیگر از ساواک رفته و به ژاندارمری منتقل شده بود".

آیت الله از سرهنگ مولوی خاطره ای داشته است و آن اینکه در سال ۴۲ وقتی آیت الله خمینی حدود دوماه در زندان گذراند یک روز مولوی نزد او میروید تا خبر آزادی آیت الله را به او بدهد و تا کید کند که "شاهنشاه معتقدند که حضرات آیت عظاما بیدمورد احترام باشند و از سخنرانی تند آیت الله ناراحت هستند" و آیت الله خمینی قبول میکند که ممکن است تند رویهای هم شده باشد اما غماض آیت الله

بکارتش و دولت خارجی، ممکن نمی دانست شاید بخاطر همین نوبیدی بود که در اغلب اعلامیه ها و نامه های آیت الله در آن سالها عباراتی مانند اینکه "من روزهای آخر عمر خود را می گذرانم" و... دیده میشد. او نمیدانست که ضعف های جنبش انقلابی ایران و فقدان تشکیلات نیرومند انقلابی و کمونیستی، او را بر جنبشی توده ای سوار خواهد کرد تا بالاخره مردم، "جمهوری اسلامی" را تجربه کنند! او به مبارزه عظیم توده ها و افکار رتوان انقلابی زحمتکشان اعتماد نداشت و به همین دلیل هم هست که همواره از انقلاب توده های زحمتکش ایران که نظام شاهنشاهی را به زباله دان تاریخ افکند بعنوان معجزه یاد میکند و می پندارد که "دستی از غیب بیرون آمده" و کاری کرده است. در آن سالها آیت الله خمینی چنان تو میسود که تلویحا به برخی از طرفدارانش که از چند سال قبل در زندان بودند دستور داده بود که "توبه نامه" بنویسند و از زندان بیرون بیایند. (۳) و بدین ترتیب آقای لاجوردی (دادستان دادگاه انقلاب)، عسکری ولادی (وکیل مجلس شورا)، حاج مهدی عراقی (که بدست گروه فرقان ترور شد) و آیت الله شوری (نماینده امام در ژاندارمری و وکیل مجلس شورا) و آقای کروی، همه در سال ۵۵، در تلو بیرون، سیاسی شاهنشاهی را به مهر افکند و آزاد شدند.

درک آیت الله خمینی در آن سالها ازمبارزه بین خلقهای تحت ستم از یک طرف و امپریالیستهای غارتگر و خونخوار و عوامل دست نشانده آن از طرف دیگر چنان بود که نیردعا دلانه و حجاب آفرین خلق ویتنام را که بویژه امپریالیسم آمریکا را به خاک مالید بصورت دعوی آمریکا و شوروی تصور میکرد. در دستکاه های تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی بارها از مبارزات خلق ویتنام و پیروزی عظیم آن یاد شده است ولی هرگز اینرا نگفته اند که آیت الله خمینی در آن سالها که جنگ جریان داشت کوچکترین موضعی در حمایت از آنان نکرده همچنین البته اینرا نیز نگفته اند که آن پیروزی عظیم تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام عملی گشت.

همینطور در مورد لشکرکشی شاه به ظفار و سرکوب خلق قهرمان عمان که جزئی از ایفای نقشی بود که امپریالیسم بعنوان ژاندارم منطقه بمعده شاه داشته بود، آیت الله خمینی هیچ موضع مخالفی نکرده، بلکه سیدمطفی فرزند آیت الله، از قول پدر نقل کرده بود که "ما نمی توانیم همه کارهای شاه را محکوم کنیم بالاخره ظفار پها کمونیست اند" البته آیت الله خمینی

(۴) - چند سال زندان کشیدن این آقایان و امثالهم در استان مغللی ازوازدگی، تنگ نظری - های خرده بورژوازی و پادشاه در درجای دیگری با پادشاه کرد (پیکار)



# هنرمقاومت هنرپرولتاری

## نقد فیلم "چهل و یکمین"

کارگردان: گریگوری چوخرای - محصول شوروی

### هنر ریزونیستی و نفرت از جنگ طبقاتی پرولتاریا

— های خرد در حال عقب نشینی هستند، ما روتکا یکی از افراد این دسته است، او دختری ساده و نیراندازی ما هر ویشویکی رزمنده است. آنان به افراد کار دسفیدر میخورند و ما روتکا از سی و هشتمین تا چهل و یکمین نفر افراد دشمن را بدون خطا مورد هدف قرار میدهد، اما وقتی که ما ته را برای کشتن "چهل و یکمین" نفر می فشارد دست تقدیر (!) سبب میشود که تیرش به خطا برود و اثر کار دسفیدر مورد هدف قرار نمی گیرد، بر جسد فیدرا بالا میبرد، و به اسارت آنان در می آید. او از افسران کلچاک فرمانده کل کار دسفیدر است و با خود اسرار یک حمله پراهمیت را برای دنگین، زرنال دولت شورشی حمل میکند.

وطیفه محافظت از این افسران رسیدن به سنا در ش سرخ به ما روتکا سپرده میشود، و پس از حوادثی، وقتی که آنان با یک قایق به محل ستاد میروند قایقشان گرفتار توفان شده و دو نفر از همراهان ما روتکا غرق میشوند و او افسر چشمتی به یک جزیره خالی پرتاب میشود، در آنجا است که این دو عاشق هم میشوند لیکن دوران سعادت!! آنان دیری نمی پاید، بگروا زمان دریا قایقی سر میرسد، آنان فکر میکنند که نجات یافته اند اما با نزدیک شدن قایق، مشخص میشود که متعلق به افراد کار دسفیدر است، افسر دشمن، فیدرا در آن سوی قایق میدوید و ما روتکا در یک لحظه بناچار کسی را که عاشقش بود، میکشد و آنکه در حالیکه شدت میگیرد، جسد غرق در غوشش را در آغوش می-فرد، و فیلم پایان میابد.

### ریاکاری فیلمساز ریزونیست

آموزش ضد مارکسیستی و خیانتکارانه این فیلم در کجاست؟ چوخرای یکی از علمداران هنر ریزونیستی چگونه فریبکارانه قایق را تحریف میکند؟ اینست مسئله ای که باید به آن بپردازیم.

آنچه که باید در وهله اول بدان توجه کرد این موضوع است که چرا چوخرای صحنه را به گونه ای میگرداند که ما روتکا را به شوک عاشق افسر کار دسفیدر شود، در پشت این داستان چه چیزی پنهان شده است. چیزی که بیش از همه میتواند توجه یک تماشاگر مارکسیست - لنینیست را جلب کند این است که فیلمساز این داستان پردازی فریبکارانه سعی نمیکند به مرد دشمن طبقاتی تاشتی نا پذیر را از میان بردارد.

ما روتکا، نماینده پرولتاریا انقلابی و افسر کار دسفیدر نماینده بورژوازی ارجاعی است، چگونه ممکن است این دو عاشق یکدیگر شوند؟ حقیقت آن است که چنین آموزش موزانه - ای تنها از ذهن غلیل و خاشاک یک هنرمند ریزونیست میتواند بدست آید و آن همان

هیچ شکی نمی توان داشت که کارکنان هنری حزب جمهوری اسلامی بدرستی دریافتند این "ایده های تازه" و این "سینمای ملح به ایدئولوژی" امروز شوروی هیچ ربطی به ایده ها و ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم ندارد، و آموزش آنان، آموزشی خیانت بار برای طبقه کارگر و سایر رزحمتگان و آموزش بود بورژوازی و در خدمت ارتجاع و ضد انقلاب است، و به همین دلیل است که فیلم ها بی نظیر "چهل و یکمین" را به نمایش در می آورند... ببینیم فیلم منحصرا چوخرای چگونه به رژیم جمهوری اسلامی خدمت میکند.

چوخرای خود درباره فیلمش میگوید: "من ۴۲ سال پیش در اکراشین" ما یل ها دورتر از مسکو متولد شده ام، و "چهل و یکمین" را در سال ۱۹۵۵ در چنن تا تیری بر فیلمسازی روسیه داشتم است در همانجا ساختم.

پیش از ساختن "چهل و یکمین" من درباره آینده سینمای شوروی که در نتیجه کیش شخصیت استالین به دکما تیسیم کوتاه نظرانه مبتلا شده بود خیلی فکر کردم، تصمیم گرفتم که بر علیه این دکما تیسیم مبارزه کنم، من مجبور به مبارزه با تعصبات بودم تا شانس ساختن این فیلم را بدست آورم. (چوخرای - مجله فیلم و فیلمسازی - اکتبر ۱۹۶۳)

اکنون آنان ترمیتوان دریافت که در پشت "چهل و یکمین"، کدام دیدگاه سیاسی - ایدئولوژیک و هنری نهفته است و در پس تصویر این فیلم چه ضدیت و قیافه ای با ما رکیسم - لنینیسم و هنر مارکسیستی خوابیده است.

### داستان فیلم

فیلم "چهل و یکمین" مربوط به سالهای اول انقلاب اکتبر و دوران جنگ داخلی است فیلم با صحنه ای شروع میشود که دسته ای از نیرو - های سرخ از کار دسفیدر شکست خورده و در شزار

فیلم "چهل و یکمین" اثر شهپر گریگوری چوخرای، یکی از پرآوازه ترین فیلمسازان ریزونیست معاصر شوروی مدتی است که اکران چند سینمای رسمی جمهوری اسلامی را فتح کرده است این فیلم اثر تازه ای نیست، در واقع محصول سال ۱۹۵۶ میباشد، نمایش آن بارها در کشورهای غربی و همچنین در ایران آنهم مصادف با سیاهترین سالهای سرکوب رژیم شاه تکرار شد و ستایشهای فراوانی برانگیخت، با اینهمه بخاطر اهمیت تاریخی این فیلم در بنا نهادن هنر بورژوا - ریزونیستی معاصر، بخاطر تاثیر مخرب آن در میان کارگران و رزحمتگان جهان، و بخاطر ضرورت روشن کردن ماهیت ایدئولوژیک این اثر برای پرولتاریا مارکسیست - لنینیست و همه رزحمتگان، ما لازم دیده ایم پرده از چهره فریبکارانه آن بگرییم، تا بهتر آنکار شود که چرا جمهوری اسلامی، این چنین طرفدار فیلمهای روسی شده است، و بویژه حزب جمهوری اسلامی چرا تا به این حد علیرغم همه تفادهای ضد انقلابی خود با سوسال امپریالیسم شوروی، بسوی این آثار آغوش گشوده است و از آن چه می طلبد. ما فراموش نمی کنیم که آنان با صراحت در نشریاتشان می نویسند: "از سینمای روسیه با غولهای... که کوشیده اند قبل از هر چیز یک سینمای ملح به ایدئولوژی بازند و در واقع سینما را تبدیل به وسیله آموزشی کنند که در سطح وسیعی با قویترین نیرو برایشان تبلیغات کنند میتوان آموخت... فیلم جادوگران قرن بیستم (این فیلم به وسیله "بنیاد هنری مستقیم" به نمایش درآمده و سوسال امپریالیسم شوروی است - پیکار) و هم بقیه فیلمهای سینمای روسیه به ملت اینکده را ای ایده ها و تکنیکهای تازه و خاللی هستند میتوانستند در مقابله ای بین سینمای غرب نتیجه ای خوب به سینماگران و سینما دستان بدهد... (بخشیه ۳۰ مرداد ۵۹ - هفته نامه فرهنگی روزنامه جمهوری اسلامی)

## ریزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

آموزش دروغین نوکران بورژوازی.

## نفرت از جنگ طبقاتی و تضاد عشق و وظیفه انقلابی

درمنا حدهای کدرا جوخه‌ای در نشریه شماره ۴۷ سینما ۶۰، زویش ۱۹۶۰ چاپ شده و به نحو بی‌شمارماندای ادعا کرده است که منظورش در این فیلم آن بوده است که نشان دهد چگونه "انقلاب" مردم را به دو اردوگاه مخالف تقسیم کرده است" (۳).

درواقع نفرت از انقلاب در سراسر "چهل و یکمین" بوضوح به نمایش درمی آید. وظیفه انقلابی ما رونکا به حکم میکند که ناخواسته معنوفش را بکشد. چرا که انقلاب نشان داده می‌شود، رشتی، فقدان "شردوستی" و عشق ۰۰۰۰۰۰ همراه آن است. کمیسر سربازان سرخ، بصورت موجودی وحشی، خشن و نفرت انگیز نموده میشود. افراد کا در سرخ، سربازانی با روحیه ضعیف هستند که دست به اعمال جنون آمیز میزنند. کمیسر به یکی از سربازان سرخ "مغول کثافت" خطاب میکند و سرباز سرخ دیگری دارای افکاری کثیف شہوت آمیز نسبت به ما رونکا است.

برعکس، افسر کا رد سفید، فردی با "فرهنگ"،

گونه که مبلغ آنتی لطیفانی، مبلغ ستانگی بورژوازی و پرولما را و برده افکندن برضاد کا روس را می‌داند، به همان سان برابیان نکوفا ندن عشق و وحدت یک بلتویک با یک دشمن لطیفانی ممکن و ایده‌آل است. او بیشتر آسای جوخه‌ای با لاترار "خنگ اندیشی" و "دکمانسم" کمونیست‌ها در ارتباط با ما هیت لطیفانی و نهاد آنتی ناپذیر طبقات وجود دارد، و آن "انسان" بطور کلی و "جوهر انسانی" است. اگر برای ما رکیست‌ها عشق، یکی از اولین انگال بگانه‌گی سیاسی - ایدئولوژیک و عاطفی است، از نظر کا هویزیونیست‌ها چنین مسئله ای "دکمانسم" است و عشق ما و را، طبقات و امیری مربوط به فردودات نا مکتوف بشری و سرشت بشر دوستانه انسانیت است. اینست بشر دوستی را با رانه فیلم‌ها زرویزیونیست و اینست

### بقیه از صفحه ۱۹ یک ربع...

کرد، اما با اتخاذ مواضع راستروانه در قبال مسائل فوق انحراف بزرگی در پیش گرفت. تسلیم طلبی‌های حزب توده و سازش او با ارتجاع سنگ بزرگی در مقابل پیروزی ثیامانداخت. حزب توده پس از انتماب توام به نخست وزیری بدون هیچگونه قید و شرطی با تمام نیروی تشکیلاتی به پشتیبانی این فرقه نوکرا میربا لیم شتافت، و در کمال سینه توام شرکت نمود. و دست و پا ل ارتجاع را در کسترش برنا مدهای سرکوب و ارتجاعی اش باز گذاشت و دنبال "ملح و سازش طبقاتی" را گرفت. اشتباهات شوروی سوسیالیستی تحت رهبری رفیق استالین نیز نقش مهمی در شکست جنبش خلق آذربایجان بازی کرد. دولت شوروی با مذاکره با توام مرتجع و عقد قرارداد موافقت در تبدیل مجلس ملی خلق آذربایجان به مجلس ایالتی و ولایتی و تقاضای امتیاز نفت شمال در مقابل منافع خلق آذربایجان و آینده انقلاب ایران یکی از بزرگترین اشتباهات سیاسی خویش را مرتکب شد و عملاً با اعمال نفوذ در رهبری فرقه دمکرات راه را برای اعمال نفوذ رهبران سازشکار را گذاشته و با سعی در جلوگیری از مبارزه و مقاومت مسلحانه خلق زحمتکش آذربایجان پیروزی ارتجاع را تسهیل کرده و منافع اتحاد شوروی را در برابر منافع زحمتکشان میهن ما قرار داد و این برای یک دولت سوسیالیستی قابل اغماض نیست. خلفای قهرمان ایران از جنبش انقلابی خلق آذربایجان و پیروزیها و شکست‌های آن بسیار آموخته‌اند. اگرچه این خلق در یک آزمون انقلابی با شکست روبه‌رو شد ولی این ناکامی تجربه‌ای است که با تکیه بر درسیهای آن خلق آذربایجان، در کناره‌های دیگر خلقهای ایران بزرگ‌تر جمهوری دمکراتیک خلق پر دوازه‌های پیروزی خواهد گوسید. تجربه‌ای که امروزه خلق قهرمان کرد با تکیه بر آن درسیا، پیش - در آمد پیروزی را شروع بناواختن کرده است.

### بقیه از صفحه ۱۹ تجربیات...

بر دخالت نظامی در لپستان، بیانکارا یمن مدعا است. دولت لپستان برای منحرف کردن منارزه کارگران به کشیش و مرتجعینی چون "پاپ" متوسل گردید و این مرتجعین که حیره خوار امیربا لیست‌ها هستند، جهت انجام "وظایف" خود کارگران را به قطع اعتصابات و در نظر گرفتن "معالج عمومی" دعوت کردند. آنها برای منحرف کردن جهت مبارزه، کارگران را به طرح خواستهای مذهبی (یعنی قدرت گرفتن کشیشها) و صرفاً این چنین خواستهای، دعوت کردند. البته دولت "سوسیالیستی" (!) لپستان هم با این خواستها موافق بود.

دولت از پیش‌آخبار مربوط به اعتصابات جلوگیری بعمل آورد و مدت‌ها ارتباط کارگران اعتصابی را با سایر نقاط لپستان و جهان قطع کرد. (قطع ارتباط تلفنی شهر "گدانسک" با سایر مناطق، عدم پخش اخبار اعتصابات در روزنامه‌ها و رادیو، تلویزیون) و پس از آنکه تحت فشار کارگران مجبور به شکستن سانسور گردید، بوسیله دستکاهای تبلیغاتی با ترساندن مردم از عواقب اعتصابات سعی کردند تا بین توده - ها تفرقه انداخته و کارگران اعتصابی را از حمایت مردم محروم سازد. اما زمانیکه تمام این حیل‌ها در مقابل اراده پولادین طبقه کارگر، بی اثر گردید، دولت شروع به عقب نشینی کرد و در هر مرحله از این عقب نشینی سعی در متوقف ساختن مبارزه کارگران نمود. آنها ابتدا تغییراتی در مقامهای دولتی که در جریان اعتصابات رسوا شده بودند، دادند و دولتی بعد از

میربا ن، "روشن فکر" و کتاب خوانده است، زمانی که آنها از دیگران جدا می‌افتند و در جزیره خالی ارکنند با هم تنهایی می‌مانند، عشق، آرامش، سادت و تنگنخی به آنان رومیکنند و انقلاب و وظیفه انقلابی کدرا رشتی توام است جایش را به همزبستی مالمات آمیزد و دوری از انقلاب و زیبای می‌دهد. اینست آموزش‌ها نشان دیکر کریکوری جوخه‌ای، بهر سیمای بورژوا - روبر - یونیستی شوروی. اینست نفرت بیگانه روبریونیست‌ها از جنگ طبقاتی و اینست تضاد عشق انسانی با وظیفه انقلابی!!

"چهل و یکمین" را از زوایای مختلف می - توان مورد نقد قرار داد و محنه به محنه آن را بررسی کرد و پرده از چهره این فیلم بورژواشی و خیانتکارانه برداشت و هر چه بهتر به علت حمایت جمهوری اسلامی از فیلمهای روسی پی برد. لیکن بدلیل عدم مکان یک بحث مفصل ما در همین جابه نوشته خاتمه میدهم و برای درک هر چه عمیقتر ما هیت بورژواشی این فیلم به کتاب "نمونه‌ای از هنر روبریونیستی" مراجعه میتوان نمود.

(۳) - به نقل از "نمونه‌ای از هنر روبریونیستی" - چانک کوانگ نی -

مشاهده‌ی اثر بودن این حیل، تغییرات وسیعی در دولت و حزب روبریونیست، انجام گرفت. با این همه عکس العمل کارگران، بی تقا و تسی توام با تنفر بود.

از طرف دیگر امیربا لیستهای غریبی که مسئله را بسیار جدی تر از آن دیده بودند که بخواند صرفاً به استناد تبلیغاتی (۳) بر علیه رقبای خود دست بزنند، با اعلام اینکه: "امیدوارند دولت لپستان بتواند بر مشکلات داخلی غلبه کند"، پشتیبانی خویش از دولت لپستان را اعلام داشتند که این خود بیانگر وحشت امیربا لیست‌ها از جنبش کارگری است. (ادامه دارد)

(۳) - دولت روبریونیست لپستان که از شدت کوبندگی ضربات کارگران به وحشت افتاده بود، مجبور به پذیرش تمام خواسته‌های آنان گردید. اما بعد از اجرای آنها مانند تمام رژیمهای سرمایه‌داری، شروع به اشکال تراشی نمود. این موضوع از یک سو روشد کاهای مبارزاتی کارگران از سوی دیگر، موجب ادا ما اعتصاب و مبارزات کارگران گردیده است.

(۳) - امیربا لیستهای غریبی (و همچنین رژیم جمهوری اسلامی) برای موجه جلوه دادن خود سعی میکنند نظامی موجود در کشورهای اروپای شرقی را سوسیالیستی جا میزنند تا بوسیدگی سرمایه - داری دولتی این کشورها را بحساب سوسیالیسم و کمونیسم بگذرند و بدینوسیله سوسیالیسم را در اذهان کارگران و توده‌های کشورهای خود و جهان، بی اعتبار سازند.

## یک ربع قرن از قیام باشکوه خلق قهرمان آذربایجان گذشت

۲۱ آذر: سالگرد

یک پیروزی، یک شکست



ایستادگی شما بد، غنا بر سر زوا که در رهبری  
"فرقه" نمود کرده بودند با وحت از شما هم ارتجاع  
دستور "ترک مقاومت" دادند تا "خونی ریخته  
شود" البته وری بدستور اتحاد شوروی ایران را  
ترک کرده و غنا سرزدل و سازشکار در درازن "فرقه"  
دمکرات "ترا رکرفتند، ولی شورما و مت خلشن  
ترک آذربایجان شکستی نبود! انقلابیون مسلح  
نوده ای درماننا بل ارتش مزدورنا هف بستند و  
مقاومتی حماسه آفرین از خودنا دادند .  
نوا ی ارتشی محمدرضا همام خون براه انداختند  
مردان را بر سریدند، بر زبان و کودکان و تجاوز  
کردند و خلق دلیر آذربایجان را با خاک و خون  
کشیدند و دهها هزار کشته بجای گذاشتند، ارتش  
قیام پیروزمند خلق آذربایجان را پس از یکسال  
که توانسته بود خلق را بر سرشوت خوش حاکم  
گرداند در هم شکست، شکست قیام خلقی که دلش  
برای آزادی کل ایران می طپید، آغازی شد  
برای ارتجاع که مدبوحانه "۲۱ آذر ۵۹" را روز  
"قیام آذربایجان" و "یازگشت آن به آغوش میهن"  
قلندارندما بد .

### دستاوردهای قیام خلق آذربایجان

علیرغم شکست زودرس، حکومت ملی فرقه  
دمکرات در مدت کوتاه هرقراریش توانست  
اقدامات مترقیانه ای انجام دهد که برخی از  
آنها را مختصرا میا وریم: تقسیم اراضی مالکین  
فزاری بین دهقانان، مبارزه شدید با رشوه  
خواری و فساد اداری، تعمیم بهداشت محانی در  
سراسر آذربایجان، کنترل قیمت اجناس و کاهش  
آنها بمیزان ۴۰٪، تصویب قانون کار انقلابی،  
بکار بستن برنا همکار همگانی، آموزش همگانی  
و مبارزه جدی با جهل و بیسوادی، تأسیس دانشگاه  
تبریز، تأسیس فرستنده رادیو، آموزش بر زبان  
آذربایجانی در مدارس و بسط و گسترش فرهنگ  
غنی آذربایجان و ...

### انحرافات و علل شکست قیام

یکی از علل مهم انحراف و شکست قیام پیرو  
شکوه خلق آذربایجان را باید در درون "فرقه  
دمکرات آذربایجان" جستجو کرد، از جمله همین  
عوامل باید از اشتباهات رهبری و غوغا بر سر  
بورژوا و ملاکین در درون فرقه (آذربایجان  
ارگان کمیته مرکزی "فرقه" در شماره ۳ بهمن  
۲۴ تعدادا عما فرقه را ۷۰ هزار اعلام که از جمله  
آنها ۵۰۰ مالک و ۲۰۰۰ تا خربودند) و بویژه  
رهبری آن، اشتباه بزرگ رهبران این فرقه  
بود که گویا میتوان مبارزه ملی را از مبارزه  
طبقاتی جدا کرد ("فرقه ما فرقه ای است ملی و  
لذا بدون در نظر گرفتن طبقات، عموم جماعت را  
بزرگوار خود فرامیخواهد" آذربایجان ۱۴/۲۴/۵۹)  
و ... ("ا" خلاف موجودین دهقانان و اربابان  
از طریق صلح و سازش حل میشود" - آذربایجان  
۵۴/۶/۱۲)، فرقه اگرچه برنا مه ای انقلابی پیاده  
بقیه در صفحه ۱۸

از ۲۱ آذر ۱۳۲۴، روز برقراری حکومت  
دمکراتیک در آذربایجان تا ۲۱ آذر ۲۵ روز شکست  
این جنبش، خلق آذربایجان سال بر تحولی را  
بشت سر گذاشت. یک سالی که در جنبش دمکراتیک  
و ضد امپریالیستی خلقهای ایران اثرات مثبت  
و منفی فراوانی باقی گذاشت. این تحولات  
در آینده انقلاب ایران - از آن روز تا کنون -  
تا شیرفراوان بخشیده و همچنان اهمیت خود را  
در تاریخ مبارزاتی خلقهای ما حفظ خواهد کرد.

### زمینه های شکل گیری قیام خلق آذربایجان

در طول دیکتا توری رضا خانی، خلق قهرمان  
آذربایجان بخاطر سودگیری از سنتهای مبارزاتی  
سازخان ها در دین پیشت مشروطه و دنیا مشیخ -  
محمد خانی باسی و آموزش انقلابی در اثر ارتباط  
انقلابیون تبریز و جنبش "سویال دمکراتیسی  
روس" در آغاز قرن اخیر میلادی و ... یکدم از  
مبارزه با ستاده و آذربایجان قلب پرطیش  
انقلاب ایران محسوب میشد، علاوه بر سنتی که  
خلق آذربایجان همچون دیگر خلقهای ایران  
از سلطه رژیم استبدادی رضا خان و تاخت و تاز  
امپریالیستهای انگلیسی و آمریکائی میبرد  
شور و شیب و سلطه طلبی فارس رژیم حاکم نیز بر  
کرده خلق قهرمان آذربایجان سنگینی میکرد.  
هیأت حاکمه محمولات دهقانان آذربایجانی  
را بزرگوار و بیعت ارزان میخرید و در زمستانها  
مواد فاسد را بهیای کفاف بر آنها تحمیل میکرد  
ستم اربابان کمرده ها نا را می شکست و در دل  
آنها بذر طوفان میکاشت. زاندا رهای حکومت  
با همدستی راهزنان و جاقوکان به قتل و غارت  
دهقانان و زمینکشان دیگری پرداختند.  
مزدوران رژیم برپای اتحادیه های قلابی،  
بذرتفرقه و جدائی میان کارگران می پاشید،  
صحبت به زبان آذربایجانی، سرکوب، حبس و  
شلاق بدنیال داشت، رئیس فرهنگ مزدور  
آذربایجان با و قاحت میگفت: "هوکس ترکیسی  
حرف میزند، فاسد را لاغ برآورد و او را به  
آجور بستند"، حکومت فاشودا لها را بر علیه  
دهقانان مسلح میکرد و ... و در نتیجه خشم  
خروشان مردم آذربایجان طوفانی عظیم برپا  
میساخت و جنبش سیاسی - اجتماعی خلش  
آذربایجان شکل میگرفت.

### قیام چگونه شکل میگیرد

کمیته ابالتی حزب توده در فروردین ۲۱  
تشکیل شد و تا ۱۲ شهریور ۲۴ که "فرقه دمکرات  
آذربایجان" شروع به فعالیت کرد، تشکیلات  
رهبری کننده جنبش دهقانان و زمینکشان  
آذربایجان بود. رهبری فرصت طلب حزب نمی -  
توانست آن حرکتی را که خوابگوی شور انقلابی  
زمینکشان آذربایجانی با تندی پیش میرد و لذا  
با رهبری سیدجعفر پیشه وری کمونیست انقلابی  
"فرقه دمکرات آذربایجان" که خواسته های خلق  
آذربایجان را در جهت تدارک انقلاب اجتماعی  
تجدیدی بخشید بوجود آمد، "فرقه" به مبارزه بر

علیه رژیم ارتجاعی و امپریالیسم بر خاست .  
انقلابیون آذربایجان فریاد برآوردند که:  
"با بد دولت آزاد بخوار و بیشتیان دمکراتی در  
ایران سرکار آید، ملت ایران با بدحاکم سر  
شروت خود با شد ."  
مبارزات توده های آذربایجانی گسترش  
میا بد و ارتجاع برای سدر کردن آن دست به  
توطئه میزد و دولتی توده های انقلابی به مبارزه  
بر خاسته و حاضر نیستند آزادی را از ارتجاع  
کدائی کنند، موقعیت انقلابی بر آذربایجان  
حکمفرما ست، خدرت مسلح توده های زمینکش  
شهر و روستا بوجود میا بد، دولت تصمیم به اعزام  
نیرو میگیرد که توسط ارتش سرخ در ترویس  
متوقف میشود. کنگره خلق آذربایجان در ۲۴/۷/۲۹  
برگزار میشود و دستور ایجاد مجلس ملی صادر  
میکرد. روز ۱۱ آذر ارتش بر روی عسزاداران  
حسینی آتش می کشا بد و ۲۱ آذر مجلس ملی تشکیل  
و پیشه وری ما مور تشکیل کابینه میگردد، در مقابل  
حرکت رزمجویانه و خروشان مردم، ارتجاع کیج  
میشود و در اول بهمن ۲۴ قوام السلطنه نوکسر  
سر پیرده امپریالیسم غیا فیه "دمکرات" منشاء  
روی کار میا بد .

### هجوم ارتجاع و شکست قیام

قوام السلطنه که توانسته بود از پشتیبانی  
حزب توده برخوردار شود و با اتحاد شوروی  
سویالیستی تدار داد دولتی امضاء بنما بد  
دستور انتخابات "مجلس ابالتی" را در آذربایجان  
ما در کرده و ارتش را برای "نظارت" انتخابات  
به آذربایجان اعزام میداد و این بهانه بورش  
ارتش بر علیه خلق آذربایجان میشود. مسئولین  
شوروی از پیشه وری خواسته بودند در برابر ارتش



### رفیق م - گ از رشت

این رفیق سما سوسه است که آنچه در بیکار ۷۶ در مقاله "وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌ای" درباره تلاتی دارودست - به اختیار برای کودتا آمده با تحلیل ما از جنبش داخلی منافع دارد چرا که مختار رسیده سیاست امپریالیسم آمریکا است و در حقیقت بدین ترتیب امپریالیسم تلاتی را رد کرده است. و این با تحلیل ما از جنبش داخلی و نفی کودتا در تناقض است.

در پاسخ رفیق باید بگوئیم روندی که ما را جنبش داخلی از برای کردن معابر تلاتی امپریالیسم برای کودتا نیست ما نمی‌توانیم اعتقاد نداریم که امپریالیسم آمریکا هیچ تلاشی برای کودتا به عقیده ندیدن احتمال کودتا به عنوان یکی از گزینه‌های امپریالیسم طبیعی چپروانه و کودتا نه است. آنچه ما گفتیم این بود که روند اصلی جامعه را کودتا از برای کردن، غیر واقعی و استروانه است و باعث برخورد سازگارانه نسبت به رژیم می‌شود. از نظر ما امپریالیسم آمریکا از جمهوری اسلامی در مقابل خلق دفاع می‌کند، از جناح لیبرالها و جناح بورژوازی - حزب جمهوری اسلامی در مقابل جناح خرده بورژوازی آن دفاع می‌کند و از نوکران و سرپرستانشان همچون بختیار در مقابل حکومت جمهوری اسلامی این رده بندی درجه بندی منافع نیروهای نامبرده را به امپریالیسم می‌رساند. به همین دلیل امپریالیسم آمریکا ایده آلش برقرار نمی‌شود. حکومت دست نشانده خویش است! ما باید، آل کجا واقعیت کجا؟! امپریالیسم آمریکا علیرغم این خواست مدا تلاتی اش، بدلیل بحرانهای درونی، بدلیل وضعیت بین المللی و مهمترین از همه بدلیل عکس العمل توده‌های مادر تلاتی آمریکا را موجود در جامعه، قدرت برقراری حکومت دست نشانده اش را ندارد و تلاتی اصلی او در چنین اوضاعی، تقویت لیبرالها و از نمودن جناح خرده بورژوازی موفقی است.

بدین ترتیب ما می‌توانیم تلاتی برای کودتا را از تلم بیاد رژیم، روند اصلی جامعه را چنین امری دانسته و جنبش داخلی (مبارزه داخلی) را پیش بینی می‌کنیم. واقعیت جنبش و تحولات ناشی از آن نیز منظر ما را تأیید می‌کند. چه امپریالیسم آمریکا و رژیم تلاتی فراوانی برای سازش با یکدیگر انجام می‌دهند و امپریالیسم آمریکا از این روند خشنود است.

### رفیق - س

رفیق - س طی نامه‌ای توضیحاتی در مورد رابطه بین طبقه کارگر و جنبش کمونیستی، در مبارزه داخلی داده است و از سازمان خواسته است که در مورد سرشتا له ۷۸ تحت عنوان "برجم لنیسم..." به نقش بارخا طبقه کارگر در این رابطه توضیح بیشتری دهد.

ضمن تشکر از برخورد دقیق و طبقاتی رفیق بصورت مختصر باید گفت، برافراشتن پرچم لنیسم و استواری کمونیستها تنها و تنها در متن تکیه بر پیوند عمیق با پرولتاریا با قائل دوام است و الا هرگاه جنبش کمونیستی فاقد پایگاه اجتماعی پرولتری باشد و از اجزای تشکیل دهنده آن روشنفکران باشند، بی شک تزلزلات بیشتری در آن خواهد گرفت. در حقیقت آنجا که بخش از ضرورت برافراشته نگه داشتن پرچم لنیسم است، باید از برافراشتن پرچم رژیم پرولتاریای ایران سخن گفت. باید به نقش تاریخی و تعیین کننده طبقه کارگر چه در عرصه جهانی و چه در جامعه ما تکیه زد و با افتخار گفت: این خط مشی طبقه کارگر است که در قبال جنگ با ایدئولوژیهای بورژوازی و سیاستهای خرده - بورژوازی نبرد می‌کند و آنها را به طاق نیسان می‌کوبد. مهمترین راه ما باید است که ضرورت تبلیغ و ترویج موضع پرولتری سازمان در قبال جنگ، در حقیقت موضع حقیقی طبقه کارگر در قبال جنگ است. و از موضع طبقه کارگر است که کارگران و سایر توده‌ها توضیح داد، دوست آخر باید این اصل بدیسی را در نظر داشت که استکام بخشدن و تضمین ندادن خط مشی پرولتری بدون تعمیق پیوند با طبقه کارگر امکان پذیر نیست. باید به انگای کارگران آگاه ایران و به انگای ایدئولوژی م - ل در قبال تندبچه‌های تاریخی از افغان بدام تزلزلات بورژوازی خود را حفظ نمود. اگر کمونیستهای روسیه آنچنان در مقابل فر، زوئیتها و در مقابل سرخستی همداره ای نردیده خود را امید دارند، این نه تنها بدلیل انگایشان به تئوری انقلابی ما رکنیم، بلکه بدلیل آبدیگی شان در گوران مبارزه طبقاتی پرولتاریا، پیوند عمیقشان با کارگران بود.

### نامه یک رفیق دانش آموز

من یک دانش آموز دارا سازمان پیکار هستم، که برای ادامه تحصیل از ده شهر آمده‌ام وضع مالی ما خوب نیست و پدرم نیز ارضی به ادامه تحصیل من نمی‌باشد، و میخواهد که در کشاورزی به او کمک کنم. و من نیز باستان با وجود اینکه کارمند می‌شوم می‌کندم در کارکنان ستوان برای سال تحصیلی خود پول تهیه کنم ولی موفق نشدم و فقط ۸۰۰ تومان تهیه نمودم و آمدم پیش یکی از آشنایان در شهر و رفتم کلاس

اول علوم تجربی شت تا مکرم و پس از چند روز دیدم که درسها همان درسهای قبلی است و پسول من نیز ۳۰۰ تومان بیشتر نمانده و کاری هم نیست که تنها با ما بدهیم بهمن منظور محبوسه - ترک تحصیل شده‌ام. اما یک تحصیل جدید را شروع کرده‌ام و آنهم با رکنیت لنیست است. بهمن دلیل من دیگر احتیاجی به این ۳۰۰ تومان ندارم دوست و پنجاه تومان آنرا می‌فرستم. امیدوارم سیستم جامعه سرمایه داری و بسته برچیده شود تا دیگر در آینده چیزی به ما ترک تحصیل معلست صفت نالی برای نسل انقلاب در جمهوری دمکراتیک خلق نیاید.

بیکارمان پیروز باد

م - غ بندر عباس

رفیق نوحوان!! از کمک مالیات سیاست‌گزاریم بکوش تا در سکرما رکنیم - لنیسم هر چه بیشتر علم انقلاب را فراگیری و به صف انقلابیون حرفه‌ای بپیوندي. در ضمن با رفقای هوادار تماش بکیرنا مسئله ادا به تحصیل مورد بررسی قرار گیرد پیروز باشی!

### مادر مبارز، رطط کرج

ما در نامه‌ای برای ما فرستاده است و ضمن توضیح اینکه چرا ریسروچا در خرداد روز نغرا ز آنها هوادار سازمان است، به بررسی وضعیت کرانی و فلاکت و... پرداخته است و از سازمان خواسته است در مورد کمیود بنزین و نفت و کرانی قسمت آن، دست به افتخاری بزنیم. و در آخر نیز ۲۰۰ ریال به سازمان کمک کرده است. ما ضمن تشکر از این مادر مبارز، تلاتی می‌کنیم تا به پیشنهاد د - هایش عمل کنیم.

### رفیق قاسم

این رفیق پرسیده است که چرا جواب بسیاری از نامه‌ها را نمی‌دهیم و صرفا به ذکر نامه آن بسنده می‌کنیم. و این برای نویسنده نامه‌ها بی‌فایده است. در جواب رفیق باید بگوئیم اولاً، تعداد نامه‌ها بی‌کودر هفته به ما میرسد بسیار زیاد است و ما نمی‌توانیم جواب تک تک آنها را در پاسخ به نامه‌ها که یک صفحه و نیم از بیکار را به خود اختصاص داده است، بدهیم چرا که در واقع اگر در مقابل هزینه بدون توضیح تنها بنویسیم "دریافت شد"، "رسد" "پیشنهادتان مورد توجه قرار گرفت"، "انقلابیان وارد است" و... بیشتر از دو صفحه اشغال می‌کند و با توجه به سخنانی که در این صفحات نا بدیده‌ام، با کمبود در مواجهه می‌شویم تا بسیار از نامه‌ها تنها پیشنهاد است، انتادات خردی و امثالهم است که مورد توجه قرار نمی‌گیرد. ضروری به توضیح تک تک آنها نیست. ثالثاً برخی از سوالات و انتادات جنبه تکراری دارند که باز هم از پاسخ به آنها خودداری می‌کنیم. فی المثل در مورد انتقاد، بیکار ۷۳ نامه‌های

## آزار خانواده‌های مجاهدین اسیر را محکوم می‌کنیم

طی یکی دو هفته گذشته پرده‌ای دیگر از وحشیگری رژیم حاکم علیه نیروهای انقلابی و در این مورد خواهان و مادران مجاهدین اسیر به نمایش گذاشته شده‌ها تن از خانواده‌های مجاهدینی که به "جرم" پخش اعلامیه‌ها و نشریات سازمان مجاهدین دستگیر شده و به زندان اوین برده شده بودند در مقابل زندان اجتماع کردند ولی نه تنها به خواست آنها در شرباطلام از وضع فرزندان و آزادی آنها ترتیبی اثری داده نشد، بلکه با سداران زندان با وحشیگری تمام به خانواده‌ها حمله و شکنجه‌ها را با قتل و کشتن و زنده‌اندیشانی "جدید" مادران و خواهان را نیز به زندان انداختند، آنها را در مستراح‌ها حبس کردند، آنها را بر تنه‌های اوین در سرمانگه داشتند، ضرب و شتم و بدرفتاری و فحش‌های ریگ‌موجب بهم خوردن حال چند نفر از خانواده‌ها گردید.

مقاومت و برخورد تهاجمی خانواده‌ها علیه نیروهای ارتجاع حاکم و نگفتن اسم و آدرس به مسئولین زندان، یک اقدام تعرضی و افشاگرانه قابل تحسین است. سازمان ما این برخورد و جنبانه رژیم با خانواده‌های مجاهدین اسیر را افشا و محکوم کرده از خواهران و مادران مجاهد پشتیبانی می‌نماید.

### تبلیغ...

در اینجا ذکر یک نکته ضروری است. در مورد تبلیغات بموقع، با بستی یک تشکیلات (م-ل) مانند ساعت کار کنند. کافی نیست که مرکزیت یک سازمان (م-ل) اساسی ترین مسئله مورد تبلیغ را مشخص کند و مثلاً هیئت تحریریه و یا ارگانهای مربوطه با برخورد فعال فوراً ترکنتها و اعلامیه‌هایی در این مورد نشر دهند و یا ارگان مرکزی سازمان سرعاً به آن برخورد کنند، اینها همه لازم است و لایسی بهیچوجه کافی نیست. با بستی فوراً و سرعاً این تبلیغات، بموقع در اختیار توده‌ها قرار گیرد. بدین ترتیب تبلیغات بموقع را تشکیلات منظمی میتواند سازمان دهد که با یک انضباط آهنگین پرولتاری و با سرعت و شوری انقلابی نظرات کمونیستی خود را بدون فوت وقت به میان توده‌ها ببرد. در این مورد افراد پخش کننده در بموقع انجا م گرفتن تبلیغات و در نتیجه کسب اعتماد توده‌ای و نفوذ در میان زحمتکشان، نقش حیاتی دارند. مبلغین شفا هی و رفقای کمونیستی که به پخش اعلامیه‌ها و نشریات انقلابی در میان توده‌ها مشغولند، باید به این مشخصه اساسی تبلیغ یعنی سرعت و بموقع بودن آن کاملاً توجه داشته باشند. ما در این مورد در آینده، بیشتر سخن خواهیم گفت. (ادامه دارد)

بسیاری بدستمان رسیده است که ما چندین بار توضیح دادیم که برخورد با آن را در پیکار تئوریک مطالعه کنید، اما با زهم رفقای دیگری همین انتقاد را مطرح کرده‌اند. طبیعی است ما با سخی مجدد به آنها ننمیدیم. اما ما برخی از سوالات و با انتقادات بدون آنکه پاسخ داده شود، بصورت مقاله در خود پیکار منتشر می‌شود و دست آخر برخی از سوالات مورد بررسی قرار می‌گیرد و در فرصت مناسب پاسخ داده خواهد شد.

## ف-ف از فیروز آباد فارس:

رفیق در مورد ضرورت افشای خوانبسی قشقای و... در استان فارس بویژه فیروز آباد تذکر داده است و پیشنهادات و سوالاتی را نیز مطرح کرده است. ضمن توضیح در مورد اینک پاسخ سوالات تئوریک در نشریه تئوریک منتشر می‌شود و ضمن تشکر از پیشنهادات رفیق، در مورد افشای خوانبسی قشقای باید بگوئیم: افشای این عناصر مزدور و وابسته به امپریالیسم به ارسال گزارشات دقیق از فعالیت اینان در منطقه بستگی دارد. رفقا موظفند تا مرتباً از فعالیت‌های این دارو دسته‌ها و افشای آنها گزارشی برای ما ارسال دارند تا ما بتوانیم فعالان آنها را افشا کنیم.

رفقای دیگری که بر ایمان نامه فرستاده‌اند: رفیق کرد - هواداران دیر - کارگریکار - هوادار - م - دانش آموزان - م - م - ط - الف - سارا - پ - کارزون - رفیق ک - شیراز - ط - ف - ب - س - ن - ر - ع - ا و - ن - الف - از شیراز - هواداران حشمتیه شرق تهران - ع - ص - بند عباس - ه - ط - ر - رفیق الف ۳۸ - رفیق ه - دانشجو از مشهد (س - ب) - م - د - از سمنان - رفیق کشاورز الف از ورامین - هسته دانش آموزی "ش" - م - راز سمنان - م - ب - پ از سمنان - ب - س - سهراب دانش آموز از دزفول - ناصرازا - هواز - مسعود - م - رمانداران - عبدالله - یوا از اصفهان - م - س - لاهیجان - الف - الف - رشت

## انتشار نشریات محلی

آخرین شماره‌های چاپیش (۶) (نشریه محلی هواداران سازمان در اردبیل) و (الف) "موج" (۳) (نشریه محلی سازمان دانشجویان و دانش - آموزان پیکار در اردبیل) بدست ما رسید، موفقیت رفقا در گسترش و هدایت مبارزه توده‌ها و افشای جنایات رژیم و پیکار در راه آزادی طبقه کارگر آرزو می‌کنیم. اولین نشریه پیکار "نیز که به همت جوانان انقلابی روستاهای گیلان" انتشار می - یابد و حاوی مطالب سودمند و افشاگرانه - پیرامون زندگی و کار زحمتکشان روستاهای شمال بویژه برنجکاران میباشد، بدست ما رسید موفقیت این رفقا را صمیمانه آرزو می‌کنیم.

### آمل...

بقیه از صفحه ۱  
شهر، شجاعانه به مقابل با تهاجم ارتجاع برخاستند. در جریان درگیری بین انقلاب و ضد انقلاب در آمل، ۷۰ نفر از انقلابیون شهر توسط مزدوران ارتجاع دستگیر شدند. بدستال دسگیری انقلابیون نیروهای انقلابی و زحمتکشان آمل بخاطر آزادی انقلابیون اسیر دست به تحمسن زدند. اینها را قداره زندان جمهوری اسلامی با چماق و سنگ و چاقو به متحصنین حمله کردند. در این حمله، با سداران با تیراندازی و برتاب گاز اشک آور، چماق‌داران را همراهی می‌کردند. در جریان حملات و حشانه ارتجاع دست کم سه نفر کشته و دهها تن زخمی شدند. پس از پایان تحصن در اشرفا را رتجاع، نیروهای انقلابی و مردم زحمتکش آمل به تظاهرات موضعی دست زدند و با مقاومت خود در برابر هجوم ارتجاع، حماسه‌روهای قبل از قیام را در خا طره‌ها زنده کردند. آنچه در این مقابل با انقلابی با ارتجاع چشمگیری بود، افشاشدن بیش از پیش فدا انقلابیون رویونیست چریکهای فداشی (اکثریت و نیروهای ناپیگیری نظیر راه کارگر بود.

از روز ۵ شنبه ۵۹/۹/۱۳، با سداران جهل و سرما به همراه چماق‌داران در شهر آمل حکومت نظامی برقرار نموده و شبها رفت و آمدها را بشدت کنترل می‌کردند. مردم زحمتکش آمل با باز گذاشتن درهای خانه‌های خود، حمایت بیدریغ خود را از انقلابیون تحت تعقیب و نفرت خود را از با سداران نشان دادند.

روز جمعه ۵۹/۹/۱۴ در این روز مردم مبارز و نیروهای انقلابی آمل برای تشییع جنازه یکی از شهدای درگیری روز سه شنبه بنام "سالار" (کارگر کوره پزخانه) در خانه‌ها تجمع شدند. شب بعد از شهادت این کارگر، با سداران به خانه او رفته و به خانواده‌اش گفته بودند که به شما ۴۰ هزار تومان میدهم و شما بگوئید که سالار را کمونیستها و مجاهدین کشتند. اما خانواده شهید با نفرت هر چه تمامتر مزدوران غد خلقی را از خانه خود بیرون کردند. با سداران ارتجاع سعی داشتند هر طور شده از تشییع جنازه جلوگیری کنند و از آنجا که مردم شهر تمهید به برپائی تظاهرات گسترده بین تشییع جنازه گرفته بودند، با سداران با حمله به خانه شهید، جسد کارگر شهید سالار از خانه‌اش دزدیده و خودشان دفن کردند. پس از اینکار، با سداران به همراه چماق‌داران دستگیری وسیعی را در شهر آغاز کردند. مردمی را که به نشانه اعتراض و تنفر از با سداران، مفازهای خود را تعطیل کرده بودند، با زور به باز کردن مفازها وادار می‌کردند.

برخی از شمارهای که مردم در طول این درگیریها میدادند چنین بود:  
مرگ بر آمریکا - مرگ بر با سدار،  
با سدار، با سدار - حامی سرما به دار،  
زندان سیاسی - میراث شاهنشاهی ....  
طبق آخرین خبر شهر آمل همچنان متشنج بوده و درگیری در آن جریان دارد.

## بقیه از صفحه ۲۸ نیروهای...

داشتن آموزی در هفته گذشته بعبان ادامه یافته و روند کلی جنبش، حکایت از اوچگیری با زهم بیشتر دارد. در کنایه واقعیت اساسی، با یستی از اوچگیری بیشتر بحران جامعه سخن گفت. عدم مدورنفت، تعطیل پالایشگاه ها، تعطیل برخی کارخانجات بخاطر فقدان مواد اولیه، کمبود ذخایر انرژی که بگفته رئیس بانک مرکزی تنها ۶ ماه کفاف خواهد کرد، حکایت از اوچگیری بیشتر بحران جامعه میکند. لیبرالها با شتم نیز طبقا نشیانه، خطرا و اوچگیری انقلاب را بسیار زودتر حدس زده اند. سخنرانهای متعدد لیبرالها و با عناصری که دارای گرایشات دموکراتیک بوده و بسود لیبرالها حرکت میکنند در هفته گذشته اوج بیشتری یافت، لیبرالها میگویند، آلترنا تیوا رتجای خود را برای کشاندن توده ها بسوی خویش، ارائه دهند. در مقابل موج ناراضی توده ها در زمینه سرکوب آزادیهای دموکراتیک، لیبرالها به فریب توده ها دست زده و با آژادخواهی دروغین، سعی در جذب آنان کرده اند. در زمینه اخراج معلمین و دانش آموزان و کارمندان، لیبرالها با این اخراجها مخالفت کرده اند. در زمینه خواست توده ها مبنی بر بازگشتی دانشگاهها، لیبرالها نیز شعار بازگشتی دانشگاهها را مطرح کرده اند. (انقلاب اسلامی ۱۲۰ آذر) در زمینه بحران اقتصادی، سیاسی جامعه لیبرالها تماما مسمی تصمیمات را برگردن جناح مقابل افکنده اند. نیروهای ارتجایی دیگر چون بختیار و ویسی نیز با استفاده از امکانات رادیویی امپریالیستی همچنان در استفاده از ناراضی توده ها می کوشند، گرچه بخاطر جنایات آنان، توده ها نسبت به آنها تا حدود زیادی آگاهی دارند، اما بهر صورت مسئله اساسی افشای کلیه آلترنا تیوهای ارتجایی است. حزب جمهوری اسلامی نیز به تبلیغات دروغین خویش برای نشان دادن خود به عنوان یک نیروی "فدا میرا لیست" ادامه میدهد. همه جناحهای متفاد و بورژوازی خطر را حس کرده اند. ناراضی توده ها روز افزون است و رژیم روز بروز با بهای خود را در میان توده ها ازدست میدهد. بحران عمیق سرمایه داری وابسته، سخن از وزش با ده های سهمگین انقلاب میدهد. نسیم انقلاب در بسیاری از نقاط وزیدن گرفته است. جنگ و خرابیهای ناشی از آن بر شدت وزیدن این نسیم افزوده و خواهد افزود. در این میان آنچه اهمیت دارد، آگاهی توده ها و تشکیلات دادن آنان است. در هنگامیکه نسیم اعتلا میوزد، هرگاه توده ها را نسبت به همه آلترنا تیوهای ارتجاع آگاه نکرده یا شیم و آلترنا تیو کمونیستها را بعنوان یگانه جریانی که میتواند خواست انقلابی توده ها را کاملاً برآورد، ارائه نکرده یا شیم، طبیعی است که نیروی توده ها در خدمت پیشبرد امر انقلاب، هدایت نخواهد شد. توده ها بیش از پیش در دوران اعتلا سیاسی میشوند و به همین

## بقیه از صفحه ۲۸ جنگ...

شدت اختلافات اخیر انجام گیرد. چرا که آیت الله خمینی از دادن وقت ملاقات به پیمان با رها و با رها اجتناب کرده بود. ۴- گرچه مصاحبه بنی صدر در ۱۴ آذر حکایت از آن داشت که از حدت یا بی بیشتر تفا ده ها جلوگیری شده و احتمالاً ملاقات آن روز صبح اوو آیت الله خمینی بیکری سا زشها انجام میدهد است، اما با بداند است که این سا زشهای موقتی از اوچگیری تفا ده انمی توان در روند عمومی اش جلوگیری کند، این تفا ده ها، نمی تواند با این قبیل سا زشها فروکش کند، عاملی که اکنون تا حدودی از رویا روشی های خشن تر جلوگیری می کند. موقعیت آیت الله خمینی است. طبیعی است در فقدان وی، این تفا ده ها بسیار در تر شده و طرفین از یکا رگرفتن هیچ وسیله ای برای یکف گرفتن کامل قدرت ابائی نخواهند داشت.

## تأثیر متقابل رشد انقلاب و اختلافات جناحهای رقیب

هما نطور که با رها گفته ایم (بخصوص با داشتن های سیاسی - پیکار ۸۲)، رشد انقلاب موجب شدت گرفتن تفا ده های درون هیت حاکم می گردد. اکنون به تا شیرا اختلافات درونی هیت حاکم بر امر انقلاب نگاهی مختصر می افکنیم: ۱- با اوچگیری بیشتر تفا ده ها، طرفین می کوشند تا با افشای طرف مقابل، به بهای توده ای بیشتری برای خود در اختیار بگیرند. نطق بنی صدر در عا ثورا در مورد زندان ها و شکنجه و سرکوب آزادی توسط طرف مقابل و افشا گریهای متقابل نما بیندگان حزب از جمله اشار به آزادی کودتا چنان توسط بنی صدر، از این نمونه است. این امر گذشته از این جنبه مثبت که به بی اعتباری هیت حاکم نزد توده ها، با دامن میزند، این خطر را نیز دارد که توده ها با افشای طرف مقابل، طرف دیگر را دارای حقانیت بیشتر تشخیص داده و به آنسوری بیاورند. در صورتی که انقلابیون و بخصوص کمونیستها بتوانند این اشکال را بر طرف سازند، میتواند افشا گریهای دوطرف علیه یکدیگر را به صورت افشای دوطرف درآورده، بسود انقلاب از آن استفاده

## نما یند.

۲- اختلافات درون حاکمیت، "بت حکومت جمهوری اسلامی" را نزد توده ها شکسته و با افشا گریهای بموقع کمونیستها و انقلابیون، میتوان از بی پرده های "حکومت الله" ماهیت سرمایه داری طرفین و سوء استفاده از توده ها برای تثبیت و قدرت گیری بیشتر جناح خود را به خلق نشان داد. هم اکنون این احساس که این حکومت نمی تواند دوام بیاورد و با بدردر فکر آینه بود بطور روز افزونی در توده ها ایجاد میشود با اراشه آلترنا تیوا انقلابی با بدین احساس توده ها را در جهت انقلاب بکار گرفت.

۳- حدت یا بی بیشتر تفا ده ها، کوشش طرفین برای کشاندن توده ها به خبا با نها و نظا هرات تند بر علیه یکدیگر را بدنبال داشته است. اما کشاندن توده ها به خبا با نها آنها را این شعار های تند بر علیه جناحهای از حاکمیت، می تواند، بدفع خود نیز بدل شود و در واقع با تشدید فعالیت کمونیستها همراه با حضور فعال توده ها در صحنه سیاسی و در خبا با نها و... بر ضد کسل هیت حاکم بکار گرفته شود.

۴- از همه مهمترین اختلافات، خودمانعی در جهت تثبیت هیت حاکم و قدرت یا بی بیشتر آن است و از آنجا که یکپارچه شدن حکومت موجب میشود، با شدتی بیشتر به سرکوب انقلاب بپردازد این تفا ده های درونی حاکمیت و تضعیف رژیم بخاطر این اختلافات درونی بسود انقلاب است. طبیعی است در صورت موفقیت هر جناح برای کسب تمامی قدرت، سرکوب توده ها و نیز باز سازی سیستم با شدت هر چه بیشتری انجام خواهد گرفت.

در این میان انقلابیون و کمونیستها با یستی ضمن افشای دوطرف نمیتوان نیروهای ضد مردمی و همینطور مقابله با آلترنا تیو ارتجایی دیگر (بختیار، ویسی، حکومتی وابسته به سوسیال امپریالیسم...)، به تبلیغ آلترنا تیو خویش در میان توده ها بپردازند و در این راه طبیعی است بی آنکه بیاری یک جناح در درون هیت حاکم بر خیزند، از این تفا ده برای افشای دوطرف و بسود انقلاب با یستی استفاده نما یند.

## پوزش و تصحیح

در جزوه ای که اخیراً تحت عنوان "چهار مقاله از لنین درباره کار حزب دیمیان توده ها" از طرف سازمان ترجمه و منتشر شده است، اشتباهی رخ داده که ذیلاً توضیح میدهم: این جزوه در اصل شامل سه مقاله است و هما نطور که ملاحظه میشود یکی از این مقالات تحت عنوان "درباره اشتباه کردن سیاست با آموزش" به دو شکل ترجمه شده که بخاطر عدم توجه در چک نهایی، بجای آمدن یک ترجمه، هر دو ترجمه آمده که یکی از آنها اضافی است.

همچنین سطر اول صفحه ۹ چاپ شده است. که بدینوسیله تصحیح میگردد: ... از این جاروشن میشود که اگر کسی در مورد مسئله "وحشت" از اشکال ...

خاطر تبلیغات گسترده برای جذب آنان ضرورت دارد. اما تنها تبلیغات و افشا گریهای آگاهانه کفایت نمیکند در دوران اعتلا تشکیلات و با زهم تشکیلات ضرورت حیاتی میابد. موج ناراضی توده ها که مدتی است بحرکت درآمده و در هفته گذشته شدت بیشتری نیز بخود گرفت با یستی در یک تشکیلات انقلابی بکار گرفته شود. هرگونه بی توجهی نسبت به این مسئله اساسی، آب به آسایب نیروهای ارتجایی میریزد که برای بلعیدن جنبش اعتلائی توده ها دامن گشوده اند و نگذاریم نیروهای ارتجایی بر جنبش توده ها سوار شوند. خلق را بسوی انقلاب به پیش ببریم!



## رزمندگان و راه کارگر: از حرف تا عمل (۲)

### ۲- رزمندگان و راه کارگر تا چه حد خواهان انقلابند؟

نظرات رزمندگان و راه کارگر (البته بیشتر) معنای جز حرکت در جهت روی گرداندن از انقلاب ندارد. دمل اپورتونسمشان بتدریج سرباز می کند و پوسته شعارها و گفتارهای پرطمطراقشان دریده میشود و حمایت از بورژوازی بعنوان نتیجه جبری تعمیق انحرافاتشان آشکار میشود، لحن انقلابی پیشینشان تغییر مییابد و ترمین سخن گفتن بعنوان ناصحان بورژوازی آغاز میگردد

**الف - راه کارگر: افشاگری مستقیم "ارتجاع حاکم، غیر! خواهش و اندرز آری!"**

یک ملاک اساسی برای شناختن نیروها و آزمایش گفتار و کردارشان، برخورد آنها به "ارتجاع" است. یک نیروی واقعاً معتقد به انقلاب در مقابل به "ارتجاع"، نمیتواند از افشای مستقیم این نیروی سدکننده انقلاب خودداری کند و یزگی اساسی کمونیستها اینست که هرگز به توده ها دروغ نمیگویند و به حبان قدرت تکیه نمیکنند و برای خوشایند آنان از افشای دشمنان توده ها اجتناب نمی ورزند. اکنون ببینیم آیا راه کارگر واقعاً به افشای دشمنان توده ها معتقد است؟ تا چه حد به چه شیوه ای؟ به شیوه ای انقلابی یا لیبرالی؟

**اول - راه کارگر میگوید:** "در شرایط کنونی، افشای ماهیت ارتجاعی سازمانهای اسلامی افغانی و یا سازمان امل لبنان، حتی اگر از رابطه حکومت با آنها سخن گفته نشود، بوالش گردن جمهوری اسلامی را خواهد گرفت، از این دورتر هرگونه تبلیغ علیه روابط ظالمانه و استعمارگران سرمایه داری، خواهی نخواهی دودش به چشم حکومت ایران که از موجودیت این سیستم در ایران، دفاع میکند، میرود." (راه - کارگر ۴۷، سخن درباره افشاگری در شرایط کنونی). راه کارگر در این مقاله، رهنمودی که درباره افشاگری میدهد، اینست که افشاگری مستقیم را با پستی به حداقل رساند و در عوض به افشاگری غیر مستقیم دست زد. برای نمونه راه - کارگر مثال میآورد:

"هنگامیکه ما سیستم طبقاتی ارتش، اطاعت کورکورانه و ماهیت آمریکائی تیمارها و فرماندهان آنرا توضیح میدهم و نشان میدهم که چنین ارتشی الزاماً در خدمت سرکوب توده ها و انقلاب قرار گرفته و میکشد، توده ها را آشکارا و مستقیم به نفی و مردود دانستن آن دعوت می - کنیم، درحالیکه در مقابل، وقتی از ارتش

شورائی و روابط و سیاست انقلابی حاکم بر آن و ارتباط آن با توده ها سخن میگوئیم، این عمل علاوه بر اینکه مدل و نمونه مناسب را به توده ها میثبات میدهد، با مقایسه ضمنی و بطور غیر مستقیم بنوعی علیه ارتش افشاگری نموده است." (همانجا)

بدین ترتیب راه کارگر به تبلیغ یک مدل افشاگری اپورتونیستی و لیبرالی می پردازد چنین مدلی طبعاً افشاگری کوپنده ارتجاع را محدود کرده و به شیوه ای لیبرالی ضمن سکوت در مورد جنبات اصلی دشمن، توده ها را بسوی جوانب فرعی و کم اهمیت اقدامات ارتجاع سوق میدهد. راه کارگر در حقیقت میگوید: کمتر در افشاگریها بپتان بگوئید رژیم ارتجاعی است، مستقیماً بگوئید این ارتش دست پرورده آمریکا و چاقی سرکوب سرمایه داری وابسته است، بگوئید بر سر نزدیک به یک میلیون آواره جنگ چه آورده اند، بگوئید چگونه کارگران و زمینگشان را سرکوب میکنند، بگوئید امل گروه بدی است، سازمانهای افغانی آمریکا شی هستند و با آنطور که در همین مقاله میگوید: بپتان را افشا کنید و بگوئید بپتان سرمایه داری و ارتجاعی با رژیم جمهوری اسلامی ارتباط دارد، رژیم خود بخود افشا میشود! ما مستقیماً از جنبات خان، در جلوی رعیتها سخن بگوئید، ما میتوانیم بطور غیر مستقیم افشاگری کرده و بگوئید "دم لاغ خان کمی دراز است، بدین ترتیب خود بخود" خان هم افشا شده است! بدین ترتیب راه کارگر - هواداران خود را دعوت میکند که از افشای مستقیم، کوپنده و قاطعانه ارتجاع حاکم خودداری نموده و در حقیقت لبه تیغ را قورا کنند کنند، چرا که ارتجاع حاکم و با طبع امپریالیسم دشمن اصلی انقلاب نیست و تنها امپریالیسم خطر عمده است! راه کارگر بجای آنکه به شیوه لنینی، با صراحت انقلابی تبلیغ، مح مجرم را چنین ارتکاب جرم بکند و راه کارگر افشا سازد، بجای آنکه شیوه افشاگری کمونیستی را که قاطع و بیرواصری است در پیش گیرد، آری بجای آن، از شیوه های اپورتونیستی و لیبرالی در تبلیغ سود میجوید و به جای افشای همه جا نشیبه ارتجاع به مسائل کم اهمیت تر نظیر آنچه که خود گفته است، میپردازد و آنگاه است که با بیگفت "چاقوی کندخون نمی - بریزد" و راه کارگر با چاقوی کند خود خیال ندارد که خون ارتجاع را بریزد چرا که خط - امپریالیسم عمده است! مگر رفتی راه کارگر - نمیدانند که حتی زمانی که کمونیستها به یک ائتلاف موقت با یک نیروی ارتجاعی دست میزنند (مانند جبهه واحد دزایی در چین) - نه تنها

قاطعانه و بیشت هر چه شما متراژ نیروی ارتجاعی را مستقیماً افشا میکردند، بلکه به همانگونه که رفیق ما میگوید: "یک ضربت او را با دوزخست پاسخ میدادند."

رفقا! این چه ارتجاعی است که نباید مستقیماً افشا بشود کرد. تکنیک نیروی انقلابی است و به نحوی نام ارتجاع بر آن گذاشته شده است و به نحوی نام ارتجاع بر آن گذاشته شده است؟ دوم - رفقای راه کارگر تنها میخواهند ارتجاع کمتر مستقیماً افشا گردد، بلکه معتقدند با پستی به ارتجاع رهنمود و پیشنها داد:

"... انحرافی فقط به این اکتفا میکنند که هر آنچه را که در پیش روی بینند، نفی کنند و بپتان اینکه کوچکترین زحمتی بخود بدهد که جای آنچه را که نفی کرده است با ارائه برتا و پیشنها دو رهنمودی بپتان... در شرایط جنگ و مقاومت کنونی، تا کید بیش از اندازه به افشاگریهای مستقیم و کثرت تبلیغ به حوزه نفی کامل و غیر مشروط... مابین تا کید دفاع از مذهب و قراردادش مضمی در کنار حکومت است. عمده نبودن افشاگری علیه حکومت در شرایط کنونی جنگ به معنی تکیه و تا کید بیشتر بر وزن تبلیغات اشیا است و همچنین افشاگریهای غیر مستقیم است." (همانجا) با وصف اینکه تبلیغات اشیا است: "آینده مدل بهتری را نوید میدهد..." (همانجا)

آیا راه کارگر منظورش ارائه برنامه و پیشنها از جانب کمونیستها برای طرح آلترناتیو خودشان در میان توده ها است و یا ارائه رهنمود و پیشنها به ارتجاع که آنها عملی سازد؟! اگر اولی است که کمونیستها همواره موظفند آنرا انجام دهند، چه در شرایط کنونی که جنگ است، چه در شرایط دیگری که باشد، اما اگر مقصود راه کارگر دومی است که به نظر میرسد دومی است این نوع برخورد، آشکارا برخوردی روبرونیستی است، البته راه کارگر زمانیکه بروی شرایط کنونی و قرار گرفتن خویش بصورت مضمی در کنار حکومت سخن میگوید، روشن است که منظورش حالت دوم یعنی ارائه پیشنها در رهنمود اشیا است به ارتجاع است که "در شرایط کنونی"، مجاز است ابویزه زمانیکه فی المثل به رژیم رهنمود میدهد: "ارتش علیه غم تجهیزات مدرن و پشتیبانی توده ها نتوانسته است تحولات جنگی را در رژیم عراق را در هم بکوبد، و تنها با نظام شورائی است که میتوان برای عدم هماهنگی و هرج و مرج و بی انتظامی علیه نمود (راه کارگر ۴۷) آری اینها بوضوح نشان میدهد که هدفش ارائه رهنمود به ارتجاع است.

بدین ترتیب راه کارگر مرز انقلاب و ضد - انقلاب را در هم میریزد. راه کارگر بجای افشای ماهیت ارتجاع و توضیح این نکته اساسی که

بقیه در صفحه ۲۴

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

## امپریالیسم جنایتکار آمریکا و بودجه نظامی آن

امپریالیسم جنایتکار آمریکا با افزایش فزاینده بودجه نظامی خود، تنه‌ها بیش از پیش بر زمینگشان آمریکا شلی فشار وارد می‌آورد، بلکه به علاوه خود را ملحق می‌کند تا هر چه بیشتر به رقابت با سوسیال امپریالیسم شوروی پرداخته و خلقهای تحت ستم را مورد سرکوب خونین قرار دهد. امپریالیسم آمریکا یکدم از فکر توطئه، کودتا، تجاوز و زکشتا و خلقهای جهان غافل نشده و تمام حیات سراسرنشینی آن را هدر می‌دهد. ترسین اقدامات می‌باشد. روی کار آمدن ریگان جنایتکار رفرت جدیدی است تا بیش از گذشته انحمارات تسلیحاتی آمریکا به چپا و پراخته و دولت آمریکا به تجاوزات گسترده‌تری در عرض جهان روی آورد. امپریالیستهای آمریکا شلی برای تحقق اهداف خود هر ساله بودجه نظامی دولت را افزایش داده و در حال حاضر ریگان می‌کودتا بنحویس بقای این بودجه را بالا ببرد. سیاست خارجی ریگان که مبتنی بر تشدید مسابقه تسلیحاتی و رقابت‌های نظامی بیشتر است، نیازمند بودجه نظامی گسترده‌ای است که بتواند به اهداف تجاوزکارانه دولت ریگان پاسخ گوید. قبل از آنکه بودجه نظامی دولت ریگان را توضیح دهیم، نگاه می‌به سیر رشد یافته هزینه‌های تسلیحاتی آمریکا در سالهای اخیر می‌اندازیم:

| سال  | مبلغ              |
|------|-------------------|
| ۱۹۷۵ | ۸۵/۴ میلیارد دلار |
| ۱۹۷۶ | ۹۴ میلیارد دلار   |
| ۱۹۷۹ | ۱۲۷ میلیارد دلار  |
| ۱۹۸۰ | ۱۹۵ میلیارد دلار  |

اخیراً نمایندگان سنا آمریکا یک بودجه نظامی ۱۶۸ میلیارد دلاری را به تصویب رسانیدند لیکن واقعیت اینست که این مبلغ رقم قطعی و نهایی بودجه نظامی آمریکا را تشکیل نمی‌دهد دولت ریگان در پی آن است تا این بودجه نظامی را به بعد ادیسیا بقیه‌ای برساند بنحوی که قرار است هزینه‌های نظامی در ۱۹۸۱ به مبلغ ۲۲۵ میلیارد دلار و تا سال ۱۹۸۵ به ۴۳۴ میلیارد دلار افزایش یابد. بدین ترتیب نرخ رشد سالانه بودجه نظامی در طی ۵ سال آتی به ۸٪ میرسد. در واقع بودجه جنگی امپریالیسم آمریکا در طی این دوره به مبلغ بیش از هزار میلیارد دلار خواهد رسید، یعنی مبلغ عظیمی که بیش از مبلغ همه هزینه‌های نظامی آمریکا در طول تاریخ می‌باشد.

آنچه قابل توجه است این است که فقط ۳۰ درصد از بودجه نظامی آمریکا مختص هزینه‌های عقبه در صفحه ۲۷

رژیم‌ها مورد حمایت مالی و اقتصادی کشورهای شروتمندکنفرانس قرار خواهد گرفت.

**ثانی:** باید برای خواباندن مسالهای که و با ل کردن آنها شده است، یعنی مسالهای فلسطین چاره‌ای بیندیشند. سادات در سال ۷۷ آخرین ایستگاههای سازش و تسلیم را هم پشت سر گذاشت و با "اسرائیل" ملحق گرد و در کمپ دیوید طرح درازمدتی را برای ایجاد یک پایگاه مقدم و ضربتی امپریالیسم آمریکا در خاور میانه به نام رکت مصر، اسرائیل و آمریکا پی ریزی نمود. طی سالهای گذشته، با وجود آنکه سرکوب انقلاب فلسطین و نیروهای مبارز لبنان نیادامه یافت و علیرغم آنکه تلاش برای یافتن اکثریت نیو بجای سازمان آزادیبخش فلسطین جهت مذاکره با اسرائیل بر سر خود گردانی قسمتی از اراضی اشغالی متوقف نگردید. ولی انقلاب فلسطین بصورت چوبلای چرخ همزیستی بورژوازی عرب و اسرائیل همچنان باقی است. کنفرانس سران عرب هر چند از ترس توده‌ها تا چند سال پیش سادات را از اجامه دول عربی اخراج کرد و مقرر "جامعه" از قاره به تونس منتقل شد، ولی کمک نهایی و آشکارا رجوع عرب به سادات ادامه یافت. و کنفرانس اخیر نیز یکی از هدفهای پیش نجات سادات بود.

**ثالثا:** تثبیت و پیشبرد سیاست آمریکا در خاور میانه، چه از لحاظ حفظ منافع آمریکا بویژه نفت و طلا هدفهایی که بر سر دیم‌چوچه علاوه بر آنها تقویت جبهه‌های عرب و وابسته به آمریکا در برابر رژیمهای بورژوازی دولتی که بمیزان مختلف به سوسیال امپریالیسم شوروی متمایل و نزدیک اند و عیار رتند از کشورهای عضو "جبهه پایداری"، یکی از دلایل تحریم این کنفرانس از طرف کشورهای اخیر همین متمایل و نزدیکی به شوروی می‌باشد. در واقع کشورهای عربی وابسته به امپریالیسم غرب و بخصوص آمریکا در برابر کشورهای متمایل و نزدیک به شوروی با این کنفرانس به ما نورپرداخته و نشان میدهند که در برابر نفوذ شوروی در منطقه متحدان از منافع امپریالیسم آمریکا دفاع بلند می‌شوند. پسر واضح است که عدم شرکت رژیمهای متمایل و نزدیک به سوسیال امپریالیسم در این کنفرانس نموده این دلیل که گویا "مترقی" می‌باشند و پنا بر این عدم شرکت آنان از موضع مترقیانه‌ای بوده است بهیچوجه! روشن است که عدم شرکت این رژیمها در کنفرانس سران عرب ناشی از موضع طبقاتی و متمایل و نزدیکی آنان به امپریالیسم شوروی می‌باشد. بورژوازی حاکم سران کشورهای ما همتا ارتجاعی بوده و نمی‌توانند از موضع ضد امپریالیستی حرکت نمایند. ناگفته نماند که عدم شرکت لبنان نه از لحاظ نزدیکی به شوروی بلکه در رابطه با فشار سوریه بر این کشور قابل توضیح است.



## کنفرانس سران عرب توطئه‌ای علیه خلقهای عرب

در هفته اول آذرماه، در عمان پایتخت اردن با زدهمین کنفرانس سران کشورهای عربی برگزار شد که ۵ نیروی عضو با صلاح جبهه پایداری یعنی کشورهای الجزایر، لیبی، سوریه، یمن جنوبی و سازمان آزادیبخش فلسطین آنرا تحریم نمودند. کنفرانس سران عرب، بدعوت اتحادیه کشورهای عربی که بنام "جامعه دول عربی" معروف است، تشکیل می‌شود تا به مسائل حادی که برای کلیه کشورهای عربی مطرح است پاسخ گوید، پاسخ که البته بر اساس ماهیت ارتجاعی این دول و مقتضیات سیاست امپریالیستها در خاور میانه و مهمترین راینها سرکوب مبارزات خلقهای عرب طرح ریزی و پیاپی شده. سرپوش رده این کنفرانسها مسئله فلسطین است که همه این کنفرانسها با قطعنامه‌هایی در حمایت از آن و از آن پائین می‌یابد، در صورتیکه قضیه درست بعکس است: هر کنفرانس در ظاهر حمایت می‌کند تا در باطن توطئه بچیند.

کنفرانس اخیر هدفهای مهمی بشرح زیر داشت:

**اولا:** مقابله با جنبش اوج گیرنده انقلاب - های توده‌ای در سراسر جهان عرب و یوسو - در فلسطین، مصر، تونس، سودان، عراق، مغرب و... در معرض انفجار قرار دارند. ارتجاعیون هوای همدیگر را دارند تا مبادا در صف متحد رژیمهای فدخلتی و وابسته به امپریالیسم خلیلی وارد آید! اردن هوای عراق را دارد و سعودی هر دو شان را می‌باید و قس علیه! در واقع این کنفرانس می‌کودتا سیاست رژیمهای مترجع عرب منطقه درقبال انقلاب توده‌ها را هماهنگ کند. در کنفرانس اخیر، رژیمها حاضر در کنفرانس به سیاست هماهنگ تری درقبال جنبش دست زده و از جمله در زمینه اقتصادی قرار می‌شود تا برخی از کشورهای که شدیداً در بحران اقتصادی می‌باشند، مورد حمایت مالی قرار گیرند. ضمناً این کنفرانس هر چند غیر مستقیم، به تأخیر رژیم عراقی در جنگ با ایران پرداخت و احتمالاً با توجه به خسارات وارده بر عراق،

## آوارگان جنگ و رژیم جمهوری اسلامی

### در حاشیه صاحبه سرپرست "هلال احمر ایران"

ما در شمارهای متعدد پیش رو ویژه نامه جنگ سیاستهای ارتجاعی رژیم و سرمدارانش را نسبت به آوارگان جنگ افشا کرده و نیز علل چرخش درسیاست رژیم نسبت به هم میهنان جنگ زده ای که آواره شهرها و روستاهای دیگر شده اند آورده ایم (پیکار ۸۱) در دنباله همین سیاست جدید و فریبکارانه است که "دکتر بهزاد دنیسا" سرپرست "جمعیت هلال احمر ایران" صاحبهای آنجا مداد نهاده و آنچه که تا پست خود و همپا لکی هایش میباید شد را جنگ زدگان آواره و نیروهای انقلابی کرده است. او در قسمتی از صاحب نتوانسته کینه خود را نسبت به زحمتکشان جنگ زده پنهان کند و از زیادی آنها شکایت کرده و بدون اینکه اشاره به علت آوارگی آنها، جنگ ارتجاعی کنونی که رژیم جمهوری اسلامی یکی از بانیانش هست بنمایند میگوید:

"هم اکنون بیش از هفت هزار نفر به بیheimان هجوم برده اند و در تاج پراکنده شده اند" (میزان ۶ آذر ۵۹) برخوردی و قبیحانه تر از این نسبت به دهها هزار نفر از زحمتکشان مناطق جنگی که با هزاران مصیبت و قلاکت از زیر بمبها و خمپاره ها توانسته اند جان خود را به قیمت از دست دادن تمام دار و ندارشان نجات دهند ممکن نیست (طبیعی است که سرما به داران و پولداران در همان روزهای نخست جنگ با کای میوه های پراز سائل و سرمایه شان آن شهرها را ترک کرده و الان در مناطقی "امن" بگونه ای دیگر به استیلا زحمتکشان ادا می دهند) و نمیتوانند اختناق حاکم بر اردوگاه های آوارگان را انکار نمایند منتهی به آن با تهیه "کارت شناسایی" اشاره میکنند و توصیه میکند که "این کارت ها جنبه شناسنامه دار" (همانجا) این "انقلابی" از "امریکا" برگشته میگوید: "ما آوارگان جنگی این مشکلات و سختی ها و آوارگی ها را نتیجه تلاشهای غیر انسانی هموعان خود میدانند که در مجموع از هم میهنان خود که در نقاط دیگر مملکت در آرمش و آسایش نسبی هستند، توقعات و انتظارات بخصومی پیدا میکنند و به همین دلیل، نگرانیها، افراطها و بیقراریهای آنها هم بیشتر میشود...." (همانجا).

آری، هم میهنان آواره ما این آوارگیها و... را نتیجه تلاشهای "هموعان" خود میدانند منتهی و شما میدانید که این "هموعان" جز دشمنان طبقاتی آنها و سرمداران جمهوری اسلامی نیستند که "شما" فریبکارانه میخواهید آن را به مردم ایران برگردانید و به همین دلیل تمام

مبارزه و اعتراضات آوارگان علیه شما متوجه است و نه مردم ایران و این را خود آنها در شمارهای پیش رو و خواسته های بیانش می نمایانند. و این وظیفه شماست که میلیون ها تومان پولی را که از مردم گرفته اید برای آوارگان خرج کنید و نه اینکه طلبکارم بشوید (همان صاحب) ولی و قبیحانه تر از همه قسمتی از صاحب میباید شد که میگوید:

"... مسائل که به هنگام سکنا ی اینها در شیراز و امضا ن پدید آمد، به خاطر آنکه تبلیغاتی بود که از ناحیه خدا انقلاب رواج پیدا کرده بود. خدا انقلاب شایع کرده بود که اینها فراریان از صحنه جنگ هستند و نمی بایست مورد پذیرائی قرار گیرند...." (همان صاحب).

مطمئنانه نظر آقای بهزاد دنیسا "بیت الله دستغیب (شیراز)، بیت الله طاهری و خادمی (اصفهان) و سپاه پاسداران اصفهان و شیراز که در خطبه های نماز و اعلامیه های متعدد بدترین و زشت ترین نسبت ها از قبیل "خدا انقلاب" "قراری" "امریکا" و... به هم میهنان جنگ زده ما نسبت دادند، خدا انقلاب بحساب نمی آید و در آن صورت بایده این همه وقاحت و بیشرمی که خاص رژیم ها شایع چون جمهوری اسلامی است "فرین" گفت. آوارگان جنگ زده در شیراز میدانند که همان روزها شبکه "دستغیب" مرتجع مردم را به "نف" اندازی "برچهره رنج دیده و آفتاب سوخته زحمتکشان جنگ زده ترغیب میکرد. این کوششها و دیگر نیروهای انقلابی راستین بودند که ضمن افشای جنایات جنگ ارتجاعی، با امکانات خود و زیربورش پاسداران به کمک و یاری آوارگان جنگ می شتافتند (ومی شتابند) و این را جزئی از وظیفه انقلابی خود میدانند و در این راه تمام پای جان پیش رفتند و خواهند رفت (به اعدام رفیق پیکار و رگبار شکر الله دانشا ر که از چادر امداد آبادان دستگیر شده و توجیه نمائید) (پیکار ۷۹ و ۸۰). آخرین نکته ای که در این "صاحب" وجود دارد، اعلام اسکان آوارگان در نقاط پراکنده و دور از مناطق زندگی زحمتکشان جنگ زده است رژیم سعی میکند که جنگ زدگان زحمتکش را در سیرجان، نیشابور، جیرفت، کرمان، شاهرود و... پراکنده نماید. او چندهدف را تعقیب میکند از جمله جلوگیری از عمل متحد و متشکل آوارگان دور کردن آنها از مراکز پر جمعیت و پیوسته صنعتی که مورد پشتیبانی دیگر زحمتکشان واقع نگردند، دور کردن از سرزمین مادری که با زکشت آنها به شهرهایشان (پس از خاتمه جنگ) و تجدید ساختن و ترمیم خسارات جنگ و... مطرح نمیشد. ولی رژیمهای ارتجاعی کورند و فکر این زحمتکشان را هر جا که ببرند از پشتیبانی زحمتکشان ایران و نیروهای انقلابی برخوردار خواهند بود و چنانچه این رژیم از پنهان نخواهد ماند

## ملاحظات کوتاه

### کاین منم طاووس علین شده

ملاحظه نویسی وقتی گزارش مفروما حبسه مطبوعاتی هاشمی رفسنجانی پس از سفرش به کشورهای عربی را شنیدید اختیار به یاد این داستان مولوی افتاد که میگوید: ربوبی در خم رنگری افتاد و چون از آن بیرون آمد و دم خود را رنگین دید پنداشت که طوطی شده است. او بر خود می بالید و می خواند: "کاین منم طاووس علین شده" "آقای هاشمی رفسنجانی چنان ذوق زده در باره پیروزیهای سفرش به کشورهای عربی و عشق مردم آنها به انقلاب اسلامی و اینکه بهترین هدیه برای مردم آن کشورها عکس امام است، سخن میگفت که تصور میکردی دوران امپراطوری اسلامی خلافت هارون الرشید در آینه نزدیک دوباره حیا میشود و آقای رفسنجانی هم زبردست راست خلیفه خواهد بود! این آقایان که در نتیجه موج فزاینده مبارزات توده ها، در همینجا هم قاجار زین را نمی توانند بچسبند و فکر اسباب سواری در آن قبا و کشورهای عرب هستند. چند تا از رژیمهای خدا نقلایی حاکم بر کشورهای عربی نظیر سوریه که با رژیم ایران همسوئی طبقاتی دارند و گرایش سیاسی جدید حزب جمهوری اسلامی در آنجا با آنها همسوئی حرکتی را از خود نشان داده است به تمجید از با مطلق انقلاب اسلامی ایران پرداخته اند تا توده های ناگوار خود را با آواز هلی اندود دست بفرستند. آقای رفسنجانی میگوید که "ا غلبت آنها با واژگونی رژیم صدام حسین با ایران موافقتند! هر چند ایشان معین نفرموده که کدامیک از آن رژیمها چنین عقیده ای داشته اند ولی بایست گفت رژیمهای سوریه، عراق، لیبی و... صبح از واژگونی یکدیگر سخن میگویند و عصر فریاد وحدت سر میدهند. روز را ز نوروزی از نو! الجزایر هم که سالهاست بین ایران و عراق نقش "واسطگی" (بیشید) را ایفا میکرده این بار این نقش را به روابط ایران و آمریکا هم تعمیم داده است و در سفرها متانت بیشتر حرفهای مشابهی را به آقای رفسنجانی تحویل داده است.

غیر از صحنه های مفره ای نظیر پخش عکس امام و عشق کودکان الجزایری به آن (خوشا بحال ما!) و قصیده ای که در مدح جمهوری اسلامی ایران در مجلس سوریه توسط یک شیخ سروده شده و خوش و بش ها شایع که مفت و مجانای تحویل این آقا داده اند و او هم چرت و توبیل مردم ما میدهد یک نکته دیگر در گزارش ایشان قابل توجه بود آن اینکه روسیه در جنگ ایران و عراق "حاجب حق" را در فرقه و به عراق اسلحه نداده است! معلوم نیست کدامیک از "رجال جمهوری اسلامی" حرف

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمپانی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

## دعای حظات کوتاه

راست را میزنند؟ هیچک؟ و یا لاخره اینکه رژیم های فدا انقلابی هم دیگر را درمی یابند. مگر نه اینکه هم گفته اند آب، آب زامی جویدگودال هردور؟

### "نه شرقی، نه غربی" هم شرقی، هم غربی

در آما یسگاه رژیم جمهوری اسلامی یک فرمول "شبهائی - مکتبی" دیگر کشف شد. قریع و انبیبی و ۱۰۰۰ زلابلای کتب گرد گرفته قدمایرون آورده شد تا بر اساس نسخه ولایت فقیه، چپیزی با زندگانه شرقی با شنه غربی، آنها برای "ما ما ندن" تر خود از عمارت "لا شرقیه ولا غربیه" کمک گرفتند. در صورتیکه آن عمارت در قرآن در توصیف یک درخت آمده بود نه در مورد جمهوری اسلامی! آنها در حالیکه با زبان شرق و غرب را نا سزا میگفتند دست و پا هردور را پیش می - کشیدند و مگر اینها کار دیگری می توانست کرد؟ روز چهارشنبه ۱۲/۱۲ آذر هم نخست وزیر مکتبی هم رئیس مجلس شورا سباعت "نه شرقی نه غربی" را خوب معنی کردند. آقای راحائی گفت ما سلاحهای را که از آمریکا طلبکاریم از او خواهم گرفت و دستجاتی هم "فرمود" که اگر لازم شد از شوروی اسلحه میخریم.

لیبرالها که از اول رسوا بودند و پوستکنده گرایش خود به آخورا میریالیسم آمریکا و اروپا را فاش میگفتند از گفته خود دلشاده بودند. اما این آقایان حزبی مکتبی حکم کسی را داده اند که دست بر کمر زده در جاهای فساد و دستش را همچنان بر کمر گذا رده بود. ببینند فرستادند که بگیرد و بسا بدبلا و او میگفت میبایم ولی دست از کمر ببریم! ام!

### دم خروس یا پرچم؟!!

رفیعی میگفت هاشمی رفسنجانی در سخنرانی خود در مسجد امام (مسجد شاه سابق) گفته است: در کشورهای آزاد مثل آمریکا هم که ما آنها قتل انقلاب کرده اند شکنجه وجود دارد. آن رفیق اضافه میکرد: "دمها بدکدام حرف این آقایان را باور کنند؟ لاخره آمریکا "شیطان بزرگ و جهانخوا رو خونخوار" است با کشور آزاد؟ تازه اینها آمریکا را کشور "۲۰۰ سال انقلاب کرده" میدانند و لابد شکنجه هم میتوان یک "سنت انقلابی" (البته از نوع آمریکائیش) به ارث رسیده است. رفیق مزبور میگفت "واقعا که دم خروس" از زیر لباس این آقایان پیدا است. گفتیم آنقدر "دم خروس" از این رژیم بیرون زده که دیگر حکم "پرچم" شان را پیدا کرده است. اینطور نیست؟

## جیره خواران دولت دهقانان زحمتکش را بر سر سهمیه نفت کتک زدند

بدنبال جیره بندی نفت، اهالی روستای "مالیجان" یکی از روستاهای اطراف لاهیجان - بارها به شرکت شما و نی روستا مراجعه کرده و در مورد کمبود نفت خود به گردانندگان شما و نی اعتراض کرده اند. اما با وجود اینکه در انبار شما و نی نفت بعد کافی موجود بود، گردانندگان شما و نی هر بار به نحوی روستا شما را فریب داده و آنها را دست بسر کرده اند. تا اینکه چندی پیش از طرف فرمانداری نامه ای به انجمن اسلامی ده ارمال شما این مضمون که نفت موجود در انبار روستا های دیگر انتقال یابد. اهالی مالیجان به معنی اطلاع از این امر مقابل شما و نی جمع شده و از انتقال نفت جلوگیری نمودند. به خاطر همین اعتراض و مقاومت روستا شما، جیره خواران رژیم از یک روستائی مبارز به فرمانداری شکایت کردند. این روستائی بلافاصله دستگیر و به لاهیجان اعزام شد. عده ای از اهالی نیز با او به لاهیجان رفتند. در لاهیجان معاون فرماندار به دهقانان گفت که چرا از دستور ما سرپیچی کردید؟ دهقانان پاسخ دادند که سهمیه ما کم است و ما نفت نداریم. سپس به دستور فرماندار اعتراضی کردند. معاون فرماندار در مقابل اعتراض روستا شما را زحمتکش آنها را سبب دکتک گرفته و دو نفر از روستا شما را به زندان امری تحویل میدهد. این دور روستائی زحمتکش تا مدتی در پاسبانگاه زندان امری زندانی میشوند. اکنون دهقانان مالیجان نفت ندارند و بیعت ندارند. نفت برای روستائی مجبورند با تا ریک شدن هوا بخوابند.

(نقل با تغییر از یک سیاحتی به شما ره ۲)

## دولت، حامی علی نامدار است یا حاجی فروزانفر؟

روز ۱۳ آبان جوان ۱۵ ساله ای بنام علی نامدار در گودالهای کارخانه صنایع آجر - ایران و کوره پزخانه های افتد و خفه میشود. زحمتکشان محله روغن کشی با اجتماع در مقابل کارخانه و با شما "مرگ بر سرما پیدا" خواستار دستگیری ما حب کارخانه میشوند. حاجی فروزانفر ما حب کارخانه صنایع آجر ایران که تحت فشار اهالی زحمتکش محله روغن کشی دستگیر شده بود تا گودال های انشاهی کوی "زاهدی" را بکنند به فاصله یک روز یعنی ۱۴ آبان آزاد میشود. این اولین بار نیست که رژیم جمهوری اسلامی سرمایه دارانی را که تحت فشار اهالی شهرک دستگیر میشوند آزاد میکند. غیابی و مهندس جواد شمر در زمینخواهان شهرک شهرک نیز چند ماه قبل هنگامیکه توسط مردم به گروگان گرفته شده بودند با توصیه "شورای انقلاب" آزاد شدند. این است دشمنی رژیم جمهوری اسلامی با زحمتکشان و خدمت آنان به سرما پیدا را خونخوار.

## قضاوت کنید!

- ۱ - رژیم جمهوری اسلامی خود را با و مستحقان میدانند
  - ۲ - سپاه پاسداران خود را با و مستحقین میدانند
  - ۳ - کارگران بیکار و زحمتکشان برای گذران زندگی در خیابان آمین دهک میبایست و پاسداران به دستور رژیم این دهک ها را با خاک یکسان می شما پیدا
  - ۴ - کارگران، زحمتکشان، قضاوت کنید!
  - ۵ - این رژیم با و کیست؟ سپاه پاسداران تازی کیست؟
  - ۶ - با و اروپا و زوی سرما پیدا را با زحمتکشان؟
- ما زمان بیکار و در راه آزادی طبقه کارگر  
هوزه محلات شیریز (۵۹/۸/۲۶)

## خبر موثق از جلسه اکثریتی ها به سرپرستی کشتکریا به زادنوی مشاور رجائی

وقرا رگذاشتند که به آنها وقت داده شود و پس از فکر کردن نظر خود را خواهند داد.

## توضیح در مورد یک خبر

در شماره ۸۰ همکار زحیری مربوط به عملیه مردم مبارز یوگان به دفتر ما زمان چریکهای خدائی (اکثریت) آمده بود. به ما اس اطلاعات دقیقتر این عملیه به تحریک حزب دمکرات و بسا استفا ده از شفر خلق کرد از خاشین رویونیست صورت گرفته است. ما با توجه به مبنی و مجموعه ملکردهای حزب دمکرات با چنین حرکتی دقیقاً فرزندانی داشته و خواها انشا و طربرد خاشین رویونیست از موضعی کاملاً ملال و انقلابی میبایست

از طرف کشتکری مطرح میشود. حال که ما با شماها کنار آمدیم و شما را خدا میریالیست میدانیم و... چرا هنوز محدودیتها نسبت به ما زمان ما ادا نمیدارند و مثلاً نشریات ما آزاد نمیشود و از افراد ما گرفتار میشوند...

بهزاد بنوی ضمن قبول کنار آمدن و همکاری آنها عنوان میکنند که هنوز مسائل است که می باید از طرف ما زمان شما روشن شود: ۱ - موضع اکثریت در مقابل شوروی و دخالت آن در افغانستان ۲ - پیشنهاد اینکه مدارکی از بنی صدور وجود دارد و اکثریتی ها قبول کنند که این مدارک را در دسترس کاپیون کم و کاست و عیناً منعکس نمایند. این جلسه گویا بیش از پنج ساعت بطول کشیده ولی اکثریتی ها نتوانستند پاسخ بدهند

بقیه از صفحه ۲۳ رزمندگان...

رژیم نه میخواستند و نه میخواستند، خواهشهای توده ها را برآورد، با دادن رنمود و پیشنها دهنده ارتجاع این توهم را در توده ها برمی انگیزد که میتوان انتظار برآوردن خواهشهای انقلابیان را از ارتجاع داشت. اگر رژیمی ارتجاعی است بمعنای اینست که خواهشهای انقلابی توده ها تنها با نفعی آن رژیم برآورده میشود. آیا راه - کارگر می اندیشد که جمهوری اسلامی میتواند خواهشهای انقلابی توده ها را برآورده و بر مبارت دیگر داری توان و ظرفیت انقلابی است؟ در این صورت باید پاسخ دهده که چرا با سی آنرا ارتجاع میخواند؟

ب - راهکارگر: کارگران بسود بورژوازی، هرچه بیشتر استثمار شوند!

اکنون ببینیم بر خورد راهکارگر به جنبش کارگری چگونه است. راهکارگر در حرف دشمن سرمایه داری است و رژیم را نیز سرمایه داری می داند. اما در عمل کارگران را فرا میخواند تا برای بورژوازی بیشتر کار کنند و بیشتر استثمار شوند، مزدی برای ساعات کار اضافی دریافت ندرند و از برپا داشتن هرگونه جنبش اعتراضی چشمپوشند. راهکارگر به کارگران چنین رهنمود میدهد: "افزایش تولید ضروری است". و با شعار میدهد: "۱۲ ساعت کار کارگران درقبال دریافت ۸ ساعت حقوق". بدین ترتیب نه تنها راهکارگر کارگران را به مبارزه با استثمار کارگران فرا نمی خواند بلکه از آنها میخواند تا وظایف آنها را بگذارند و هرچه بیشتر طبقه سرمایه دار را خونشان را بمکد. راهکارگر، تا آنجا می رود که میگوید: "سرمایه داران و مدیران را قبل از اینکه عملی برخلاف منافع خلق، یعنی اختلال در مقادیر و مستضدتجا و از انجام ندادن آنها، بنیاد خود را بکنند." (نقل قولها همه از راهکارگر ۳۵ است)

آیا آشکارا تر از این میشد از دشمن و دوست و میهن استثمارگر و استثمار شونده و دوست و میهن طبقاتی، کارگرو سرمایه دار را تبلیغ کرد، آیا تبلیغ "تراندن سرمایه داران از خود، توسط کارگران"، شعار بورژوازی نیست؟ آیا بدون راندن سرمایه داران توسط کارگران، انقلاب انجام میگردد؟ راستی رفقای راهکارگر تا چه حد خواهان انقلابند؟

از انتشارات جدید سازمان



بقیه از صفحه ۲۴ امپریالیسم...

نظای داخلی بوده ولی ۷۰ درصد بقیه ملیتی است که جهت توسعه مدرنترین سلاحهای جنگی برای تحولات و رقابتها بین المللی بکار میرود. بسیاری دیگر اگر ۲۰ درصد از بودجه نظامی یا نکی ها جهت سرکوب سیهیستان، سرخیستان و زخمکشان آمریکا می صرف میشود ۷۰ درصد آن به سرکوب انقلابات و جنبشها در جهان و نیز رقابت با شوروی اختصاص دارد. سرزینسکی ضمن انتقاد به حزب دمکرات اخیرا مطرح ساخت که: "سیاست خارجی آمریکا بدنبال جنگ و بیستام جریحه دار شده است" و "نمایندگه ریگان سنا تورچا رلیز برسی در ملاقات با آندره گرومیکو به تازگی مطرح نموده که: "رفشار تجا و زکارانه سکودر طی سال گذشته موجب سخت شدن موضع آمریکادار بر رابطه با تشنج زده شده است". این گفتارها بروشنی جهات سیاست خارجی امپریالیستهای جنایتکار آمریکا را نشان می دهد. در حقیقت تسبیکاران و آشنگتن برای آنکه جنبشهای خلقی جهان سیاست خارجی آمریکا را "جریحه دار" نکنند و سبیل امپریالیسم مناطق تحت نفوذ خود را توسعه ندهد، میکوشند تا بودجه جنگی خود را هرچه بیشتر افزایش دهند و بدین ترتیب در غارت خلقها و سرکوب انقلاب همچنان نقش فعال داشته باشند. اما خلقهای جهان همچنان که با راهکارها اثبات کرده اند - امپریالیسم جنایتکار آمریکا و دیگر امپریالیستها را مورد ضربت قرار داده و با لاف آنها را به گور خواهند سپرد. این حکمتا ریخ است.

توضیح و پوزش

در مقاله "رزمندگان و راهکارگر... در نشریه شماره ۸۳ صفحه ۱۰ ستون اول سطر ۱۳ از ترجمه "بدون مبارزه با پایگاه اصلیش ارتجاع داخلی" پس از جمله "مبارزه با امپریالیسم و با استقلال از امپریالیسم" افتاده است.

|                                               |       |
|-----------------------------------------------|-------|
| تهران:                                        | ۲۰۰۰  |
| حوزه کارگر:                                   | ۴۰۰۰  |
| ناحیه جنوب تهران:                             | ۱۲۲۵۰ |
| کارمندان مرکز:                                | ۵۰۰۰  |
| رفقای چاپ:                                    | ۵۰۰۰  |
| کمیته کارمندی:                                | ۱۳۰۰۰ |
| رفیق آهنگر:                                   | ۲۲۰۰  |
| سربا وظیفه:                                   | ۳۰۵۰  |
| سارا (معلم):                                  | ۵۰۰۰  |
| ع - پیشمرکه:                                  | ۲۰۰۰۰ |
| ش - هدیه انگشت شمار:                          | ۶۰    |
| رفیق ۳۰ کیلو برنج:                            | ۳۰    |
| حاج خلیل الف:                                 | ۲۰۰۰  |
| معصود الف:                                    | ۳۰۰۰  |
| رفیق مادر:                                    | ۵۰۰   |
| رفقای هوادار:                                 | ۷۰۰۰  |
| رفقای هوادار از شهر حسن خان:                  | ۱۸۰۰  |
| دقیق ن - هدیه شماری بیمارستان صحرایی کردستان: | ۲۰۰۰  |
| شهرگرد:                                       | ۲۰۰۰  |
| دانش آموز:                                    | ۵۰۰   |
| رفیق محسن:                                    | ۵۰۰   |
| معلم هوادار:                                  | ۱۰۰۰  |
| معلم هوادار:                                  | ۲۵۰۰  |
| محمود آباد:                                   | ۲۰۰۰  |
| رفقای هوادار:                                 | ۴۰۰۰  |
| رفقای هوادار:                                 | ۲۸۰۰  |
| رفقای هوادار استوای امل:                      | ۱۰۰۰  |

کمکهای مالی دریافت شده

|           |       |
|-----------|-------|
| تهران:    | ۱۵۵۰۰ |
| ب - ۱۳۴۰۰ | ۱۵۵۰۰ |
| ر - ۱۱۰۰۰ | ۵۵۰۰  |
| ک - ۴۵۰۰۰ | ۱۶۰۰۰ |
| م - ۲۵۰۰  | ۷۵۰۰  |
| ع - ۱۶۰۰۰ | ۳۴۴۰۰ |
| م - ۲۱۰۰  | ۵۵۵۰  |
| ف - ۲۱۰۰  | ۴۳۰۰  |
| ب - ۶۱۰۰  | ۴۰۰۰  |
| ک - ۱۱۰۱۰ | ۳۲۳۰  |
| پ - ۹۲۰۰  | ۶۰۵۰  |
| ج - ۳۰۰۰  | ۱۲۹۰۰ |
| ر - ۱۱۸۰۰ | ۱۹۹۰۰ |
| س - ۱۱۰۰۰ | ۲۸۰۰  |
| ل - ۱۵۹۰۰ | ۱۲۵۰۰ |
| ع - ۵۳۰۰  | ۱۶۵۰  |
| ف - ۱۴۵۰۰ | ۳۰۰۰  |
| ب - ۷۲۰۰  | ۷۲۰۰  |
| م - ۱۱۴۰۰ | ۸۰۰۰  |
| و - ۲۱۰۰  | ۶۰۰۰  |
| ز - ۱۲۷۰۰ | ۱۲۷۰۰ |

با بل - رفقای هوادار ۲۳۰۰ ریال  
چاه پها - ن - م - ۲۰۰۰۰ ریال  
خما - دانش آموزان هوادار برای ۱۳ تان  
۳۵۰ ریال  
کوجصفهان - رفقای دانش آموز ۲۱۰۰ ریال  
سبا هکل - رفقای هوادار ۶۰۰۰ ریال  
زنجان - رفقای هوادار ۵۰۰۰ ریال  
بدون کد - ۳۲۰۰ ریال ن - م  
سوت - استکلم - اتحادیه دانشجویان هوادار ۵۰۰ دلار  
میا نه - رفقای هوادار ۸۰۰۰ ریال  
آذر شهر - رفقای هوادار ۱۰۰۰ ریال

|                |       |
|----------------|-------|
| رشت:           | ۲۰۰۰  |
| ع - ۲۰۰۰       | ۲۰۰۰  |
| د - ۷۵۰        | ۲۰۰   |
| ب - ۳۰۰        | ۲۰۰   |
| ز - ۲۰۰        | ۲۰۰   |
| م - ۲۰۰        | ۲۰۰   |
| ن - ۱۰۰۰۰      | ۲۰۰   |
| رفیق مادر:     | ۱۰۰۰  |
| رفیق مادر:     | ۵۰۰   |
| ع - مدرسه:     | ۲۵۰۰  |
| ربرهسته:       | ۳۰۰   |
| چله خانه رشت:  | ۶۵۰   |
| کارگر شهر:     | ۵۰۰   |
| رفیق آهنگر:    | ۲۰۰۰  |
| رفیق مکانیک:   | ۲۵۰   |
| امامان:        | ۲۰۰۰  |
| ش - ۲۰۰۰       | ۲۰۰۰  |
| ر - کلی:       | ۵۵۰۰  |
| رفیق آذر:      | ۱۰۰۰۰ |
| رضا - هوادار:  | ۷۰۰۰  |
| معلم - هوادار: | ۱۰۰۰۰ |
| تهران:         | ۹۰۰۰  |
| ت - ۱۰۰۰       | ۱۰۰۰  |
| د - ۱۰۰۰       | ۱۰۰۰  |
| م - ۵۰۰۰       | ۱۰۰۰  |
| ع - ۱۵۰۰       | ۱۰۰۰  |
| دکتر ع:        | ۵۰۰۰  |
| دکترم:         | ۵۰۰۰  |

## نیروهای ارتجاعی تلاش میکنند تا بر جنبش انقلابی توده‌ها سوار شوند

هفته گذشته از یکسو، هفته‌ها مدتها عوام‌فریبی لیبرال‌ها برای جذب توده‌های ناراضی بسوی خود بود و از طرف دیگر، وجگیری ناراضی‌توده‌ها را به بیان نشان میداد. جنبش آوارگان جنگ در سراسر کشور، در حال وجگیری است. بر سرگران شدن بنزین، یک جنبش سراسری توسط رانندگان تاکسی صورت گرفت و به پیروزی نیز انجامید. آزارخانه‌ها، خبر از ناراضی‌روز-افزون کارگران و مقامات و مقامات بله‌ثی که حتی بصورت اعتصاب نیز درآمده است، رخ می-نماید. جنبش دانش‌آموزی، برای وجگیری از اخراج دانش‌آموزان و معلمین انقلابی و همین‌کسب آزادیهای سیاسی، به چند برخورد و نظرات خونین در چند شهر انجامید. در صفهای نفت، قند و شکر، کوبن، تخم مرغ و... ناراضی‌توده‌ها موج میزند. زدوخوردهای متعددی میان توده‌های خشمگین و پادشاهان در صفهای گرفته‌شده به تیراندازی و زخمی شدن نیز انجامیده است. جنبش آوارگان جنگ، جنبش توده‌ای علیه گران‌ی و کمبود کالاها و فلاکت زحمتکشان و جنبش بقیه در صفحه ۲۲

## یادداشت‌های سیاسی هفته

ترتیب هما‌نطور که در هفته گذشته، به رویا روشی طرفین درخبا با آنها کشیده شد. در وجگیری بیشتر این تضادها، که ارتباط مستقیم با وجگیری مبارزه طبقاتی نیز دارد، رویا روشی‌های بیشتر و خشن‌تری را برای یکسره کردن کار یعنی، یکف گرفتن کامل قدرت توسط یکی از جناح‌ها، با یستی‌ها هدید.

۳- وقایع هفته گذشته و سخنرانی‌های تند در مساجد علیه یکدیگر و شعارهای سرگونی بر علیه جناح‌های رقیب نشان میدهند که طرفین اگر تاکنون بخاطر مصالح "فدا انقلاب" و توانایی یافتن برای مقابله با انقلاب با یکدیگر وحدت داشته‌اند، این وحدت را در آینه‌های غیر ممکن تلقی میکنند. بدین ترتیب طرفین رقیب-خواهند کوشید، در داخل و خارج، متحدینی (هر چند موقت) برای خود به کف آورند. مسافرت‌های رفتن‌های به سوریه، لیبی، الجزایر و کوشش لیبرال‌ها برای بدست آوردن حمایت مجاهدین از این مقوله است. در این رابطه میتوان به ملاقات دکتر پیمان که متمایل به جناح حزب جمهوری اسلامی است با آیت‌الله خمینی نیز اشاره کرد. (آذر ۸) که تنها میتوانست در پرتو بقیه در صفحه ۲۲

## جنگ قدرت به خیابانها هم کشیده شد

در هفته گذشته سخنرانی‌های سلامتی و آیت‌الله لاهوتی در مشهد و نظرات عده‌ای بطرفداری از لیبرال‌ها با شعارهای تند چون مرگ بر بهشتی و مرگ بر سه مفسدین، خامنه‌ای، بهشتی، رفسنجانی (جمهوری اسلامی ۹ و ۱۰ آذر و بدینسان آن راهبها شیهای طرفداران حزب ویستن با زار-های قم، مشهد و تهران جنگ قدرت را وارد میدان تازه‌تری کرد. تاکنون جنگ قدرت عمدتاً در تبلیغات شفاهی یا کتبی بر علیه یکدیگر - انعکاس مییافت. اما ویژگی حداثی بی تضاد-های جناح‌های رقیب موجب شد که دست به نظرات و اعتصابات (با زار) علیه یکدیگر نیز بزنند و وقایع هفته گذشته نشان میدهند که:

۱- مبارزه طبقاتی بیش از پیش تشدید یافته و در این رابطه تضادهای درون هیأت حاکمه بیش از هر زمان دیگر شدت یافته و جناح‌های رقیب به جان یکدیگر افتاده‌اند.  
۲- شدت تضادها، با ملاقات‌های بنی-صدر و آیت‌الله خمینی و... تخفیف نیافته و از آنجا که مبتنی بر اختلافات اساسی است، با "میشاق-های وحدت" و... قابل تخفیف نیست بدین-

مبارزه‌ها را در میان کارگران و سوار توده‌ها بخش میگردید. اما مبارزه‌های توده‌ای بجای رسیده بود که دیگر گروهها و محافل به تنهایی عاجز از پاسخگویی بدان بودند. به این لحاظ ما دارا مبررسی جریان‌های درون جنبش کمونیستی و پس از مرز بندی با جریان‌های انحرافی بدین نتیجه رسیدیم که سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، با مشی پرولتری خود سهم عظیمی در جنبش داشته و از آنجا که ما از لحاظ سیاسی - ایدئولوژیک با این سازمان وحدت داریم ضروری است جهت خدمت به جنبش طبقه کارگران به صفوف هواداران این سازمان بپیوندیم.

دور در طبقه کارگران ایران پیش از جنبش دمکراتیک فدائیه‌ایستی خلقی ایران! مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلقی ایران! مرگ بر ارتجاع داخلی! برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق! (جوانان مبارز لالی)



## اعلامیه وحدت "جوانان مبارز لالی" (مسجد سلیمان)

با جنبش توده‌ها به مبارزه علیه رژیم منفور پهلوی به پیش رفتند. پس از قیام مبارزه‌ها ما به یافتن بود جریان حمله ارتجاع برای سرکوب نیروهای انقلابی، یکی از رفقای ما بدست عوام رژیم شهید شد. ارتجاع عیون رفیق "رضا-نرا توند" را ابتدا خفه کرده و سپس جسد را به رودخانه انداختند. در این زمان رهبری حرکت - های دانش‌آموزی و دبیرخانه‌های پیکار و حرکت روستا نشان سبل زده در منطقه بدست رفقای ما بودند اعلامیه‌های ما با امضاء "جوانان

در سالها شکی که رژیم شاه در سراسر ایران آزارش فدا خلقی خود را به پشتوانه ارگانهای سرکوب سرمایه‌داری وابسته برقرار کرده بود، سالها شکی که انقلابیون دست به مبارزه با ساجدها و شکنجه‌گاهها میزدند و با میدانهای تیر - نا که سینه مالامال از شور و انقلابی‌شان آماج گلوله‌خو‌ه‌های آتش قرار میگرفت، در یکی از بخشهای جنوب کشور (لالی) - از توابع مسجد سلیمان - قلب جوانانی که با به خانوادگی‌شان در کارگران شرکت نفت بود، از گذشته انقلابی میهن و اخبار مبارزاتی که در گوشه و کناره‌ها پیران میرسید، به پیش واداشته‌اند و مشعل فروزان آگاهی طبقه‌ای در ذهنیت نورسیده‌شان شعله‌ای دمید. این رفقا هنگامی که برای ادامه تحصیل به شهر می‌رفتند با علم ما رکتسیم - لنینیسم آشنا میگردیدند.

این رفقا هسته اولیه جریان ما را تشکیل داده و این هسته‌ها در میان دانش‌آموزان و معلمین پرداخت. در شهریور ۵۴ ضربه عمیقی به جریان ما وارد آمد که منجر به دستگیری عده‌ای از رفقا شد. در دوران قبل از قیام، رفقا همگام

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست